




فارکسر ۱ - هفت گام مفید و موثر

برای فارکسرها



ترجمه و ویرایش: کارگزاری فارکسر

منبع: [babypips.com](http://babypips.com)

مجموعه آموزشی فارکسر

هفت گام مفید و موثر برای فارکسرها

## فهرست مطالب

۹	..... سخنی با خواننده
۱۲	..... مقدمه
۱۵	..... گام اول: آشنایی با بازار فارکس
۱۷	..... فارکس چیست؟
۲۰	..... چه چیزی معامله می شود؟
۲۲	..... ارزها به صورت جفتی معامله می شوند
۲۶	..... چرا در فارکس معامله کنم؟
۲۶	..... مزایای بازار فارکس
۲۹	..... بازیگران بازار فارکس
۲۹	..... گردانندگان اصلی بازار.
۳۲	..... چه زمانی معامله کنم؟
۳۲	..... جلسات معامله
۳۷	..... گام دوم: آشنایی با نرم افزار فارکس ۵
۳۸	..... معرفی نرم افزار ۵ Meta Trader
۴۰	..... مبانی نرم افزار MT۵: نحوه ثبت سفارش ها
۴۴	..... مبانی نرم افزار MT۵: نحوه استفاده از نشانگرها
۴۷	..... مقایسه MT۴ و MT۵

۵۲	..... گام سوم: نحوه انجام معاملات
۵۳	..... نحوه انجام معاملات
۵۶	..... پپ و پیپت
۵۸	..... لات، ضریب اهرمی، سود و زیان
۶۲	..... انواع سفارشات
۶۵	..... کسب مهارت با حساب تمرینی
۷۰	..... گام چهارم: آشنایی با روشهای تحلیل بازار فارکس
۷۱	..... تحلیل تکنیکال
۷۳	..... انواع نمودارها
۷۸	..... حمایت و مقاومت
۸۴	..... خطوط روند
۸۵	..... کانالها
۸۶	..... تحلیل بنیادی
۸۶	..... تحلیل بنیادی چیست؟
۸۷	..... اخبار و تاثیر آنها بر بازار فارکس
۹۲	..... آشنایی با شاخص دلار
۹۲	..... شاخص دلار چیست؟
۹۴	..... نحوه خواندن شاخص دلار
۹۶	..... شاخص دلار وزنی - معاملات
۹۶	..... استفاده از USDX در فارکس

- ۱۰۱ ..... گام پنجم: آشنایی با ریسکهای بازار و نحوه مدیریت ریسک
- ۱۰۲ ..... دلیل اصلی ضرر معامله گران
- ۱۰۲ ..... ضریب اهرمی قاتل سرمایه
- ۱۰۴ ..... مارجین کال (Margin Call)
- ۱۰۵ ..... اثرات منفی ضریب اهرمی
- ۱۰۸ ..... ضریب اهرمی را دست کم نگیرید
- ۱۱۰ ..... چرا ضریب اهرمی ۱۰ را پیشنهاد می کنیم
- ۱۱۱ ..... مدیریت ریسک
- ۱۱۱ ..... مدیریت ریسک چیست؟
- ۱۱۳ ..... تخصیص سرمایه مناسب
- ۱۱۵ ..... افت سرمایه و حداکثر افت سرمایه
- ۱۱۷ ..... تمام سرمایه خود را ریسک نکنید
- ۱۲۰ ..... گام ششم: طراحی استراتژی معاملاتی
- ۱۲۲ ..... تعیین حد ضرر
- ۱۲۲ ..... حد ضرر به چه معنی است؟
- ۱۲۳ ..... اشتباهات رایج در انتخاب حد ضرر
- ۱۲۶ ..... نحوه اجرای نقاط توقف
- ۱۲۹ ..... تعیین حجم معاملات
- ۱۲۹ ..... اهمیت تعیین حجم معاملاتی
- ۱۳۰ ..... نحوه محاسبه حجم معاملاتی

- ۱۳۴ ..... طراحی استراتژی معاملاتی
- ۱۳۴ ..... طرح معاملاتی چیست؟
- ۱۳۵ ..... چرا طرح معاملاتی لازم است؟
- ۱۳۸ ..... خودتان را بشناسید
- ۱۳۹ ..... تعیین هدف و انگیزه
- ۱۴۱ ..... توقعات
- ۱۴۳ ..... تکالیف روزانه قبل از شروع بازار
- ۱۴۴ ..... به برنامه معاملاتی پایبند باشید
- ۱۴۶ ..... طرح خود اشتغالی کارگزاری فارکسر
- ۱۴۸ ..... گام هفتم: انتخاب کارگزار و افتتاح حساب معاملاتی
- ۱۴۹ ..... ۶ مورد مهم جهت انتخاب کارگزار
- ۱۵۲ ..... افتتاح حساب معاملاتی در فارکس

## سخنی با خواننده:

کتاب پیش روی شما در جهت افزایش آگاهی علاقه مندان بازارهای مالی بین المللی و در راستای اصلاح فرهنگ رایج، تهیه و چاپ شده است.

این کتاب شامل ۷ گام ساده و کاربردی جهت آشنایی و ورود به این بازار جهانی می باشد که در آن به زبانی ساده به معرفی بازار پرداخته شده و خطرات و ریسکهای احتمالی آن نیز به وضوح بازگو شده است تا شما خواننده گرامی با در نظر گرفتن تمامی موارد و با دیدی باز و هدفی روشن، اقدام به تصمیم گیری در مورد ورود یا عدم ورود به این بازار نمایید.

لازم به توضیح است که به علت محدودیتهای موجود در زمینه چاپ و نگارش، این کتاب به صورت خلاصه در اختیار شما قرار می گیرد و شما می توانید در صورت تمایل و جهت دریافت مشروح نوشتار، به کتاب الکترونیکی رایگان که به همراه این کتاب ارائه می گردد مراجعه نموده و سرفصلها و سایر موارد را به تفصیل در آن مطالعه نمایید.

گرچه این کتاب به معرفی گامهای موثر برای ورود به این بازار می پردازد، توجه به این نکته حایز اهمیت است که برای کسب موفقیت در این بازار، نیاز به کسب تجربه از طریق حسابهای تمرینی می باشد و به هیچ وجه توصیه نمی شود ( تاکید می کنیم به هیچ وجه) که بدون کسب تجربه و بررسی تمامی جوانب بازار و بدون داشتن استراتژی معاملاتی مناسب، اقدام به سرمایه گذاری و ورود به این بازار نمایید.

## به نام خدا

### مقدمه:

همزمان با رواج اینترنت در جوامع بین‌المللی و سهولت استفاده افراد از این تکنولوژی، تمایل ورود به بازارهای مالی جهانی نیز برای علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری و تجارت‌های بین‌الملل افزایش چشمگیری داشته است.

در این بین، آسانی ورود به این بازارها به همراه امکانات فزاینده‌ای که هر یک از کارگزاران در اختیار معامله‌گران قرار می‌دهند، بر جذابیت آن افزوده تا جائیکه شمار زیادی از افراد، بدون کسب دانش و تجربه لازم و بدون آشنایی با خطرات احتمالی، تنها به نیت کسب سود سرشار! وارد این بازار شده و متأسفانه ضررهای مالی و روحی غیر قابل‌جبرانی را متحمل می‌شوند.

طبق آمار، بیش از ۹۵٪ از فعالان این بازار، بدون کسب موفقیت و تنها با خاطره‌ای تلخ و با انبوهی از مشکلات این بازار را ترک می‌کنند.

جهت بررسی علت این امر، عوامل و دلایل متعددی باید پیگیری شود که در این جا به اختصار به دو مورد عمده آن می‌پردازیم:

وجود ضریب اهرمی (یا همان لوریج) که به ظاهر یکی از محاسن این بازار است، عمده‌ترین دلیل شکست و عدم موفقیت فعالان این بازار می‌باشد (برای آشنایی با ضریب اهرمی و شناخت عواقب آن، گام پنجم را چندین بار و به دقت مطالعه کنید)

کارگزاران برای اعطای ضریب اهرمی بیشتر به معامله‌گران در رقابتی شدید هستند و اکثر معامله‌گران نیز در این دام گرفتار شده و با افزایش ضریب اهرمی، سعی در کسب سودهای سرشار دارند اما این شمشیر دو لبه بیش از آنکه درمان باشد، دردی است بر پیکر معامله‌گران که تمامی سرمایه خود را با خیالی واهی و به نیت پیمودن ره صد ساله، در دام این قاتل سرمایه (ضریب اهرمی) گرفتار می‌سازند.

بنابراین، باز هم توصیه می‌کنیم بخش مربوط به ضریب اهرمی و خطرات ناشی از آن را چندین بار و به دقت مورد مطالعه قرار دهید تا از خطرات آن کاملاً آگاه شوید.



از جمله موارد دیگری که می توان در عدم موفقیت معامله گران به آن اشاره کرد، عدم وجود قانون و مقررات خاص در این بازار است. لازم به توضیح نیست که انسان ذاتا موجودی قانون گریز است که به صورت طبیعی سعی در شکستن هنجارها و فرار از مقررات دارد.

نکته جالبتر این است که عموم معامله گران ( به عنوان عضوی از جوامع بشری)، همیشه در معرض قوانین خارجی که از سوی خانواده و یا جامعه برایمان وضع شده قرار داشته ایم و به نوعی اجبار در پیروی از قوانین داشته ایم. بنابراین طبیعی است زمانی که به عنوان معامله گر وارد این بازار بی قانون می شویم، با مشکلات عدیده ای مواجه خواهیم شد.

موارد فوق تنها دو مورد از دلایل ضرر و زیان معامله گران است که توجه و شناخت آنها می تواند راهکاری مناسب جهت کنترل آنها در اختیار ما قرار دهد.

یکی از کارگزارانی که تحقیق و فعالیت گسترده ای در جهت شناخت این عوامل و ارائه راهکارهای اساسی جهت کنترل آنها داشته، کارگزاری فارکسر است که با ۱۰ سال تحقیق عملی و علمی و بررسی عملکرد معامله گران موفق و ناموفق، توانسته طرحی را در جهت تغییر نگرش معامله گران این بازار و ایجاد امنیت بیشتر برای سرمایه گزاران ارائه دهد.

طرح خوداشتغالی که توسط کارگزاری فارکسر ارائه می شود، سعی در ایجاد فضای امن معاملاتی دارد و قوانین و مقرراتی را به اجبار برای معامله گران در نظر می گیرد و آنها را مجاب به پیروی از قوانین می نماید. به بیان دیگر، این کارگزاری به معامله گران در مدیریت ریسک و سرمایه کمک شایانی کرده و عوامل روانشناختی معامله گران (که عمده معامله گران در مهار آن با مشکل مواجه هستند) را در کنترل نگه می دارد و به آنها در حفظ آرامش و تمرکز جهت انجام معاملات کمک قابل ملاحظه ای ارائه می کند.

امید است با مطالعه و درک مطالب این کتاب، و با به کارگیری این ۷ گام، گامی اساسی و آگاهانه برای ورود به بازارهای مالی برداشته و با تمرین و ممارست و کسب تجربه، بتوانید فعالیت در این بازار را به عنوان حرفه ای پایدار بر گزینید.

گام اول

آشنایی با بازار فارکس

## فارکس چیست؟

اگر تا به حال به کشور دیگری سفر کرده‌اید، معمولاً باید غرفه تبادل ارز را در فرودگاه پیدا کنید و سپس پولتان را به ارز کشور مقصد تبدیل کنید.

به مقابل پیشخوان می‌روید و متوجه تابلویی می‌شوید که نرخ‌های مختلف تبادل ارز را نمایش می‌دهد. "این ژاپن" را می‌بینید و با خود فکر می‌کنید که «وای! یک دلار من ۱۰۰ ین ارزش دارد؟! و ده دلار دارم! پولدار شدم!» (این شور و هیجان به سرعت از بین می‌رود زمانی که می‌خواهید از فرودگاه فرودگاه یک قوطی نوشیدنی گاز دار خریداری کنید و ناگهان، نیمی از پولتان خرج می‌شود).

وقتی این کار را انجام می‌دهید، اساساً در بازار فارکس شرکت کرده‌اید! یک ارز را با ارز دیگری مبادله کرده‌اید. و یا در اصطلاح فارکس، با فرض اینکه شما آمریکایی هستید و عازم ژاپن شده‌اید، دلار را فروخته و ین خریده‌اید.

وقتی به وطن برمی‌گردید، مقابل غرفه تبادل ارز توقف می‌کنید تا مقدار ینی که به طور معجزه آسایی باقیمانده (توکیو شهر گرانی است!) را مبادله کنید و متوجه می‌شوید که نرخ ارز تغییر کرده است. این تغییرات در نرخ تبادل است که به شما اجازه می‌دهد در بازار ارز درآمد کسب کنید.

بازار ارز که معمولاً "فارکس" یا FX نامیده می‌شود، بزرگترین بازار مالی در جهان است. در مقایسه با حجم ناچیز ۲۲.۴ میلیارد دلار در روز بازار بورس نیویورک، بازار ارز با حجم معامله ۵ تریلیون دلار در روز غول است. فارکس بی‌نظیر است!

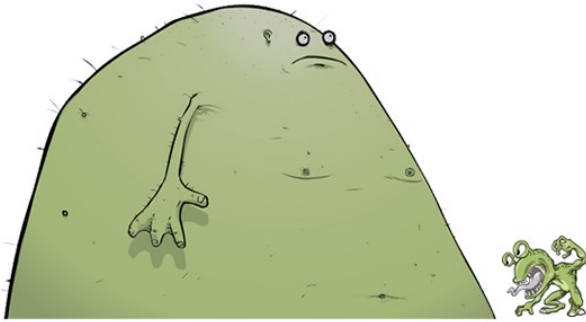
اجازه دهید این موضوع را به صورت تصویری بررسی کنیم...

در بزرگترین بازار سهام در جهان، یعنی بورس اوراق بهادار نیویورک (NYSE)، حجم معاملات در حدود ۲۲.۴ میلیارد دلار است. اگر از تصویر برای نشان دادن بازار بورس نیویورک استفاده کنیم، این طوری است....



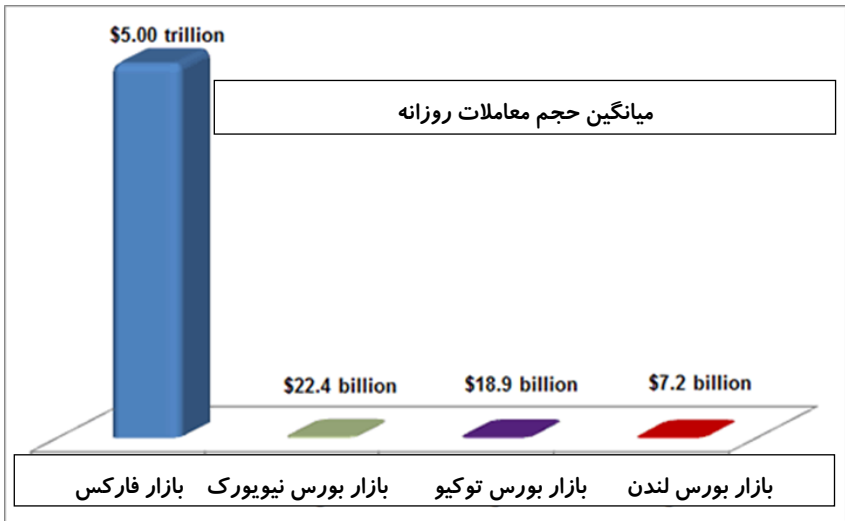
هر روز گزارش‌هایی درباره بازار بورس نیویورک در اخبار شنیده می‌شود در CNBC در بلومبرگ... در بی بی سی... حتی ممکن است در سالن ورزش محلی هم در مورد آن شنیده باشید. "بازار بورس نیویورک امروز فعال است" وقتی مردم در مورد "بازار" صحبت می‌کنند، معمولاً منظورشان بازار سهام است. بنابراین بازار بورس نیویورک بزرگ به نظر می‌رسد، صدایش بلند است و دوست دارد کلی سر و صدا راه بیندازد.

اما اگر آن را نسبت به بازار ارز مقایسه کنید، شبیه به این است...



بازار بورس نیویورک در مقایسه با فارکس ضعیف به نظر می‌رسد! هیچ شانس ندارد!

نمودار میانگین حجم معاملات روزانه برای بازار فارکس، بازار بورس نیویورک، بازار بورس توکیو و بازار بورس لندن در نمودار زیر نمایش داده شده است:



بازار ارز بیش از ۲۰۰ برابر بزرگتر است! عظیم است! اما این تازه اول کار است! رقم هنگفت ۵ تریلیون دلار کل بازار ارز جهانی را پوشش می دهد اما معامله گران خرده فروشی (مانند ما) بازار نقدی را معامله می کنند که حدود ۱.۴۹ تریلیون دلار است. بنابراین می بینید که بازار فارکس قطعاً بزرگ است، اما نه آنقدر بزرگ که رسانه ها بخواهند باورش کنند. آیا احساس می کنید که از قبل می دانستید در بازار فارکس چه می گذرد؟ ما که تازه شروع کرده ایم! در بخش بعد، نشان می دهیم که دقیقاً چه چیزی در بازار فارکس معامله می شود.



### چه چیزی معامله می شود؟

پاسخ ساده پول است.

از آنجا که چیز فیزیکی را خریداری نمی کنید، این نوع داد و ستد می تواند گیج کننده باشد.

خرید ارز را به صورت خرید سهام در یک کشور خاص در نظر بگیرید. مانند خرید سهام یک شرکت، قیمت ارز بازتاب مستقیم از آن چیزی است که بازار در مورد سلامت فعلی و آینده اقتصاد آن کشور فکر می کند.

اسم مستعار	ارز	کشور	نماد
باک	دلار	آمریکا	USD
فیبر	یورو	منطقه یورو	EUR
ین	ین	ژاپن	JPY
کابل	پوند	انگلیس	GBP
سوئسی	فرانک	سوئیس	CHF
لونی	دلار	کانادا	CAD
اوسی	دلار	استرالیا	AUD
کیوی	دلار	نیوزیلند	NZD

وقتی، مثلاً ین ژاپن را خریداری می‌کنید، در واقع یک "سهام" در اقتصاد ژاپن خریداری کرده اید. پیش بینی می‌کنید که وضع اقتصاد ژاپن خوب است، و با گذشت زمان حتی بهتر هم خواهد شد. وقتی این "سهام" را در بازار به فروش می‌رسانید، امیدوارید در نهایت سود کنید.

به طور کلی، تبادل یک ارز در مقابل ارزهای دیگر، بازتابی از وضعیت اقتصاد آن کشور در مقایسه با اقتصاد کشورهای دیگر است.

پس از اتمام هفت گام، مشتاق شروع کار با ارزها خواهید بود.

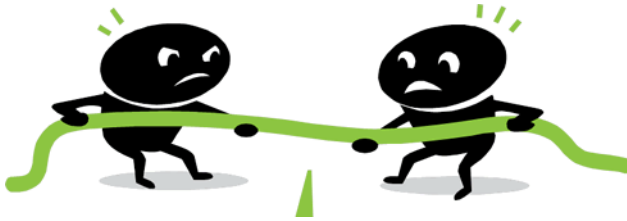


نماد ارز همیشه سه حرف است، که دو حرف اول نشان دهنده نام کشور و حرف سوم نشان دهنده نام ارز آن کشور می باشد.

برای مثال NZD را در نظر بگیرید. NZ مخفف نیوزیلند و D مخفف دلار است. ارزهای موجود در جدول صفحه قبل، ارزهای اصلی یا "ماژورها" نامیده می شوند چرا که به طور گسترده داد و ستد می شوند.

### ارزها به صورت جفتی معامله می شوند

داد و ستد فارکس به معنی خرید همزمان یک ارز و فروش ارز دیگری است (پایاپای). ارزها از طریق کارگزار به صورت جفتی معامله می شوند، برای مثال، یورو و دلار آمریکا (EUR/USD) یا پوند انگلیس و ین ژاپن (GBP/JPY). وقتی در بازار فارکس معامله می کنید، ارزها را به صورت جفت خرید و فروش خواهید کرد.



تصور کنید که هر جفت، به طور مداوم در "تقلا" با ارز دیگری است که در آن سوی طناب قرار دارد. نرخ ارز بر اساس اینکه کدام ارز در حال حاضر قوی تر است، در نوسان می باشد.

### جفت ارزهای اصلی

جفت ارزهایی که در جدول صفحه بعد نشان داده شده اند "جفت ارزهای اصلی" محسوب می شوند. یکی از ارزهای تشکیل دهنده این جفت ارزها دلار آمریکا است (USD) که بیشترین معامله بر روی آن صورت می گیرد. جفت ارزهای اصلی، نقدترین جفت ارزها و دارای بیشترین حجم معامله در دنیا هستند.

اصطلاح FX	کشورها	جفت
«یورو دلار»	منطقه یورو / آمریکا	EUR/USD
«دلار ین»	آمریکا / ژاپن	USD/JPY
«پوند دلار»	انگلیس / آمریکا	GBP/USD
«دلار سوئیسی»	آمریکا / سوئیس	USD/CHF
«دلار لونی»	آمریکا / کانادا	USD/CAD
«اوسی دلار»	استرالیا / آمریکا	AUD/USD
«کیوی دلار»	نیوزیلند / آمریکا	NZD/USD

جفت ارزهای غیر اصلی یا جفت ارزهای مینور

جفت ارزهایی که هیچ یک از دو ارز تشکیل دهنده آن دلار آمریکا (USD) نباشد، جفت ارز غیر اصلی یا به طور خلاصه "کراس" گفته می‌شوند. کراس‌های اصلی موسوم به "مینورها" هم هستند. کراس‌هایی که بیشترین معامله فعال را دارند ناشی از سه ارز اصلی غیر از USD هستند: EUR، JPY و GBP

کراس‌های یورو

اصطلاح FX	کشورها	جفت
«یورو سوئیسی»	منطقه یورو / سوئیس	EUR/CHF
«یورو پوند»	منطقه یورو / انگلیس	EUR/GBP
«یورو لونی»	منطقه یورو / کانادا	EUR/CAD
«یورو اوسی»	منطقه یورو / استرالیا	EUR/AUD
«یورو کیوی»	منطقه یورو / نیوزیلند	EUR/NZD

## کراس‌های ین

جفت	کشورها	اصطلاح FX
EUR/JPY	منطقه یورو/ژاپن	«یورو ین» یا «یوپی»
GBP/JPY	انگلیس/ژاپن	«پوند ین» یا «گوپی»
CHF/JPY	سوئیس/ژاپن	«سوئیزی ین»
CAD/JPY	کانادا/ژاپن	«لونی ین»
AUD/JPY	استرالیا/ژاپن	«اوسی ین»
NZD/JPY	نیوزیلند/ژاپن	«کیوی ین»

## کراس‌های پوند

جفت	کشورها	اصطلاح FX
GBP/CHF	انگلیس/سوئیس	«پوند سوئیزی»
GBP/AUD	انگلیس/استرالیا	«پوند اوسی»
GBP/CAD	انگلیس/کانادا	«پوند لونی»
GBP/NZD	انگلیس/نیوزیلند	«پوند کیوی»

سایر کراس‌ها

جفت	کشورها	اصطلاح FX
AUD/CHF	استرالیا/سوئیس	«اوسی سوئیس»
AUD/CAD	استرالیا / کانادا	«اوسی لونی»
AUD/NZD	استرالیا / نیوزلند	«اوسی کیوی»
CAD/CHF	سوئیس / کانادا	«لونی سوئیس»
NZD/CHF	نیوزیلند / سوئیس	«کیوی سوئیس»
NZD/CAD	نیوزیلند/ کانادا	«کیوی لونی»

## مزایای فارکس



منافع و مزایای بسیاری در داد و ستد فارکس وجود دارد. در اینجا فقط چند دلیل ذکر می‌شود که چرا بسیاری از مردم این بازار را انتخاب می‌کنند:

بدون کارمزد

فعالیت در فارکس بدون کمسیونهای معاملاتی، هزینه‌های مبادله، هزینه‌های دولت و هزینه‌های کارگزاری است. اغلب کارگزاران خرده فروشی در قبال خدماتشان، توسط "کارمزد خرید-فروش" از معامله گران دستمزد می‌گیرند.

بدون واسطه

داد و ستد فارکس سبب حذف واسطه‌ها می‌شود و به شما امکان می‌دهد تا به طور مستقیم با بازاری که قیمت یک جفت ارز خاص را تعیین می‌کند، معامله کنید.

عدم وجود "حجم معاملاتی" ثابت

در بازارهای آتی (فیوچرز)، اندازه حجم معاملات توسط بورس‌ها تعیین می‌شود. به عنوان مثال، مقدار استاندارد برای قراردادهای آتی نقره، برابر با ۵۰۰۰ اونس است. در فارکس، شما حجم مورد نظر را جهت انجام معاملات تعیین می‌کنید. این امر به معامله‌گران امکان می‌دهد که حتی با حساب کوچک با موجودی ۲۵ دلار نیز در این بازار شرکت کنند (اگر چه بعداً توضیح می‌دهیم که چرا حساب ۲۵ دلاری ایده خوبی نیست)

هزینه‌های معاملاتی اندک

هزینه معاملات خرده فروشی (کارمزد خرید/فروش) معمولاً کمتر از ۰.۱٪ در شرایط عادی بازار است. در معاملات بزرگ‌تر، کارمزد حتی می‌تواند ۰.۰۷٪ باشد. البته این بستگی به ضریب اهرمی استفاده شده دارد که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

بازار ۲۴ ساعته

انتظار برای زنگ بازگشایی بازار وجود ندارد. از باز شدن در صبح روز دوشنبه در استرالیا تا بسته شدن بعد از ظهر در نیویورک، بازار فارکس هرگز نمی‌خوابد. این برای کسانی که می‌خواهند به صورت پاره وقت معامله کنند عالی است زیرا می‌توانند زمان دلخواه معامله را انتخاب کنند: صبح، ظهر، شب

هیچ کس نمی‌تواند بازار را در کنترل خود درآورد

بازار ارز آنقدر بزرگ است و شرکت کنندگان بسیار زیادی دارد که هیچ نهاد واحدی (حتی بانک مرکزی یک کشور) نمی‌تواند قیمت بازار را برای مدت زمان طولانی کنترل کند.

ضریب اهرمی

در معاملات فارکس، معامله‌گر با سرمایه اولیه کم، می‌تواند قراردادی به ارزش بسیار بالاتر را کنترل کند. ضریب اهرمی این توانایی را به معامله‌گر می‌دهد که سود خوب به دست آورد.

برای مثال، کارگزار فارکس ممکن است ضریب اهرمی ۱ به ۵۰ را ارائه دهد، این بدین معنی است که معامله‌گر با داشتن یک حساب معاملاتی ۱۰۰ دلاری امکان انجام معامله به ارزش ۵۰۰۰ دلار را خواهد داشت. به طور مشابه، با ۵۰۰ دلار می‌تواند معادل ۵۰,۰۰۰ دلار معامله کند و ...

در حالی که این موضوع بسیار جذاب است، اما به یاد داشته باشید که ضریب اهرمی، شمشیر دو لبه است. بدون مدیریت ریسک مناسب، این درجه بالای ضریب اهرمی می‌تواند به زیان‌های بزرگ منجر شود.

نقدینگی بالا

از آنجا که بازار فارکس بسیار عظیم بوده و در روز حدود ۵ تریون دلار در آن مبادله می شود، دارای بیشترین نقدینگی در میان بازارهای مالی جهانی نیز می باشد. این بدان معنی است که در شرایط عادی بازار، با یک کلیک ماوس بلافاصله می توانید به خرید و فروش بپردازید زیرا معمولاً کسی در بازار وجود دارد که مایل است با شما به مبادله بپردازد به همین دلیل هرگز در یک معامله "گرفتار نمی شوید"

موانع کوتاه برای ورود

فکر می کنید که آغاز به کار به عنوان معامله گر ارز هزینه زیادی در بردارد؟ واقعیت این است که در مقایسه با داد و ستد سهام، اختیار یا آتی، چنین نیست. کارگزاران آنلاین فارکس، حساب های داد و ستد "مینی" و "میکرو" را ارائه می کنند که برخی از آنها حداقل موجودی حساب ۲۵ دلار را دارند.

نمی گوئیم که باید حساب کاربری با حداقل موجودی را باز کنید اما این امر بازار معامله ارز فارکس را بسیار بیشتر در دسترس فرد متوسطی قرار می دهد که سرمایه معامله آغازین زیادی ندارد.

چیزهای رایگان در همه جا!

بیشتر کارگزاران آنلاین بازار، حساب های "دمو" (تمرینی) را برای تمرین داد و ستد و ایجاد مهارت های تان همراه با اخبار فارکس و خدمات رسم نمودار ارائه می کنند.

و نکته جالب این است که همه آنها رایگانند!

حساب های تمرینی، منابع بسیار ارزشمند برای کسانی است که قصد دارند مهارت های معاملاتی خود را با «تمرین» افزایش دهند و پس از آن اقدام به باز کردن حساب با پول واقعی نمایند.

## بازیگران بازار فارکس



حالا که ساختار کلی بازار فارکس را می‌دانید، اجازه دهید آن را بیشتر بررسی کنیم تا بدانیم که این افراد دقیقا چه کار می‌کنند. ضروری است که ماهیت بازار فارکس و بازیگران اصلی را درک کنید.

تا اواخر دهه ۱۹۹۰ تنها "کله گنده‌ها" می‌توانستند این بازی را انجام دهند. شرط اولیه برای معامله این بود که ۱۰ تا ۵۰ میلیون دلار برای شروع کار داشته باشید! فارکس در ابتدا قرار بود توسط بانکداران و موسسات بزرگ استفاده شود نه ما "کوچولوها"

با این حال، به دلیل ظهور اینترنت، شرکت‌های آنلاین داد و ستد فارکس در حال حاضر قادر به ارائه حساب‌های معامله به معامله‌گران «خرده فروشی» مانند ما هستند.

بازیگران بزرگ در این بازار عبارتند از:

### ۱. بانک‌های بزرگ

از آنجا که بازار فارکس غیر متمرکز است، بزرگ‌ترین بانک‌های دنیا تعیین کننده نرخ‌های ارزند. بر اساس عرضه و تقاضا برای ارزها، آنها معمولا تنها کسانی اند که کارمزد خرید/فروش را ایجاد می‌کنند از این رو به این بازار، بازار بین بانکی نیز گفته می‌شود.

این بانک‌های بزرگ، مبالغ هنگفت معاملات بازار فارکس را هر روز برای مشتریان و خودشان برمی‌دارند. تعدادی از این بانک‌های بزرگ عبارتند از: UBS، Barclays Capital، دوپچه بانک، و سیتی گروپ. می‌توان گفت که بازار بین بانکی، بازار ارز خارجی است.



۲. شرکت‌های تجاری بزرگ

شرکت‌ها به منظور انجام کسب و کار، در بازار ارز شرکت می‌کنند. به عنوان مثال، اپل هنگام خرید قطعات الکترونیکی از ژاپن برای محصولات خود، باید ابتدا دلارهای آمریکا را به یین ژاپن تبدیل کند. از آنجا که حجمی که معامله می‌کنند بسیار کوچک‌تر از حجم معامله در بازار بین بانکی است، این نوع بازیگران معمولاً با بانک‌های تجاری برای انجام معاملاتشان سروکار دارند.

خرید و فروش بین شرکت‌های بزرگ همچنین می‌تواند موجب ایجاد نوسانات نرخ ارز شود. در تعاملات فرامرزی، بسیاری از مکالمات ارزی اتفاق می‌افتد که می‌تواند قیمت‌ها را دچار نوسان کند.

۳. دولت‌ها و بانک‌های مرکزی

دولت‌ها و بانک‌های مرکزی، از جمله بانک مرکزی اروپا، بانک مرکزی انگلستان، و فدرال رزرو آمریکا، به طور منظم در بازار فارکس نیز مشارکت می‌کنند. درست مثل شرکت‌ها، دولت‌ها در بازار فارکس جهت انجام عملیات خود، پرداخت‌های تجاری بین المللی و جابجایی ذخایر ارز خارجی شرکت می‌کنند.

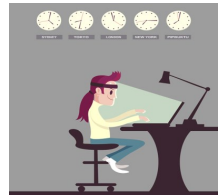
در همین حال، وقتی بانک‌های مرکزی به تنظیم نرخ‌های بهره برای کنترل تورم می‌پردازند، بر بازار فارکس تاثیرگذارند. با انجام این کار، می‌توانند بر ارزشگذاری پول تاثیر داشته باشند. همچنین مواردی برای دخالت بانک‌های مرکزی، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، در بازار فارکس وجود دارد و آن زمانی است که می‌خواهند نرخ‌های ارز را برابر کنند. گاهی اوقات، بانک‌های مرکزی فکر می‌کنند که ارزش پولشان بالا یا پایین قیمت گذاری شده است، بنابراین شروع به عملیات فروش یا خرید گسترده برای تغییر نرخ ارز می‌کنند.

نگران نباشید... بعد از اتمام این هفت گام، می‌توانید بخشی از این جمعیت باشید! البته، برای موفقیت باید صبور باشید!

۴. سفته بازان

سفته بازان که نزدیک به ۹۰ درصد از حجم معاملات را تشکیل می‌دهند در همه اشکال و اندازه‌ها وجود دارند. بعضی از آنها جیب پرپول دارند، برخی کمتر اما همه آنها در فارکس برای کسب درآمد شرکت می‌کنند.

## جلسات معامله



حال که می‌دانید فارکس چیست، اکنون باید بدانید چه زمانی می‌توانید معامله کنید.

بله، درست است که بازار فارکس در ۲۴ ساعت شبانه روز باز است، اما این بدان معنا نیست که همیشه در تمام روز فعال است.

زمانی می‌توانید کسب درآمد کنید که بازار حرکت صعودی داشته باشد، و حتی می‌توانید در زمانی که بازار حرکت نزولی دارد نیز سود کنید.

اما تلاش برای کسب درآمد در زمانی که بازار راکد است، دشوار است.

این درس کمک خواهد کرد که بهترین زمان از روز برای داد و ستد را تعیین کنیم.

ساعت بازار

قبل از بررسی بهترین زمان برای داد و ستد، باید ببینیم که ۲۴ ساعت شبانه روز در جهان فارکس چه شکلی است. بازار فارکس را می‌توان به چهار جلسه عمده داد و ستد تقسیم کرد: جلسه سیدنی، جلسه توکیو، جلسه لندن، و جلسه نیویورک. جدول زیر زمان‌های باز و بسته شدن برای هر جلسه را نشان می‌دهند:

## تابستان (حدود آوریل-اکتبر)

منطقه	EDT (به ساعت امریکا)	GMT (به ساعت لندن)	
سیدنی	باز	06:00 PM	10:00 PM
	بسته	03:00 AM	07:00 AM
توکیو	باز	07:00 PM	11:00 PM
	بسته	04:00 AM	08:00 AM
لندن	باز	03:00 AM	07:00 AM
	بسته	12:00 PM	04:00 PM
نیویورک	باز	08:00 AM	12:00 PM
	بسته	05:00 PM	09:00 PM

## زمستان (حدود اکتبر- آوریل)

منطقه	EDT	GMT	
سیدنی	باز	04:00 PM	09:00 PM
	بسته	01:00 AM	06:00 AM
توکیو	باز	06:00 PM	11:00 PM
	بسته	03:00 AM	08:00 AM
لندن	باز	03:00 AM	08:00 AM
	بسته	12:00 PM	05:00 PM
نیویورک	باز	08:00 AM	01:00 PM
	بسته	05:00 PM	10:00 PM

زمان‌های واقعی باز و بسته شدن مبتنی بر ساعت‌های اداری محلی اند. این زمان در طول ماه‌های اکتبر و آوریل که برخی از کشورها ساعت تابستانی (DST) را تغییر می‌دهند جابجا خواهد شد.

می‌توانید ببینید که بین هر جلسه، دوره زمانی وجود دارد که در آن دو جلسه به طور همزمان فعال هستند. در طول تابستان، از ساعت ۰۳:۰۰-۰۴:۰۰ صبح به وقت EDT، جلسه توکیو و جلسه لندن با هم تداخل دارند، و در هر دو فصل زمستان و تابستان از ۰۸:۰۰ صبح تا ۱۲:۰۰ ظهر به وقت EDT، جلسه لندن و جلسه نیویورک با هم تداخل دارند.

به طور طبیعی، این‌ها شلوغ‌ترین زمان در روز برای داد و ستد هستند زیرا هنگامی که دو بازار همزمان فعالند، حجم بیشتری جهت مبادله وجود دارد. این منطقی است زیرا در این زمان‌ها، تمام شرکت کنندگان بازار، پول بیشتری منتقل می‌کنند.

در حال حاضر، احتمالاً به زمان باز شدن سیدنی نگاه می‌کنید و فکر می‌کنید که چرا دو ساعت اختلاف دارد. فکر می‌کنید که زمان باز شدن سیدنی تنها یک ساعت جابجا می‌شود، اما به یاد داشته باشید که وقتی ایالات متحده ساعت را یک ساعت عقب می‌کشد، سیدنی در واقع ساعت را یک ساعت جلو می‌کشد (فصل‌ها در استرالیا برعکس اند). اگر قصد معامله در این دوره را دارید همیشه باید این نکته را به یاد داشته باشید.

اجازه دهید نگاهی به میانگین جابجایی پیپ\* جفت ارزهای اصلی در هر جلسه داد و ستد بیندازیم از این جدول، می‌بینید که جلسه اروپا به طور معمول بیشترین حرکت را فراهم می‌کند.

\* پیپ، کوچکترین واحد حرکت قیمت در یک جفت ارز است

بازار نیویورک	بازار لندن	بازار توکیو	جفت ارز
۹۲	۱۱۴	۷۶	EUR/USD
۹۹	۱۲۷	۹۲	GBP/USD
۵۹	۶۶	۵۱	USD/JPY
۸۱	۸۳	۷۷	AUD/USD
۷۰	۷۲	۶۲	NZD/USD
۹۶	۹۶	۵۷	USD/CAD
۸۳	۱۰۲	۶۷	USD/CHF
۱۰۷	۱۲۹	۱۰۲	EUR/JPY
۱۳۲	۱۵۱	۱۱۸	GBP/JPY
۱۰۳	۱۰۷	۹۸	AUD/JPY
۴۷	۶۱	۷۸	EUR/GBP
۸۴	۱۰۹	۷۹	EUR/CHF

جدول فوق، میزان نوسان جفت ارزهای مختلف در جلسات معاملاتی متفاوت را نمایش می دهد.

بر طبق آن مشاهده می کنید که جلسه معاملاتی لندن از بیشترین نوسان برخوردار است و یکی از مناسب ترین زمانها برای انجام معاملات می باشد.

گام دوم

آشنایی با نرم افزار فارکسر ۵

## معرفی نرم افزار ۵ Meta Trader

پس از آشنایی با بازار فارکس، اکنون زمان آن رسیده که یک حساب تمرینی افتتاح کرده و در آن به انجام معاملات به صورت تمرینی بپردازید تا با شرایط انجام معاملات و نوسانات موجود در این بازار آشنا شوید. برای این منظور می توانید از نرم افزار متا تریدر ۵ استفاده کنید.

نرم افزار MT۵، پلتفرم معاملاتی ساده ایست که معامله گران و کارگزاران متعددی از آن استفاده می کنند. معامله گران از این نرم افزار جهت مشاهده قیمت های لحظه ای ارز، اجرای دستورات معاملاتی، گرفتن تحلیل فنی و بنیادی استفاده می کنند. در نرم افزار MT۵ شما می توانید از بین جفت ارزها و شاخص های موجود، جفت ارز مورد نظر خود را جهت انجام معاملات انتخاب نمایید.

علاوه بر آن، نمودارهای موجود در این نرم افزار چنان قابل فهم هستند که یک فرد تازه کار می تواند به راحتی به کمک آنها جفت ارز مورد نظر خود را آنالیز کرده و اقدام به انجام معامله نماید.

معامله گران رباتیک! نیز می توانند مشاوران خبره (EXPERT ADVISOR) خود را بر روی آن فعال کنند. این کار باعث می شود تا آنها فرصت های معامله را به آسانی ردیابی کنند.

امکان دسترسی به پلتفرم MT۵ از طریق سایت اصلی شرکت متا کوت (Meta Quote) وجود دارد. قبل از این که بتوانید به معاملات خود و جفت های ارز دسترسی پیدا کنید، شما باید پلتفرم یاد شده را روی کامپیوتر خود نصب کنید.

مراحل کار به شرح زیر است:

اول: ایجاد حساب تمرینی:

۱- به سایت [www.FOREXer.me](http://www.FOREXer.me) مراجعه کرده و بر روی گزینه "افتتاح حساب تمرینی"

کلیک کنید



۲- برنامه MT5.exe را دانلود و نصب کنید.

۳- بادقت جزئیات حساب را تکمیل کنید.

**Open an Account**

**Personal details**  
To open an account, please fill out all the following fields:

Name:

Country:  State:

City:  Zip code:

Address:

Phone:  E-Mail:

Account type:

Leverage:  Deposit:  USD

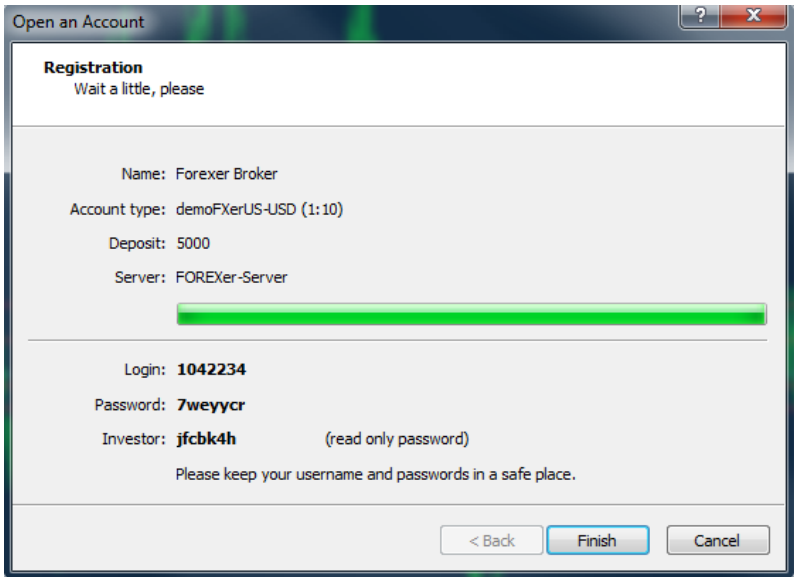
I agree to subscribe to your newsletters

< Back    Next >    Cancel

دوم: جزئیات حساب خود را ثبت کنید.

الف) نسخه ای از اطلاعات ورودی به حساب خود را ثبت و نگهداری کنید. این کار را قبل از خروج از مرحله ثبت نام انجام دهید.

ب) شما با استفاده از نرم افزار MT5 می توانید حساب های متعددی را ایجاد کرده و به آنها دسترسی پیدا کنید. لطفاً، به حسابی که قبل از انجام معاملات از آن استفاده می کنید، توجه کنید.



بهتر است برای ورود به این بازار کمی صبور باشید و ابتدا معامله بر روی حساب تمرینی را امتحان کنید. با انجام این کار، بدون این که سرمایه ارزی خود را در معرض ریسک قرار دهید، با نحوه کار با نرم افزار معاملاتی آشنا خواهید شد. علاوه بر آن، شما می توانید به سرمایه خود اضافه کنید یا اگر حسابتان را از دست دادید یا مدت زمان حساب تمرینی شما به پایان رسید، می توانید حساب جدیدی را افتتاح نمایید.

### مبانی نرم افزار MT5: نحوه ثبت سفارش ها

اکنون که حساب MT5 خود را ایجاد کرده اید، زمان آن فرا رسیده که نحوه استفاده از آن را نیز فرا بگیرید!

می دانیم در اولین برخورد با این نرم افزار، وجود تعداد زیادی آیت، پنجره و دکمه ممکن است کمی ترسناک به نظر برسد. نگران نباشید با کمی تمرین به راحتی با ابعاد مختلف آن آشنا می شوید.

ما کار خود را با مبانی نرم افزار آغاز می کنیم- تعیین و ایجاد سفارش ها  
زمانی که این گام را به پایان بردید، شما با نحوه انجام موارد زیر آشنا خواهید شد:

۱- نحوه خرید و فروش از طریق دستورات مستقیم بازار

۲- نحوه خرید و فروش از طریق دستورات شرطی

۳- اصلاح یک معامله پس از انجام آن

### انجام معاملات از طریق دستورات مستقیم بازار

۱- از نوار بالای صفحه بر روی گزینه New Order کلیک کنید.

۲- کادر اجرایی ظاهر می شود. از روی فهرست آبخاری، جفت ارزی را که می خواهید معامله کنید، انتخاب نمایید.

۳- سپس، گزینه اجرای بازار (Market Execution) را در فهرست آبخاری نوع سفارش (Order Type) انتخاب کنید.

۴- حجم معامله مورد نظر را انتخاب نمایید. به خاطر داشته باشید که حجم معامله برحسب اندازه های لات استاندارد بیان می شود. در نظر داشته باشید که یک لات استاندارد به ارزش ۱۰۰،۰۰۰ واحد است. از اینرو، اگر مایل هستید که ۵۰،۰۰۰ واحد از یک جفت ارز را خریداری کنید، مقدار ۰.۵ را در قسمت حجم وارد کنید.

۵- اگر توضیح خاصی برای انجام معامله دارید، می توانید آن را در بخش نظرات وارد نمایید.

۶- سرانجام، تعیین کنید که آیا قصد خرید یا فروش آن جفت ارز را دارید. یک کادر ظاهر خواهد شد تا تأیید کند که معامله شما اجرا شده است. ممکن است تمایل داشته باشید که هرگاه یک جفت ارزی را در بازار خرید و فروش می کنید، بخش های مربوط به تعیین حد ضرر (stop loss) و یا حد سود (Take Profit) را نیز فعال کنید.

این گزینه ها فقط به این منظور فعال شده اند تا هنگام نوسان قیمت، به شما کمک کنند تا در اسرع از یک معامله خارج شوید. بعد از این که معامله ای انجام شد، شما هنوز می توانید سطح خروج خود را با اصلاح معامله مشخص کنید.

وارد شدن به یک معامله از طریق سفارش مشروط

۱- روی گزینه New Order کلیک کنید.

۲- از روی فهرست آبخاری، جفت ارز مورد معامله خود را انتخاب کنید.

۳- سپس، سفارش مشروط (Pending Order) را در فهرست آبخاری Order Type انتخاب کنید.

۴- تعیین کنید که آیا قصد خرید یا فروش جفت ارز مورد نظر را دارید. این کار را در فهرست آبخاری Order Type انجام دهید. ۴ گزینه مهم آن به شرح زیر است:

Buy Limit – اگر شما قصد دارید “معامله خرید” را در قیمتی پایین تر از قیمت بازار انجام دهید.

Sell Limit – اگر قصد دارید “معامله فروش” را در قیمتی بالاتر از قیمت بازار انجام دهید.

Buy Stop – اگر قصد دارید “معامله خرید” را بالاتر از قیمت بازار انجام دهید.

Sell Stop – اگر قصد دارید “معامله فروش” را با قیمتی پایین تر از قیمت بازار انجام دهید

۵- پس از این که نوع سفارش را انتخاب کردید، قیمتی را که می خواهید با آن وارد بازار شوید، انتخاب کنید.

۶- آنگاه، اندازه معامله ای را که می خواهید انجام دهید در قسمت حجم وارد کنید.

۷- در قسمتهای Stop Loss و Take Profit می توانید قیمت مورد نظر را مشخص کنید. در این صورت، با رسیدن قیمت بازار به قیمتی تعیین شده توسط شما، معامله به صورت اتوماتیک (ممکن است با سود یا ضرر) بسته خواهد شد.

۸- با استفاده از گزینه سفارش مشروط (Pending Order)، همچنین از امکان تعیین تاریخ انقضا در سفارش خود نیز برخوردار خواهید بود.

۹- زمانی که همه اطلاعات را تکمیل کردید، گزینه Place را فشار دهید تا تنظیمات مورد نظر شما ثبت گردد. کادری ظاهر خواهد شد تا تأیید عمل ثبت را تأیید کند. در این صورت با رسیدن قیمت بازار به پارامترهای تعیین شده، معامله موردنظر به صورت اتوماتیک اجرا خواهد شد

#### اصلاح معاملات

از نوار بالای صفحه گزینه View و سپس Toolbox را انتخاب کنید (Ctrl + T) روی گزینه Trade در پایین صفحه کلیک کنید. شما در اینجا همه موقعیتهای معاملاتی خود را خواهید یافت که شامل قیمت های ورودی، اندازه های پوزیشن، نقاط تعیین ضرر و تعیین سود هستند.

به منظور اضافه کردن یا اصلاح نقطه تعیین ضرر و یا سود:

۱- روی معامله ای که شما می خواهید آن را اصلاح کنید، کلیک راست کنید و گزینه "Modify or Delet Order" را انتخاب کنید.

۲- سپس، بخش های Stop Loss و Take Profit را در سطح دلخواه خود تکمیل کنید. زمانی که این کار را انجام دادید، گزینه Modify را انتخاب کنید.

۳- یک کادر ظاهر می شود تا عملیات انجام شده را تأیید نمایید

به منظور بستن یک معامله:

۱- روی معامله ای که می خواهید آن را ببندید، راست کلیک کرده و روی گزینه "Close Order" کلیک کنید.

۲- اگر می خواهید كل معامله خود را ببندید، دکمه زرد رنگ زیر گزینه های Buy و Sell را انتخاب کنید.

۳- پس از فشار دادن دکمه Close، مانده سود شما تغییر کرده و سود / زیان در معامله ای که به تازگی بسته اید، نشان داده می شود.

### مبانی نرم افزار MT5: نحوه استفاده از نشانگرها<sup>۱</sup>

نرم افزارهای معاملاتی بسته به کارگزار شما، مجموعه های متفاوتی از نشانگرها را ارائه می کنند. برخی از آنها فقط در حالت های پایه هستند اما برخی دیگر به تمامی مجموعه ابزارها و بررسی های پیشرفته مجهز می شوند تا به شما در تصمیم گیری کمک کنند.

این نرم افزار بسیار تنظیم پذیر است! به این نرم افزار به عنوان سیستم معاملاتی نگاه کنید. شما می توانید انواع نشانگرها و برنامه های "مشاوران خبره" را اجرا کنید، تنظیمات آنها را تقریباً به هر روشی که می خواهید، تغییر دهید و حتی برنامه معاملاتی دلخواه خودتان را ایجاد کنید!

در این درس، ما قصد داریم که شما بیشترین بهره را از نرم افزار MT5 ببرید. دانستن نحوه ورود و خروج از معاملات کافی نیست. شما باید با نحوه استفاده از ابزارهای متعدد نرم افزار خود آشنا شوید و باید با نحوه تغییر و سفارشی کردن آنها برای نیازهای خود آشنا شوید.

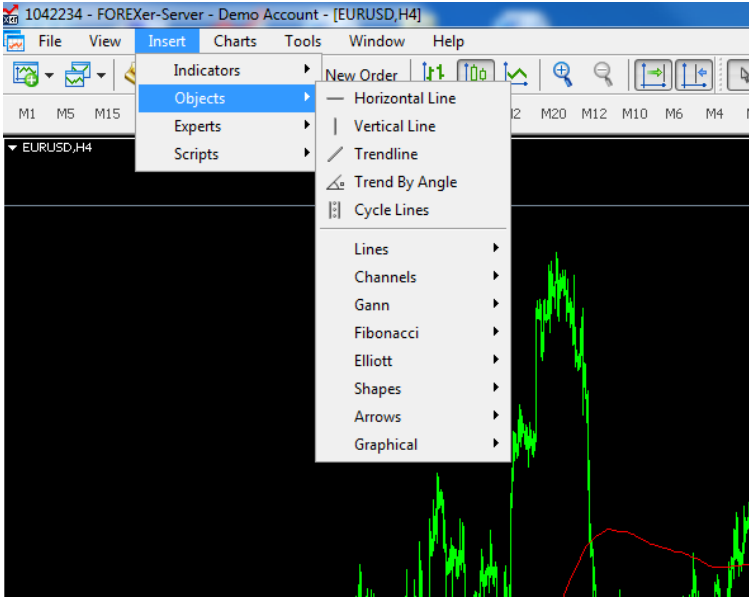
اگر تاکنون این سؤال برای شما مطرح بوده است که چگونه سایر معامله گران به تمامی این نشانگرها بر روی نمودارهای خود دست پیدا می کنند، این درس برای شما مفید است!

### اضافه کردن عناصر نمودار

۱- روی منوی Insert از نوار بالای صفحه کلیک کنید.

۱- نشانگرها عناصر تصویری هستند که به شما در آنالیز نمودارها کمک می کنند

۲- یک عنصر را برای اضافه کردن به نمودار انتخاب کنید (مثلاً خطوط، شکل ها، پیکان ها و خطوط فیبوناچی)

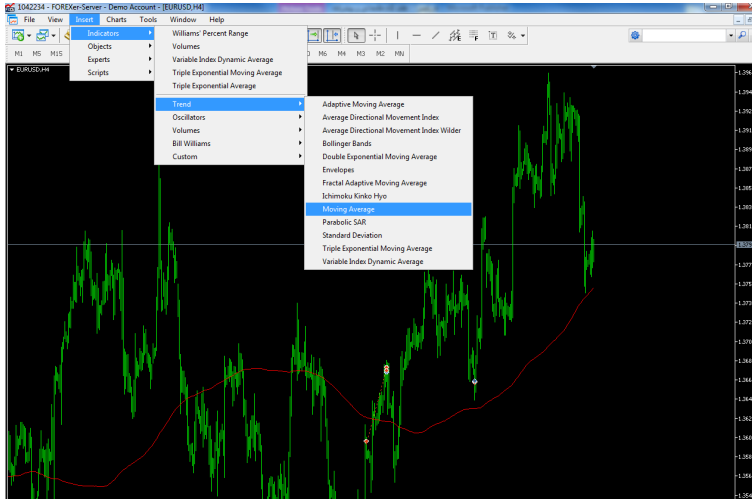


۳- روی ناحیه نمودار که قرار است عناصر در آن ظاهر شوند، کلیک کرده و شکل مورد نظر را در آنجا اضافه کنید.

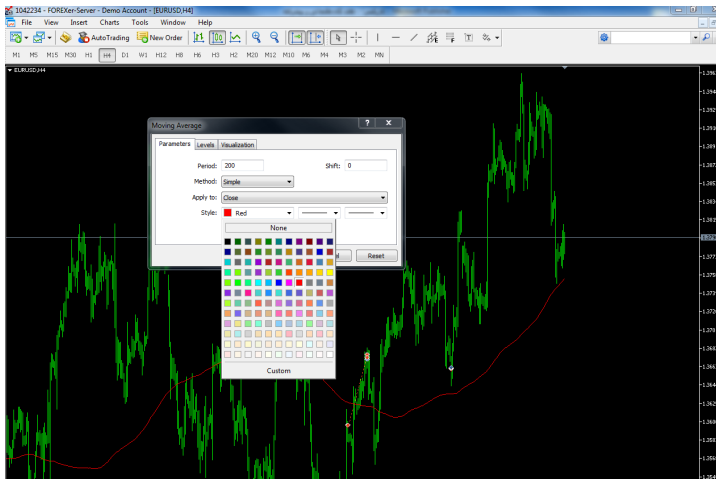
### اضافه کردن نشانگرها

۱- روی منوی Insert کلیک کنید.

۲- نشانگری را که می خواهید اضافه کنید، انتخاب کنید. نشانگرها معمولاً براساس نوع آنها دسته بندی می شوند. در این مثال، نشانگر میانگین متغیر در زیر منوی "Trend" قرار دارد.



پس از انتخاب یک نشانگر، شما بی درنگ پارامترهای آن را تعیین خواهید کرد. شما همچنین می توانید رنگ نشانگر، سبک خط و تنظیمات دیگر را اصلاح کنید.





زمانی که پارامترها و تنظیمات را تعیین کردید، روی "OK" کلیک کنید. اکنون، نشانگر برای ادامه کار و استفاده از تحلیلها آماده است.

### مقایسه MT۴ و MT۵

با توجه به آنکه آخرین نسخه نرم افزار معاملاتی متاتریدر تحت عنوان MT۵ در اختیار کارگزاران و معامله گران قرار گرفته است، در اینجا سعی داریم به مقایسه آن با MT۴ پرداخته و نکات برتر MT۵ را بیان کنیم:

موضوع	MT۴	MT5
بازه زمانی	دارای ۹ بازه زمانی	دارای ۲۱ بازه زمانی
نمودارها	قابلیت محدود	قابلیت بازگشایی همزمان ۱۰۰ نمودار
تقویم اقتصادی	ندارد	دارد
امکان خرید مستقیم محصولات MQL	ندارد	دارد
نشانگرها	۳۰ نشانگر پیش فرض	۳۸ نشانگر پیش فرض

موضوع	MT۴	MT۵
آیتمهای گرافیکی	۳۱	۴۴
حالت‌های مختلف جهت ساخت نشانگرها	۶	۱۸
دستورات معاملاتی	۲ دستور مستقیم و ۴ دستور شرطی	۲ دستور مستقیم و ۶ شرطی به همراه ۲ دستور جدید توقف
مشاوره خبره (EA)	زبان برنامه نویسی C	زبان برنامه نویسی C++ بررسی پیشرفته استراتژی
قابلیت اجرای دستورات با یک کلیک	ندارد	دارد
* قابلیت Hedging	دارد	ندارد
اسپرد	ثابت	شناور
نمایش عمق بازار	ندارد	دارد
نمایش قیمت‌ها	چهار رقم اعشار	پنج رقم اعشار
قابلیت مدیریت همزمان چند حساب	ندارد	دارد
سرعت عملکرد	متوسط	بسیار سریع
مشاهده پورتفوی	ندارد	دارد

موضوع	MT۴	MT۵
قابلیت جابجایی حد سود / ضرر بر روی نمودار	ندارد	دارد
سرعت اجرای برنامه های MQL	X۱	X۲۰
قابلیت تشخیص خطاهای برنامه نویسی	ندارد	دارد
قابلیت بررسی استراتژی بر روی چند ارز	ندارد	دارد
شناسایی ایمیل جهت باز کردن حساب	ندارد	دارد
زبانهای نرم افزار	۳۲ زبان	۲۴ زبان
قابلیت نصب بر روی گوشیهای هوشمند	دارد	دارد

- با توجه به این موضوع که نهاد نظارتی NFA<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۹ استفاده از پوزیشنهای هم زمان خرید و فروش (Hedging) را در این بازار ممنوع نمود، نرم افزار معاملاتی MT۵ نیز این مورد مهم را لحاظ کرده و به معامله گران اجازه این کار را نمی دهد. طبق آمارها و برآوردهای قبلی، استفاده از Hedging در معاملات یکی از عمده دلایل ضرر و زیان معامله گران بوده است.

گام سوم

نحوه انجام معاملات

## نحوه انجام معاملات



در بازار بین المللی ارز، به خرید و فروش ارزها می پردازید.

اجرای یک معامله در بازار ارز ساده است: مکانیزم معامله بسیار شبیه به بازارهای دیگر (مانند بازار سهام) است بنابراین اگر تجربه ای در داد و ستد دارید، باید این بازار را نیز خیلی سریع یاد بگیرید.

هدف از داد و ستد، تبدیل یک ارز به ارز دیگر با این توقع است که قیمت تغییر خواهد کرد، به طوری که قیمت ارز خریداری شده نسبت به ارز فروخته شده افزایش خواهد یافت.

مثال: اقدام معامله گر بر روی جفت ارز EUR/USD

۱۰،۰۰۰ یورو در نرخ تبادل ۱.۱۸۰۰ EUR/USD خریداری می کنید

$$+۱۰،۰۰۰ \quad -۱۱،۸۰۰*$$

دو هفته بعد، ۱۰،۰۰۰ یورو خود را دوباره به دلار آمریکا با نرخ تبادل ۱.۲۵۰۰ تبدیل می کنید

$$-۱۰،۰۰۰ \quad +۱۲،۵۰۰**$$

سود ۷۰۰ دلاری به دست می آورید

$$+۷۰۰ \quad \cdot$$

دلار آمریکا  $۱۱،۸۰۰ = ۱۰،۰۰۰ \times ۱.۱۸$  \* یورو

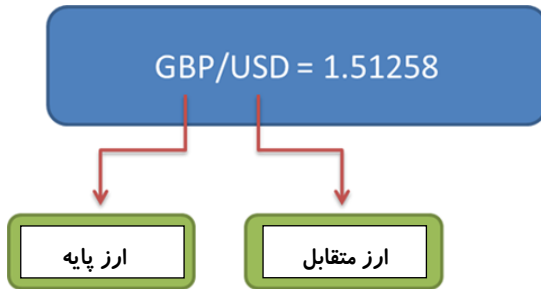
دلار آمریکا  $۱۲،۵۰۰ = ۱۰،۰۰۰ \times ۱.۲۵$  \*\* یورو

۷۰۰ دلار سود  $۱۲،۵۰۰ - ۱۱،۵۰۰ =$

نرخ تبادل ارز نسبتِ ارزش یک ارز به ارز دیگر است. برای مثال، نرخ تبادل ارز USD/CHF نشان می‌دهد که چند دلار آمریکا می‌تواند یک فرانک سوئیس را خریداری کند، یا چند فرانک سوئیس نیاز دارید تا ۱ دلار آمریکا را بخرید.

### نحوه خواندن منته فارکس

ارزها همیشه به صورت جفت نمایش داده می‌شوند، مانند GBP/USD و USD/JPY. دلیلش این است که در هر معامله به طور همزمان به خرید یک ارز و فروش ارز دیگر می‌پردازید. در اینجا مثالی از یک نرخ تبادل ارز برای پوند انگلیس در برابر دلار آمریکا بیان می‌شود:



به اولین ارز در سمت چپ، ارز پایه گفته می‌شود (در این مثال، پوند انگلیس)، در حالی که به ارز دوم در سمت راست ارز متقابل گفته می‌شود (در این مثال، دلار آمریکا)

هنگام خرید، نرخ تبادل نشان می‌دهد که باید چند واحد از ارز متقابل را برای خرید یک واحد از ارز پایه پرداخت کنید. در مثال بالا، باید ۱.۵۱۲۵۸ دلار آمریکا برای خرید ۱ پوند انگلیس بپردازید.

هنگام فروش، نرخ تبادل بیان می‌کند که باید چند واحد از ارز متقابل را در قبال فروش یک واحد از ارز پایه دریافت کنید. در مثال بالا، باید ۱.۵۱۲۵۸ دلار آمریکا را هنگام فروش ۱ پوند انگلیس دریافت کنید.

ارز پایه اساس "خرید یا فروش" است. اگر قصد خرید جفت ارز EUR/USD را دارید، بدان معناست که ارز پایه را خرید می‌کنید و همزمان ارز متقابل را به فروش می‌رسانید. به بیان ساده، یورو خریده اید و دلار فروخته اید.

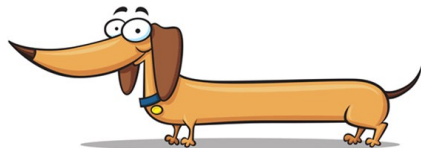
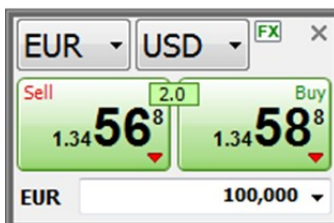
اگر فکر می‌کنید ارزش ارز پایه نسبت به ارز متقابل افزایش می‌یابد می‌توانید آن جفت ارز را خریداری کنید. اگر فکر می‌کنید ارزش ارز پایه نسبت به ارز متقابل کاهش می‌یابد می‌توانید آن جفت ارز را بفروشید.

### خرید/فروش

در ابتدا، باید نوع معامله را انتخاب کنید: خرید یا فروش؟

اگر می‌خواهید خرید کنید (که در واقع به معنی خرید ارز پایه و فروش ارز متقابل است)، می‌خواهید ارزش ارز پایه افزایش یابد و سپس آن را با قیمت بالاتری به فروش برسانید. در اصطلاح معامله‌گران، به این حالت "Long" یا "موقعیت خرید" گفته می‌شود. پس به یاد داشته باشید: Long = خرید.

اگر می‌خواهید ارز مورد نظر را به فروش برسانید (که در واقع به معنی فروش ارز پایه و خرید ارز متقابل است)، می‌خواهید ارزش ارز پایه کاهش یابد و سپس آن را با قیمت کمتری بخرید. در اصطلاح معامله‌گران، به این حالت "Short" یا "موقعیت فروش" گفته می‌شود. به یاد داشته باشید: Short = فروش.



قیمت خرید/قیمت فروش



بررسی قیمت خرید/فروش

تمام مظنه های فارکس با دو قیمت نمایش داده می شوند: قیمت خرید و قیمت فروش که همیشه قیمت فروش کمتر از قیمت خرید است.

قیمت خرید، قیمتی است که در آن شما مایل به خرید ارز پایه در ازای ارز متقابل هستید.

قیمت فروش، قیمتی است که در آن شما مایل به فروش ارز پایه در ازای ارز متقابل هستید.

به تفاوت میان قیمت خرید و فروش "کارمزد" (spread) گفته می شود.

در مثال قبلی در مورد مظنه EUR/USD، قیمت فروش ۱.۳۴۵۶۸ و قیمت خرید ۱.۳۴۵۸۸ است.

اگر می خواهید EUR را به فروش برسانید، روی "Sell" کلیک کنید در این صورت یورو را با قیمت ۱.۳۴۵۶۸ به فروش خواهید رساند.

اگر قصد خرید EUR دارید، روی "Buy" کلیک کنید و یورو را با قیمت ۱.۳۴۵۸۸ خرید کنید.

پیپ و پیپت

احتمالا اصطلاحات "پیپ"، "پیپت"، و "لات" را شنیده‌اید. اکنون تعریف آنها و نحوه محاسبه شان را نشان می دهیم.

برای این اطلاعات وقت بگذارید زیرا این دانش برای همه معامله گران بازار فارکس ضروری است. تا زمانی که مفهوم ارزش پیپ و محاسبه سود و زیان را به خوبی درک نکرده‌اید، به فکر انجام معامله نباشید.

پیپ چیست؟ پیپت چیست؟

به کوچکترین واحد قابل تغییر در نرخ یک جفت ارز «پیپ» گفته می‌شود. اگر EUR/USD از ۱.۲۲۵۰ به ۱.۲۲۵۱ حرکت کند، شاهد افزایش ۱۰.۰۰۰۱ در ارزش USD بوده ایم که به آن یک پیپ گفته می‌شود. پیپ معمولاً آخرین رقم اعشار از مظنه است. اکثر جفت ارزها ۴ رقم اعشار دارند، اما استثناً هم وجود دارد مانند جفت ارزهایی که در آنها این ژاپن وجود دارد (دو رقم اعشار دارد).

**بسیار مهم:** برخی کارگزاران جفت ارزها را بیش از ۴ و ۲ رقم اعشار استاندارد و با ۵ و ۳ رقم اعشار اعلام می‌کنند. آنها پیپ‌های کسری یا «پیپت‌ها» هستند.

برای مثال، اگر GBP/USD از ۱.۵۱۵۴۲ به ۱.۵۱۵۴۳ حرکت کند، به میزان ۰.۰۰۰۰۱ افزایش یافته است که به آن یک پیپت گفته می‌شود.

از آنجا که هر ارز دارای ارزش نسبی خاص خود می‌باشد، محاسبه ارزش یک پیپ برای آن جفت ارز لازم است. در مثال زیر، از مظنه با ۴ رقم اعشار استفاده می‌کنیم. به منظور انجام بهتر محاسبات، نرخ‌های تبادل با نسبت بیان می‌شوند

(یعنی EUR/USD در ۱.۲۵۰۰ به صورت USD / ۱.۲۵۰۰ EUR / ۱ نوشته می‌شود)

مثال: نسبت نرخ تبادل USD/CAD = ۱.۰۲۰۰ به این صورت خوانده می‌شود:

$$1 \text{ USD} = 1.0200 \text{ CAD}$$

(تغییر ارزش در ارز متقابل) ضربدر نسبت نرخ تبادل = ارزش پیپ (بر حسب ارز پایه)

$$[0.0001 \text{ CAD}] \times [1 \text{ USD} / 1.0200 \text{ CAD}] = 0.0001 \times 0.98039 = 0.00009804$$

پس با توجه به مثال فوق، میزان ارزش هر پیپ برابر با ۰.۰۰۰۰۹۸۰۴ دلار برای هر یک واحد

حجم معامله خواهد بود

با استفاده از این مثال، اگر ۱۰,۰۰۰ واحد USD/CAD را معامله کنیم، آنگاه تغییر یک پیپ در نرخ تبادل تقریباً معادل ۰.۹۸ دلار خواهد بود ( $10,000 \times 0.00009804 = 0.98$ )

از "تقریباً" استفاده می‌کنیم چرا که با تغییر نرخ تبادل، ارزش هر پیپ نیز تغییر می‌کند.

در اینجا یک مثال نیز با استفاده از جفت ارزی که در آن این ژاپن ارز متقابل است ارائه می‌شود.

قیمت جفت ارز GBP/JPY برابر است با ۱۲۳.۰۰

توجه کنید که این جفت ارز تنها با دو رقم اعشار ارائه می‌شود (بسیاری از ارزهای دیگر چهار رقم اعشار دارند). در این مورد، یک پیپ معادل ۰.۰۱ خواهد بود

(تغییر ارزش در ارز متقابل) ضربدر نسبت نرخ ارز = ارزش پیپ (بر حسب ارز پایه)

$$[0.01 \text{ JPY}] \times [1 \text{ GBP}/123.00 \text{ JPY}] = 0.01 \times 0.00813 = 0.000813$$

بنابراین، هنگام داد و ستد ۱۰,۰۰۰ واحد GBP/JPY، هر تغییر پیپ تقریباً معادل ارزش ۸.۱۳ پوند است. ( $10,000 \times 0.000813 = 8.13$ )

لات، ضریب اهرمی، و سود و زیان

مبادلات ارزها در حجم‌های خاصی به نام لات داد و ستد می‌شود. اندازه استاندارد برای هر لات ۱۰۰,۰۰۰ واحد است. اندازه لات مینی، میکرو، و نانو نیز وجود دارد که به ترتیب ۱,۰۰۰، ۱۰۰، و ۱۰ واحد هستند.

لات	تعداد واحدها
Standard	۱۰۰,۰۰۰
Mini	۱۰,۰۰۰
Micro	۱,۰۰۰
Nano	۱۰۰

همانطور که می‌دانید، تغییر در ارزش ارز نسبت به ارز دیگر بر حسب "پیپ" اندازه گیری می‌شود که کوچکترین واحد قابل تغییر در ارزش جفت ارزها می باشد. برای استفاده از این تغییر جزئی در ارزش ارز، نیاز به معامله مقادیر زیادی از یک ارز دارید تا بتوانید سود (یا احتمالاً زیان!) قابل توجه را تجربه کنید.

فرض کنید از اندازه لات (استاندارد) ۱۰۰,۰۰۰ واحدی استفاده می‌کنیم. اکنون برخی از مثال‌ها را دوباره محاسبه می‌کنیم تا ببینیم چه تاثیری بر ارزش پیپ دارد:

USD/JPY با نرخ تبادل ۱۱۹.۸۰

$$\text{ارزش هر یک پیپ} = \$8.34 = 100,000 \times (0.1 / 119.80)$$

USD/CHF با نرخ تبادل ۱.۴۵۵۵

$$\text{ارزش هر یک پیپ} = \$6.87 = 100,000 \times (0.001 / 1.4555)$$

در مواردی که ارز اول دلار آمریکا نیست، فرمول کمی متفاوت است و باید عدد حاصله مجدد در نرخ برابری ضرب شود:

۱. EUR/USD با نرخ تبادل ۱.۱۹۳۰

$$9.99734 = 8.38 \times 1.1930 = 100,000 \times (0.001 / 1.1930)$$

گرد شده به ۱۰ دلار برای هر پیپ است

۲. GBP/USD با نرخ تبادل ۱.۸۰۴۰

$$9.99416 = 5.54 \times 1.8040 = 100,000 \times (0.001 / 1.8040)$$

گرد شده به ۱۰ دلار برای هر پیپ است

کارگزار شما ممکن است قرارداد دیگری برای محاسبه ارزش پیپ نسبت به اندازه لات داشته باشد اما با هر راهی که این کار را انجام دهد، می‌تواند میزان ارزش پیپ برای معامله ارز مورد نظر را در زمان خاص به شما بگوید.

ضریب اهرمی چیست؟

احتمالا فکر می کنید یک سرمایه گذار کوچک چگونه می تواند چنین مبالغ عظیم پول را معامله کند. کارگزاران را همچون بانک در نظر بگیرید که برای انجام یک معامله به حجم یک لات، مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ دلار به شما می دهد. تنها چیزی که بانک از شما می خواهد این است که ۱,۰۰۰ دلار به عنوان وجه الضمان به او بدهید که نزد او می ماند اما لزوماً آن را حفظ نمی کند. این نوع داد و ستد با استفاده از ضریب اهرمی انجام می پذیرد.



میزان اهرم مورد استفاده شما بستگی به کارگزاران و مبلغ سرمایه گذاری شما دارد.

معمولا کارگزار نیاز به سپرده اولیه خواهد داشت که "وجه الضمان" نامیده می شود. بعد از سپرده گذاری مبلغ وجه الضمان، می توانید اقدام به انجام معامله نمایید. کارگزار همچنین مشخص می کند که بابت هر حجم مورد معامله، چه میزان وجه الضمان از شما درخواست کند.

برای مثال، فرض کنید از ضریب اهرمی ۱:۱۰۰ استفاده می کنید (۱٪ از مبلغ مورد معامله را به عنوان وجه الضمان پرداخت می کنید) و می خواهید موقعیتی به ارزش ۱۰۰,۰۰۰ دلار را معامله کنید، اما فقط ۵,۰۰۰ دلار در حساب خود دارید. در این صورت کارگزار ۱۰۰۰ دلار به عنوان پیش پرداخت یا "وجه الضمان" از شما طلب خواهد کرد و به شما اجازه می دهد بقیه را "قرض بگیرید"

در مثال بالا، کارگزار معادل ۱٪ از مبلغ کل مورد معامله را طلب می کند. این بدان معنی است که برای هر ۱۰۰,۰۰۰ دلار معامله شده، کارگزار ۱,۰۰۰ دلار به عنوان سپرده برای آن موقعیت طلب می کند.

نحوه محاسبه سود و زیان

پس اکنون که نحوه محاسبه ارزش پپ و ضریب اهرمی را می‌دانید، اجازه دهید نحوه محاسبه سود و زیان را نیز بررسی کنیم.

اجازه دهید دلار آمریکا را خرید کنیم و فرانک سوئیس را به فروش برسانیم.

۱. نرخ اعلام شده برای این جفت ارز ۱.۴۵۳۰ / ۱.۴۵۲۵ است. از آنجا که دلار آمریکا را خریداری می‌کنید، قیمت ۱.۴۵۳۰ برای شما ثبت می‌شود (یا نرخی که معامله‌گران دیگر یا کارگزاران آماده فروش به آن قیمت هستند)

۲. پس ۱ لات استاندارد (۱۰۰,۰۰۰ واحد) با قیمت ۱.۴۵۳۰ خریداری می‌کنید.

۳. چند ساعت بعد، قیمت به ۱.۴۵۵۰ می‌رسد و تصمیم به بستن معامله خود می‌گیرید.

۴. مظنه جدید برای USD/CHF برابر با ۱.۴۵۵۵ / ۱.۴۵۵۰ است. از آنجا که در حال بستن معامله خود هستید و در ابتدا با خرید وارد معامله شدید، اکنون جهت خروج از معامله باید اقدام به فروش کنید. بنابراین باید قیمت ۱.۴۵۵۰ برای شما در نظر گرفته می‌شود.

۵. تفاوت بین ۱.۴۵۳۰ و ۱.۴۵۵۰ برابر با ۰.۰۰۲۰ یا ۲۰ پپ است.

۶. با استفاده از فرمول قبلی، اکنون مبلغ زیر را داریم:

$$۱۳۷.۴۰ \text{ دلار} = ۲۰ \text{ پپ} \times \text{هر پپ } ۶.۸۷ \text{ دلار} = ۱۰۰,۰۰۰ \times \frac{۰.۰۰۰۱}{۱.۴۵۵۰}$$

به یاد داشته باشید، وقتی اقدام به انجام معامله می‌کنید، باید کارمزد آن را نیز پرداخت کنید

وقتی ارزی را خریداری می‌کنید، از قیمت خرید استفاده خواهید کرد و وقتی به فروش می‌رسانید، از قیمت فروش.

## انواع سفارشات



مطمئن شوید که به انواع دستورهای که کارگزاران می‌پذیرد مسلط هستید. کارگزاران مختلف انواع مختلف دستورها را می‌پذیرند. چند نوع دستور اصلی وجود دارد که همه کارگزاران ارائه می‌کنند.

### انواع دستورها

دستور بازار (یا دستور فوری): دستوری برای خرید یا فروش با بهترین قیمت موجود در بازار به عنوان مثال، قیمت خرید نزد کارگزار برای EUR/USD در حال حاضر ۱.۲۱۴۰ و قیمت فروش ۱.۲۱۴۲ است. یعنی اگر می‌خواهید EUR/USD را در بازار خرید کنید، قیمت ۱.۲۱۴۲ مناسب شماست. روی buy کلیک می‌کنید و نرم افزار معاملاتی شما فوراً دستور خرید را در آن قیمت اجرا می‌کند.

### دستور محدودیت ورود (Limit Entry Orders)

محدودیت ورود دستوری است که برای خرید زیر قیمت بازار یا فروش بالای قیمت بازار با قیمت خاصی قرار داده می‌شود. به عنوان مثال، EUR/USD در حال حاضر در ۱.۲۰۵۰ معامله می‌شود.

می‌خواهید اگر قیمت به ۱.۲۰۷۰ برسد آن جفت ارز را بفروشید. می‌توانید در مقابل مانیتور خود بنشینید و صبر کنید تا قیمت به ۱.۲۰۷۰ برسد و سپس در آن نقطه روی دستور فروش کلیک می‌کنید یا می‌توانید دستور محدودیت فروش در ۱.۲۰۷۰ تنظیم کنید. آنگاه می‌توانید کامپیوتر خود را خاموش کنید! به محض رسیدن قیمت به عدد مورد نظر شما، دستور فروش به طور اتوماتیک اجرا می‌شود.

زمانی از این نوع دستور استفاده می‌کنید که فکر می‌کنید قیمت پس از رسیدن به رقم تعیین شده توسط شما، روند حرکتی معکوس خواهد شد!

### دستور توقف ورود (Stop Entry Order)

دستور توقف ورود، برای خرید بالاتر از قیمت بازار یا فروش زیر قیمت بازار با قیمت خاصی قرار داده می‌شود.

به عنوان مثال، GBP/USD در حال حاضر در قیمت ۱.۵۰۵۰ معامله شده و روند صعودی دارد. شما بر این باورید که اگر قیمت به ۱.۵۰۶۰ برسد باز هم افزایش خواهد یافت. یکی از موارد زیر را انجام دهید: در مقابل کامپیوتر بنشینید و وقتی قیمت به ۱.۵۰۶۰ رسید در بازار خرید کنید یا دستور توقف ورود در ۱.۵۰۶۰ تنظیم کنید. زمانی از دستور توقف ورود استفاده می‌کنید که احساس می‌کنید قیمت در یک روند مشخص حرکت خواهد کرد!

### دستور توقف زیان (Stop Loss Order)

دستور توقف زیان، نوعی دستور جهت جلوگیری از زیان‌های بیشتر در زمانی است که قیمت علیه شما حرکت می‌کند. این دستور کاربرد موثری در مدیریت ریسک و جلوگیری از زیان‌های شدید در لحظات پرنوسان بازار دارد.



برای مثال، EUR/USD را در قیمت ۱.۲۲۳۰ خریداری می‌کنید. برای محدود کردن حداکثر زیان، دستور توقف زیان را در قیمت ۱.۲۲۰۰ تنظیم می‌کنید. این بدان معنی است که اگر در تشخیص روند حرکت جفت ارز مورد معامله اشتباه کردید و EUR/USD به ۱.۲۲۰۰ کاهش یافت، نرم افزار معاملاتی، موقعیت معاملاتی شما را به صورت خودکار در قیمت ۱.۲۲۰۰ به فروش می‌رساند. در این صورت بهترین قیمت موجود اجرا شده و موقعیت شما با زیان ۳۰ پیپ بسته می‌شود.

دستور توقف زیان، دستوری بسیار مفید و کارآمد است. اگر نمی‌خواهید تمام طول روز مقابل مانیتور بنشینید نگران از دست رفتن کل سرمایه خود باشید، به سادگی می‌توانید دستور توقف زیان را برای هر معامله تنظیم کنید تا با خیالی آسوده به انجام معاملات خود بپردازید.

### دستور توقف زیان متحرک (Trailing Stop)

توقف زیان متحرک، نوعی دستور توقف است که در شرایط پرنوسان بازار و جهت حفاظت از سود های حاصل از انجام معامله، قابل اجرا می‌باشد.

فرض کنید که تصمیم دارید USD/JPY را با قیمت ۹۰.۸۰ به فروش برسانید و برای آن توقف زیان متحرک ۲۰ پیپ در نظر می‌گیرید. این بدان معنی است که در ابتدا، توقف زیان شما در ۹۱.۰۰ است. اگر قیمت به سود شما حرکت کرده و به ۹۰.۵۰ برسد، توقف زیان حرکت کرده و به قیمت ۹۰.۷۰ تغییر می‌کند.

فقط به یاد داشته باشید که در صورت حرکت قیمت علیه شما، دستور توقف ضرردر این قیمت باقی خواهد ماند. به عنوان مثال، با توقف متحرک ۲۰ پیپ، اگر USD/JPY به قیمت ۹۰.۵۰ برسد، توقف شما به قیمت ۹۰.۷۰ حرکت خواهد کرد. در این حالت اگر قیمت ناگهان تا ۹۰.۶۰ حرکت کند، توقف شما در ۹۰.۷۰ باقی می‌ماند.

معامله شما تا زمانی باز خواهند ماند که قیمت ۲۰ پیپ علیه شما حرکت کند. هنگامی که قیمت به توقف متحرک می‌رسد، دستور اجرا خواهد شد و موقعیت به صورت اتوماتیک بسته می‌شود.

### کسب مهارت با حساب تمرینی

اکثر کارگزاران به شما این امکان را می دهند که به طور رایگان یک حساب تمرینی باز کرده و شرایط بازار و نحوه حرکت جفت ارزها را در آن تجربه کنید.

اما چرا رایگان؟

زیرا کارگزار می خواهد شما تمام قابلیت‌های نرم افزار معاملاتی را یاد بگیرید و بدون ریسک به داد و ستد بپردازید. حساب تمرینی به شما اجازه می دهد تا به یادگیری بازار پرداخته و مهارت‌های معاملاتی خود را بدون ریسک افزایش داده و استراتژی های مختلف را مورد آزمایش قرار دهید.

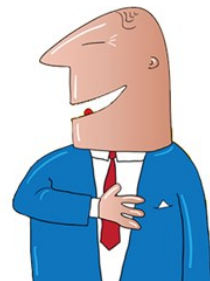
بله، درست است، صفر!

باید به صورت آزمایشی معامله کنید تا زمانی که سیستم مطمئن و سودآوری ایجاد کنید و سپس در مورد قرار دادن پول واقعی در سیستم فکر کنید.

تکرار می کنیم - باید به صورت آزمایشی معامله کنید تا زمانی که سیستم مطمئن و سودآوری ایجاد کنید و سپس در مورد قرار دادن پول واقعی در سیستم فکر کنید.

اکنون دست خود را روی قلب تان بگذارید و بگویید...

« با حساب تمرینی معامله خواهم کرد تا زمانی که سیستم مطمئن و سودآوری ایجاد کنم و سپس در باره قرار دادن پول واقعی در سیستم فکر می کنم.



باید صبور باشید و حداقل دو ماه با حساب آزمایشی معامله کنید. به یاد داشته باشید که صبر و شکیبایی از جمله ارکان مهم در موفقیت معامله گران در این بازار می باشد.

روی یک جفت ارز اصلی تمرکز کنید.

هنگام شروع به داد و ستد، زیر نظر گرفتن بیش از یک جفت ارز دشوار است. روی یک جفت ارز اصلی تمرکز کنید چرا که آنها نقدترین ارزها با کمترین کارمزد هستند.

می توانید در انجام معاملات موفق باشید اما مثل تمامی جنبه های دیگر زندگی، نیاز به سخت کوشی، فداکاری، درک بالا و قضاوت خوب دارید.

### از خودت محافظت کن

قبل از ادامه مطلب، می خواهیم با شما کاملاً صادق باشیم و قبل از آنکه داد و ستد ارز را در نظر بگیرید مطلب زیر را به شما بگوییم:

همه معامله گران فارکس، و منظور ما همه معامله گران است، در معاملات ضرر می کنند.

بیش از نود درصد معامله گران به دلیل عدم برنامه ریزی، آموزش، نظم و انضباط، و عدم رعایت قوانین مدیریت سرمایه، متضرر می شوند.

اگر از ضرر نفرت دارید یا اگر کمال گرا هستید، احتمالاً باید برای تنظیم شدن با این بازار سختی زیادی تحمل کنید چرا که همه معامله گران هر از گاهی ضرر می کنند.

باید حداقل ۱۰,۰۰۰ دلار سرمایه اولیه داشته باشید که توان و تحمل ریسک کردن آن را نیز داشته باشید به این معنی که زندگی شما وابسته به آن مبلغ نباشد و بتوانید آن را به صورت بلند مدت سرمایه گذاری کنید. انتظار نداشته باشید که با حساب چند صد دلاری شروع کنید و میلیاردر شوید.

ممکن است فکر کنید که معامله گران در سراسر جهان سود زیادی از این بازار کسب می کنند اما واقعیت این است که ۹۰٪ معامله گران به علت عدم رعایت اصول معاملاتی، متضرر می شوند.

مشکل اینجاست که بسیاری از معامله گران با امید واهی میلیاردر شدن وارد می شوند اما در واقعیت، آنها فاقد نظم و انضباط لازم برای یادگیری صحیح هستند. اغلب مردم معمولاً فاقد نظم برای رعایت رژیم غذایی یا برای رفتن به سالن ورزشی هستند!!

اگر شما نیز نمی توانید در انجام کارهای فوق نظم و پیوستگی داشته باشید، چگونه می توانید در یکی از سخت ترین، اما پرسودترین بازارهای دنیا موفق شوید؟

داد و ستد کوتاه مدت برای آماتورها نیست، و به ندرت می تواند راه «پولدار شدن سریع» باشد. نمی توانید سودهای عظیم را بدون تحمل ریسک های عظیم به دست آورید.

معامله گری که این کار را انجام می دهد احتمالاً استراتژی معامله ندارد - مگر اینکه به قمار "استراتژی" بگوید!

معامله در بازارهای مالی به معنی پولدار شدن سریع نبوده بلکه مهارتی است که باید در طول زمان یاد گرفته شود.

معامله گران ماهر می توانند درآمد داشته باشند و چنین هم هست. با این حال، مانند هر شغل یا حرفه دیگری، موفقیت یک شبه رخ نمی دهد.

در مورد این موضوع خوب فکر کنید، اگر چنین بود، همه معامله گران الان باید میلیونر باشند.

حقیقت این است که حتی معامله‌گران حرفه‌ای با سال‌ها تجربه، هنوز هم با زیان‌های مقطعی روبرو می‌شوند.

این را در ذهن خود حک کنید: هیچ راهی برای یک شبه پولدار شدن در این بازار وجود ندارد.

تسلط به انجام معاملات نیاز به تمرین، تجربه و صبر دارد و هیچ جایگزینی برای آن وجود ندارد.

یادگیری معاملات را با حساب تمرینی شروع کنید و تا زمانی که بر آن مسلط نشده‌اید، وارد حساب واقعی نشوید.

## گام چهارم

آشنایی با روشهای تحلیل بازار فارکس

## تحلیل تکنیکال

جهت تحلیل و بررسی بازارهای مالی، دو نوع تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد: تحلیل فنی یا تکنیکال، و تحلیل بنیادی

در تحلیل تکنیکال، معامله‌گران تغییرات قیمت‌ها را مطالعه و بررسی می‌کنند.

نظریه مربوطه این است که فرد می‌تواند به تاریخچه تغییرات قیمت نگاه کند و شرایط دادوستد کنونی و تغییرات احتمالی قیمت را پیش‌بینی نماید.

مصادق اصلی برای استفاده از این تحلیل این است که، به لحاظ نظری، تمامی اطلاعات بازار در قیمت منعکس می‌شود. اگر قیمت، تمامی اطلاعات موجود در بازار را منعکس کند، آن‌گاه تنها چیزی که فرد واقعاً برای انجام دادوستد به آن نیاز دارد، مطالعه و بررسی قیمت‌ها است. تاریخ تکرار می‌شود!

این موضوع اساساً همان چیزی است که تحلیل فنی درباره آن صحبت می‌کند. اگر سطح قیمتی در گذشته به عنوان معیار خرید یا فروش توسط معامله‌گران در نظر گرفته شده، می‌توان از آن سطوح جهت پیش‌بینی روند حرکتی قیمت‌ها در آینده نیز استفاده کرد.

تحلیل‌گران فنی به دنبال الگوهای مشابهی هستند که در گذشته شکل گرفته است، و این عقیده دارند که این الگوها در آینده نیز اتفاق خواهند افتاد



در بازارهای مالی، تحلیل تکنیکال با نمودارها همراه است. تحلیلگران از نمودارها استفاده می‌کنند چرا که ساده‌ترین راه برای تجسم داده‌های گذشته است

به داده‌های قدیمی نگاه کنید تا به شما کمک کند روندها و الگوهایی را شناسایی کنید که می‌تواند در یافتن فرصت‌های مناسب در آینده شما را یاری کند.

هرچه معامله‌گران بیشتر به دنبال سطوح معین قیمت و الگوها در نمودارها باشند، احتمال یافتن آنها بیشتر است.

با این وجود باید بدانید که تحلیل فنی بسیار وابسته به طرز تفکر شخص تحلیلگر می‌باشد.

ممکن است دو تحلیل‌گر در شرایط یکسان و با استفاده از ابزارهای تحلیلی مشابه، به نتایج کاملاً مشابه دست پیدا کنند. این امر بیان‌گر این موضوع است که نوع نگاه افراد در تحلیل، تاثیر بسزایی در نتیجه حاصله دارد.

هم‌اکنون، می‌دانیم دارید به خودتان فکر می‌کنید. شگفت‌انگیز است! این مردان باهوش هستند. کلمات مسخره‌ای مانند فیبوناچی و بولینگر به کار می‌برند. هیچ‌گاه نمی‌توانم این چیزها را یاد بگیرم! خیلی خودتان را ناراحت نکنید. بعد از آن که مدرسه پیپ‌شناسی را به اتمام رساندید، شما هم مانند ما... امم... باهوش خواهید بود.



## انواع نمودارها

اجازه دهید نگاهی به سه نوع نمودار محبوب بیندازیم:

۱. نمودار خطی

۲. نمودار میله‌ای

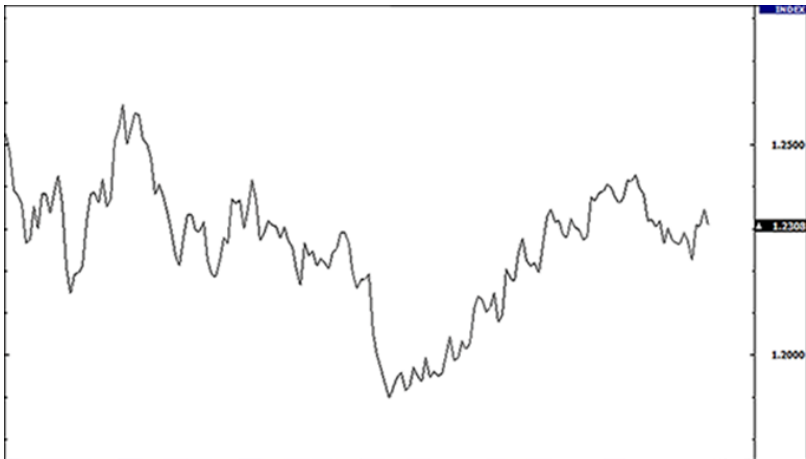
۳. نمودار شمعی

اکنون هر یک از این نمودارها را توضیح می‌دهیم.

### نمودار خطی

نمودار خطی ساده، خطی است که نقاط بسته شدن قیمت یک جفت ارز را به یکدیگر متصل می‌کند. وقتی نقاط با خط بهم متصل شوند، می‌توانیم حرکت کلی قیمت یک جفت ارز در یک دوره زمانی را ببینیم.

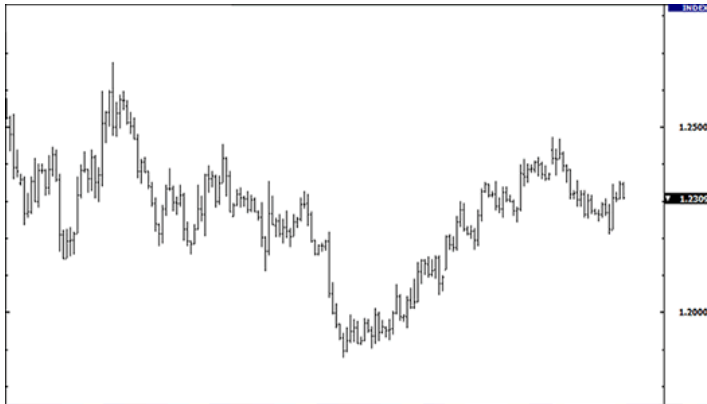
مثالی از نمودار خطی برای EUR/USD چنین است:



### نمودار میله‌ای

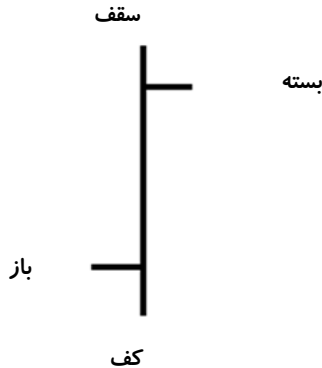
نمودار میله‌ای کمی پیچیده‌تر است. این نمودار قیمت‌های باز و بسته شدن و همچنین سقف و کف قیمت را نشان می‌دهد. پایین نوار عمودی نشان دهنده کف قیمت معامله شده برای آن دوره زمانی است، در حالی که بالای نوار نشان دهنده سقف قیمت آن جفت ارز می‌باشد.

خط تیره افقی در سمت چپ نوار، قیمت باز شدن خط تیره افقی در سمت راست، قیمت بسته شدن است. مثالی از نمودار میله‌ای برای EUR/USD به صورت زیر است:



هر یک میله بیان گر یک بخش از زمان است، یک روز، یک هفته، یا یک ساعت.

به نمودارهای میله‌ای "نمودارهای OHLC"<sup>۱</sup> نیز گفته می‌شود چرا که آنها نشان دهنده باز شدن، بالا، پایین، و بسته شدن آن جفت ارز هستند. مثالی از یک "میله" به این صورت است:



باز: خط افقی کوچک در سمت چپ که نشان دهنده قیمت باز شدن است

سقف: بیشترین حد قیمت در یک دوره زمانی

کف: کمترین حد قیمت در یک دوره زمانی

بسته: خط افقی کوچک در سمت راست که نشان دهنده قیمت بسته شدن است

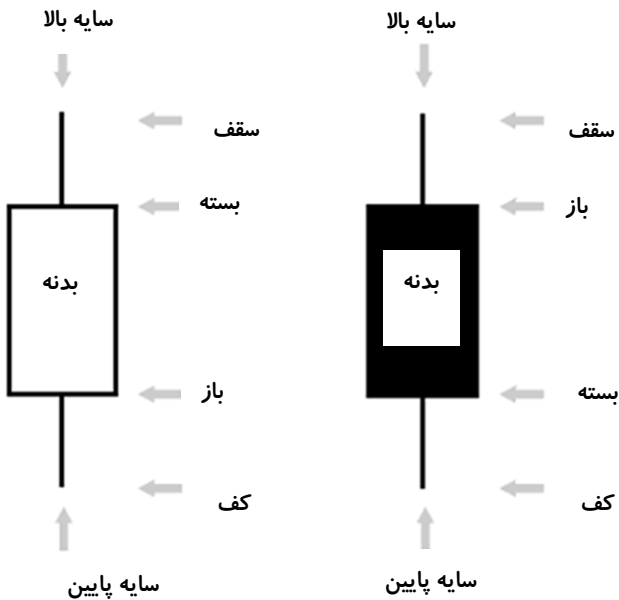
### نمودار شمعی

نمودار شمعی همان اطلاعات نمودار میله‌ای را نشان می‌دهد اما با حالت گرافیکی زیباتر.

میله‌های شمعی هنوز هم محدوده بالا به پایین را با خط عمودی نشان می‌دهند.

با این حال، در نمودار شمعی، بدنه بزرگ در وسط نشان دهنده محدوده بین قیمت باز شدن و بسته شدن است. اگر بدنه شمع پر باشد، آنگاه قیمت جفت ارز نزولی بوده و اگر بدنه شمع توخالی باشد، نشان دهنده حرکت صعودی قیمت آن جفت ارز است.

در مثال زیر، رنگ بدنه "سیاه" (پر) است. برای بدنه‌های "توپر"، بالای بدنه قیمت باز شدن و پایین آن قیمت بسته شدن است. اگر قیمت بسته شدن بالاتر از قیمت باز شدن باشد، آنگاه بدنه به رنگ "سفید" یا توخالی خواهد بود.

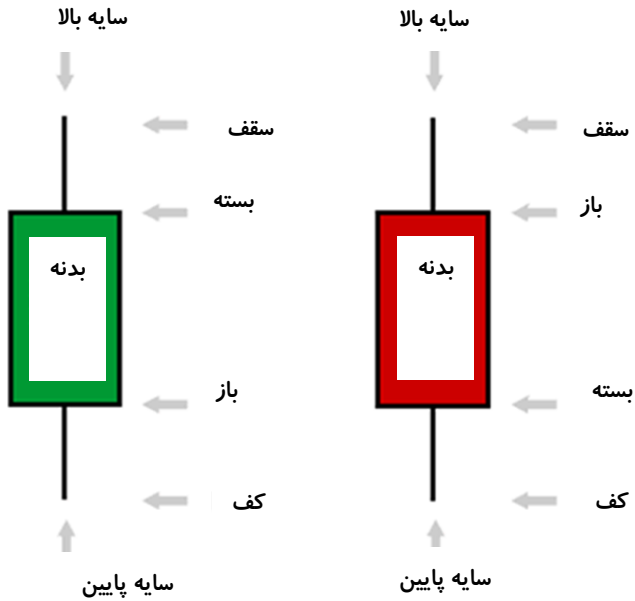


می توانید در نرم افزار معاملاتی خود، رنگ مورد علاقه خود را برای بدنه شمع ها انتخاب کنید.

فقط سبز را جایگزین سفید، و قرمز را جایگزین سیاه کردیم.

معمولا در نرم افزارهای معاملاتی، شمع سبز رنگ صعودی و شمع قرمز رنگ نزولی است.

شمع‌های زیر را بررسی کنید...



مثالی از نمودار شمعی برای

EUR/USD

استفاده از نمودار شمعی تشخیص جهت حرکت قیمت جفت ارز مورد معامله را آسان تر می کند مزایای استفاده از نمودار شمعی عبارتند از:

تفسیر نمودار شمعی آسان تر است. چشم شما بلافاصله قادر به تشخیص اطلاعات ارائه شده توسط این نمودار خواهد بود.

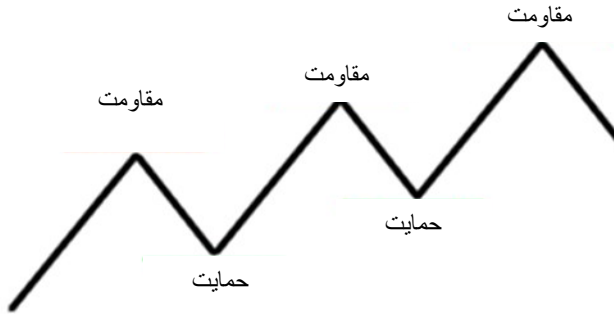
نمودار شمعی و الگوهای شمعی نام های جالبی دارند مانند ستاره تیرانداز، که به خاطر سپاری معنای آن را آسان می سازد.

نمودار شمعی برای شناسایی نقاط عطف حرکت قیمت جفت ارزها مناسب است - بازگشت از روند صعودی به روند نزولی یا از روند نزولی به روند صعودی.

### حمایت و مقاومت

حمایت و مقاومت یکی از مفاهیم پرکاربرد برای معامله در بازارهای جهانی است. عجیب است که هر کسی ایده خاص خود را درباره نحوه اندازه گیری حمایت و مقاومت دارد.

اجازه دهید ابتدا نگاهی به اصول اولیه بیندازیم.



به نمودار بالا نگاه کنید. همانطور که می‌بینید، این الگوی زیگزاگ ، مسیر صعودی حرکت قیمت را نشان می‌دهد (Bull). هنگامی که بازار به سمت بالا حرکت کرده و پس از آن حرکتی نزولی را تجربه می‌کند، بالاترین نقطه قبل از نزول ، نقطه مقاومت نامیده می‌شود.

با ادامه روند صعودی بازار، پایین‌ترین نقطه قبل از آغاز برگشت ، نقطه حمایت نامیده می‌شود. نقاط مقاومت و حمایت با نوسان بازار در طول زمان به طور مستمر تشکیل می‌شوند. همین حالت برای حرکت قیمتها در مسیر نزولی نیز صدق می‌کند.

#### رسم حمایت و مقاومت

یک نکته را به یاد داشته باشید: سطوح حمایت و مقاومت اعداد دقیق نیستند و غالباً به صورت "سطح" بیان می‌شوند.

اغلب اوقات می‌بینید که سطح حمایت یا مقاومت شکسته به نظر می‌رسد اما خیلی زود درمی‌یابید که بازار در حال تست آن سطح بوده است. در نمودار شمعی، این تست‌های حمایت و مقاومت معمولاً با "سابه" شمع نشان داده می‌شوند.



توجه کنید که چگونه سایه‌های شمع سطح حمایت ۱.۴۷۰۰ را تست کردند. در این زمان‌ها، به نظر می‌رسد که بازار در حال شکستن سطح حمایت است. در حقیقت می‌توانیم ببینیم که بازار صرفاً در حال تست این سطح بوده است.

پس از کجا بفهمیم که حمایت و مقاومت واقعا شکسته شده‌اند؟

پاسخ مشخصی برای این سوال وجود ندارد. بعضی می‌گویند که سطوح حمایت و مقاومت وقتی شکسته می‌شوند که بازار عملاً از آن سطح بگذرد و بسته شود. اما بزودی می‌فهمید که همیشه این‌طور نیست.

اجازه دهید نگاهی به یک مثال بیندازیم که در آن بازار از سطح حمایت ۱.۴۷۰۰ می‌گذرد و بسته می‌شود.





در این مورد قیمت پایین‌تر از سطح حمایت ۱۴۷۰۰ بسته شده است اما دوباره به بالای آن بازگشته است.

اگر اعتقاد داشتید که این نقطه، نقطه شکست واقعی است و جفت ارز مورد نظر را می‌فروختید، مسلماً ضرر می‌کردید.

حال که به نمودار نگاه می‌کنید، می‌توانید ببینید و نتیجه بگیرید که حمایت نه تنها شکسته نشده بلکه قوی‌تر هم شده است.

برای اینکه بتوانید این نقاط شکست کاذب را به درستی پیدا کنید، باید مقاومت و حمایت را همچون یک سری مناطق در نظر بگیرید و نه اعداد مشخص.

یک راه برای کمک به شما در پیدا کردن این مناطق رسم مقاومت و حمایت روی نمودار خطی به جای نمودار شمعی است. دلیلش این است که نمودار خطی فقط قیمت بسته شدن را به شما نشان می‌دهد درحالی‌که نمودار شمعی قیمت‌های سقف و کف را هم نشان می‌دهد.

این قیمت‌های سقف و کف، گمراه کننده‌اند.

وقتی حمایت و مقاومت را رسم می‌کنید، دنبال عکس‌العمل‌های عجیب بازار نیستید بلکه حرکات عادی و معمولی آن را می‌خواهید.

با نگاه به نمودار خطی، می‌خواهید خطوط حمایت و مقاومت را رسم کنید. این خطوط را جایی رسم می‌کنید که قیمت پس از برخورد به آن سطوح، دچار تغییر جهت شده است.



وقتی یک حمایت یا مقاومت می‌شکند، میزان حرکت در مسیر شکسته شده ارتباط مستقیم دارد با نیرویی که آن سطح را شکسته. هر چه نیروی وارده برای شکست یک سطح بیشتر باشد، ادامه روند حرکت نیز قوی‌تر خواهد بود.



سایر نکات جالب درباره حمایت و مقاومت:

وقتی بازار از یک سطح مقاومت عبور می‌کند، آن سطح به طور بالقوه می‌تواند به یک سطح حمایت تبدیل شود.

هر چقدر قیمت سطح مقاومت و حمایت را تست کند ولی آن را نشکند، آن سطح حمایت یا مقاومت قوی‌تر می‌شود.

با کمی تمرین، می‌توانید مناطق بالقوه حمایت و مقاومت را به راحتی پیدا کنید.

## خطوط روند

خطوط روند رایج ترین شکل تحلیل تکنیکال هستند و احتمالاً یکی از پرکاربردترین آنها.

اگر خطوط روند به درستی رسم شوند، کمک بزرگی به معامله گران در تحلیل بازارهای مالی خواهند کرد. متأسفانه، اکثر معامله گران آنها را به درستی رسم نمی کنند.

خطوط روند چگونه رسم می شوند؟

برای رسم صحیح خطوط روند، فقط کافی است که دو سقف یا کف بزرگ را پیدا کرده و متصل شان کنید.

برای رسم خط روند صعودی، کافی است که نقاط کف قیمت (دره ها) را به یکدیگر متصل کنیم. در یک روند نزولی، خط روند به موازات نقاط اوج (قله ها) رسم می گردد.

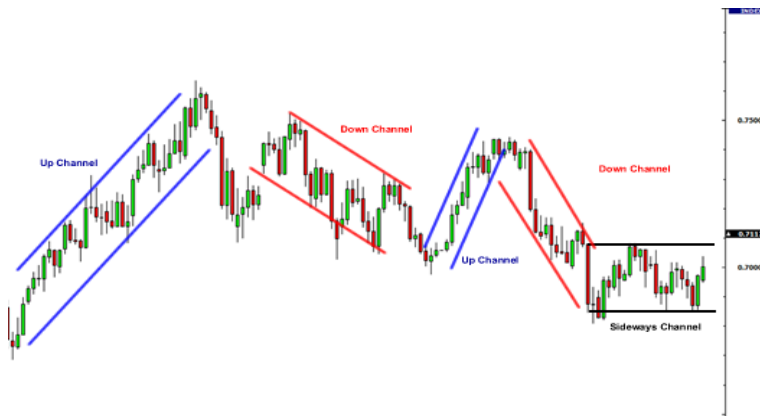
اکنون به کمک خطوط روند، می توانید کانالها را نیز ترسیم کنید (کانالها نقش مهمی در تشخیص روند حرکتی ارزها دارند)



## کانال‌ها

اگر از مرحله رسم خطوط روند یک مرحله بالاتر بیایم و همزمان یک خط موازی با خط روند صعودی یا خط روند نزولی با همان زاویه رسم کنیم، در واقع یک کانال ایجاد کرده‌ایم.

کانال‌ها ابزار مهمی در تحلیل تکنیکال هستند که برای تعیین مکان‌های مناسب جهت خرید / فروش به



کار می‌روند. سقف و کف کانال‌ها نشان دهنده مناطق بالقوه‌ی حمایت و مقاومت است.

برای ایجاد کانال صعودی، تنها کافی است یک خط موازی با خط روند صعودی رسم کنید و آن را با همان زاویه بکشید تا اولین قله را لمس کند. این کار را باید همزمان با ایجاد خط روند انجام دهید.

برای ایجاد کانال نزولی، تنها کافی است یک خط موازی با خط روند نزولی رسم کنید و آن را با همان زاویه بکشید تا اولین دره را لمس کند. این کار را باید همزمان با کشیدن خط روند انجام دهید. جایی که قیمت‌ها به خط روند بالایی برخورد می‌کنند ممکن است به نشان دهنده بازگشت قیمت به داخل کانال باشد. همچنین می‌توان از کانال‌ها به عنوان نقاط تعیین حد ضرر نیز استفاده کرد و با خروج قیمت از کانال، (در صورتی که معامله علیه شما در حرکت باشد) معامله را به منظور جلوگیری از ضرر بیشتر متوقف کرد.

## تحلیل بنیادی

تحلیل بنیادی، تجزیه و تحلیل نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موثر بر عرضه و تقاضای دارایی‌ها در بازارهای مالی است. عرضه و تقاضا از جمله مهمترین عوامل تاثیر گذار در حرکت و تعیین قیمت جفت ارزها می باشد.

استفاده از عرضه و تقاضا به عنوان شاخصی برای تعیین قیمت‌ها بسیار ساده است. بخش دشوار آن تحلیل تمامی عواملی است که عرضه و تقاضا را تحت تأثیر قرار می دهد.

به عبارت دیگر، باید عوامل مختلفی را در نظر بگیرید تا تعیین کنید کدام اقتصاد به صورت پویا در حرکت است و کدام اقتصاد سرمایه‌ها را بر باد می دهد. باید دلایل چرایی و چگونگی اثرگذاری وقایعی خاص نظیر افزایش بیکاری را بر اقتصاد کشور و در نهایت، بر سطح تقاضای ارز آن کشور بدانید.

مبنای این نوع تحلیل آن است که اگر چشم‌انداز اقتصادی کنونی یا آتی کشور خوب باشد، پول آن کشور باید قدرت یابد. هرچه شکل اقتصاد کشور بهتر باشد، تاجران و سرمایه‌گذاران خارجی بیشتری در آن کشور سرمایه‌گذاری خواهند کرد. این امر نیاز به خرید پول آن کشور را در پی دارد.

به طور ساده، این همان چیزی است که تحلیل بنیادی می گوید:



برای مثال، بگذارید بگوییم دلار آمریکا در حال قوی تر شدن است، زیرا اقتصاد آمریکا در حال رشد است. هر چه اقتصادی بهتر شود، لازم باشد کنترل بیشتری بر تورم و نرخ بهره آن کشور صورت گیرد.

هرچه نرخ بهره دلار بیشتر باشد، نگهداری دلار یا دارایی های مالی بر مبنای دلار، جذاب تر خواهد بود. برای دستیابی به دلار، معامله کنندگان و سرمایه گذاران مجبورند ارزشهای دیگر را به فروش برسانند تا بتوانند دلار مورد نظر جهت سرمایه گذاری را تامین کنند.

### اخبار و تاثیر آنها بر بازار فارکس

هنگام معامله، فقط دانستن تحلیل تکنیکال کافی نیست. به همان اندازه مهم است که بدانید چه چیزی باعث حرکت بازار و شکل گیری الگوهای قیمت می شود.

این نیرو، اخبار نام دارد! برای درک اهمیت اخبار، این سناریو (صرفاً داستانی!) را تصور کنید.

فرض کنید در اخبار شبانگاهی، گزارشی پخش می شود مبنی بر اینکه بزرگترین شرکت نرم افزاری که با آن سر و کار داشتید ورشکسته شده است.



اولین کاری که انجام می دهید چیست؟

ذهنیت شما از این شرکت چه تغییری می کند؟ به نظر شما ذهنیت افراد دیگر از این شرکت چه تغییری خواهد کرد؟

واکنش آشکار این است که بلافاصله سهام خود را به فروش برسانید. در واقع، این کاری است که احتمالاً همه سهامداران آن شرکت انجام می‌دهند.

واقعیت این است که اخبار، ذهنیت و عملکرد ما در تصمیم‌گیری‌های تجاری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. این امر در مورد معامله ارز هم صدق می‌کند.

با این حال، تفاوتی عمده بین نحوه مدیریت اخبار در بازار سهام و بازار فارکس وجود دارد.

دوباره به مثال بالا برگردیم و تصور کنید که همان گزارش ورشکستگی شرکت بزرگ نرم افزاری را شنیده‌اید اما یک روز قبل از انتشار آن در اخبار.

به طور طبیعی می‌توانید تمام سهام خود را به فروش برسانید، و در نتیجه‌ی شنیدن این خبر در روز قبل، می‌توانید بیش از هر کس دیگری که آن را در اخبار شبانگاهی شنیده است پول در آورید.

متأسفانه این ترفند کوچک، "معامله ناجوانمردانه" نام دارد که می‌تواند شما را به زندان بیندازد!

در بازار سهام، وقتی اخبار را قبل از هر کس دیگری می‌شنوید غیر قانونی است. در بازار فارکس، به آن "بازی جوانمردانه" گفته می‌شود!

هر چه زودتر اخبار به دست شما برسد، معامله برای شما بهتر است و مجازاتی برای آن وجود ندارد!

کمی فناوری و قدرت ارتباطات را نیز به آن اضافه کنید تا آخرین و بهترین خبر را دریافت کنید.

این "اخبار"، ابزار فوق العاده برای معامله‌گران است زیرا به آنها اجازه می‌دهد که نسبتاً سریع به اخبار در بازار واکنش نشان دهند.



خبر برای بازار فارکس مهم است زیرا باعث حرکت آن می‌شود. صرف نظر از امور تکنیکال، اخبار محرک بازارهای مالی است!

### چرا معامله اخبار

پاسخ به این پرسش ساده است: انجام معامله بهتر و "کسب سود بیشتر"

همانطور که در بخش قبلی بیان شد، اخبار بخش بسیار مهمی از بازار است که پتانسیل به حرکت در آوردن ارزشها را دارد.

زمانی که اخبار منتشر می‌شود به ویژه اخبار مهمی که همه به آن توجه می‌کنند، تقریباً می‌توانید انتظار دیدن حرکت بزرگی را داشته باشید. هدف شما به عنوان معامله‌گر این است که در جهت مناسب حرکت بازار قرار بگیرید.

### خطرات معامله اخبار

مانند هر گونه استراتژی معاملاتی دیگر، همیشه خطراتی در معامله از طریق اخبار وجود دارد که باید از آنها آگاه باشید. برخی از این خطرات عبارتند از:

از آنجا که در طول رخدادهای خبری مهم، بازار بسیار پرنوسان است، بسیاری از کارگزاران در این زمانها اسپرد معاملاتی را گسترش می‌دهند. این امر موجب افزایش هزینه‌های معامله می‌شود.



همچنین ممکن است نوسان شدید قیمت را تجربه کنید. نوسان قیمت زمانی اتفاق می‌افتد که می‌خواهید با قیمت خاصی وارد بازار شوید اما با توجه به نوسانات شدید در حین رویدادها، به قیمت بسیار متفاوتی می‌رسید.

نوسانات شدید بازار که به واسطه رویدادهای خبری ایجاد می‌شوند اغلب در یک جهت رخ نمی‌دهند. اغلب اوقات بازار ممکن است شروع به حرکت در یک جهت کند، فقط برای اینکه در جهت دیگر بازگشت کند. تلاش برای پیدا کردن مسیر درست گاهی اوقات می‌تواند موجب سردرد شود! اگرچه معامله اخبار ممکن است سودآور باشد، اما چندان ساده نیست و نیاز به تمرین زیاد دارد! مهمتر از همه، همیشه باید برنامه معاملاتی منسجم و منظم داشته باشید.

### کدام گزارش‌های خبری ارزش معامله را دارند؟

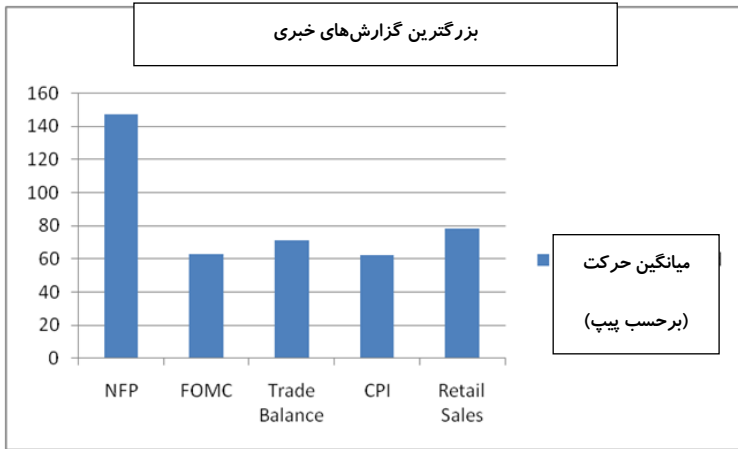
قبل از بررسی استراتژی‌ها برای معامله رویدادهای خبری، باید ببینیم کدام رویدادهای خبری ارزش معامله را دارند.

به یاد داشته باشید که به دلیل توانایی اخبار برای افزایش نوسانات قیمت در کوتاه مدت است که در حال معامله اخباریم، بنابراین به طور طبیعی دوست داریم اخباری را معامله کنیم که بهترین پتانسیل حرکت بازار را داشته باشند.

در حالی که بازار به اخبار اقتصادی از کشورهای مختلف واکنش نشان می‌دهد، بزرگترین عوامل حرکت و پرتاشاگرترین اخبار از آمریکا می‌رسد.

دلیل این است که آمریکا بزرگترین اقتصاد جهان است و دلار آمریکا ارز ذخیره جهان است. این بدان معنی است که دلار آمریکا دربرگیرنده حدود ۹۰ درصد از تمام معاملات فارکس است، به همین دلیل اخبار و داده‌های آمریکا بسیار مهم است.

در اینجا تعدادی از اخبار مهم آمریکا به همراه پتانسیل حرکتی آنها نشان داده می‌شود:



علاوه بر گزارش‌های تورم و مذاکرات بانک مرکزی، همچنین باید به اخبار جغرافیای سیاسی توجه کنید مانند جنگ، بلایای طبیعی، ناآرامی‌های سیاسی و انتخابات. اگر چه این‌ها ممکن است تاثیر زیادی به اندازه اخبار دیگر نداشته باشند، باز هم ارزش توجه را دارند.

همچنین، حرکت در بازار سهام را زیر نظر بگیرید. گاهی اوقات تمایلات در بازارهای سهام مقدمه‌ای برای حرکت‌های مهم و بزرگ در بازار ارزهای بین‌المللی خواهد بود.

حالا که می‌دانیم کدام رویدادهای خبری بیشترین حرکت‌ها را ایجاد می‌کنند، گام بعدی ما تعیین جفت‌ارزهایی است که ارزش تجارت را دارند.

از آنجا که اخبار می‌تواند موجب افزایش نوسانات در بازار فارکس (و فرصت‌های تجاری بیشتر) شود، مهم است که ارزهای دارای نقدینگی بیشتر را معامله کنیم. جفت‌ارزهایی که دارای نقدینگی بیشتر هستند به ما اطمینان می‌دهند که دستورات ما به سرعت و بدون وقفه انجام می‌شوند.

USD/CHF

EUR/USD

USD/CAD

GBP/USD

USD/JPY

AUD/USD

با نگاهی به این ارزها متوجه می شوید که این‌ها جفت ارزهای اصلی‌اند!

به یاد داشته باشید، از آنجا که جفت ارزهای اصلی بیشترین نقدینگی را دارند، معمولا کمترین کارمزدها را می پردازید. وقتی گزارش‌های خبری بیرون می آیند، اسپردها گسترش می‌یابد. پس منطقی است برای شروع، از جفت ارزهای اصلی استفاده کنیم.

حالا که می دانیم کدام رویدادهای خبری و جفت ارزها را معامله کنیم، اجازه دهید برخی رویکردها برای معامله اخبار را بررسی کنیم.

### شاخص دلار چیست؟

اگر سهام را داد و ستد کرده‌اید، احتمالا با تمام شاخص‌های موجود آشنا نیستید مثل میانگین صنعتی داو جونز (DJIA)، شاخص نزدک، Russell ۲۰۰۰، S&P ۵۰۰ و ...

اگر سهام آمریکا دارای شاخص باشد، چرا دلار آمریکا نداشته باشد؟! برای معامله‌گران ارز، شاخص دلار آمریکا (USDx) را داریم.

شاخص دلار آمریکا متشکل از متوسط وزنی هندسی سبدي از ارزهای خارجی در برابر دلار است.

این بسیار شبیه به طرز کار شاخص‌های سهام است از این جهت که نشانه کلی از ارزش سبید اوراق بهادار فراهم می‌کند. البته، "اوراق بهاداری" که در اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم سایر ارزهای اصلی هستند.

سبد

شاخص دلار آمریکا، متشکل از شش ارز خارجی است که عبارتند از:

یورو (EUR)

ین (JPY)

پوند (GBP)

دلار کانادا (CAD)

کرون (SEK)

فرانک (CHF)

در اینجا سوال جالبی وجود دارد. اگر شاخص از ۶ ارز ایجاد شده باشد، شامل چند کشور است؟

اگر پاسخ شما «۶» است، در اشتباهید.

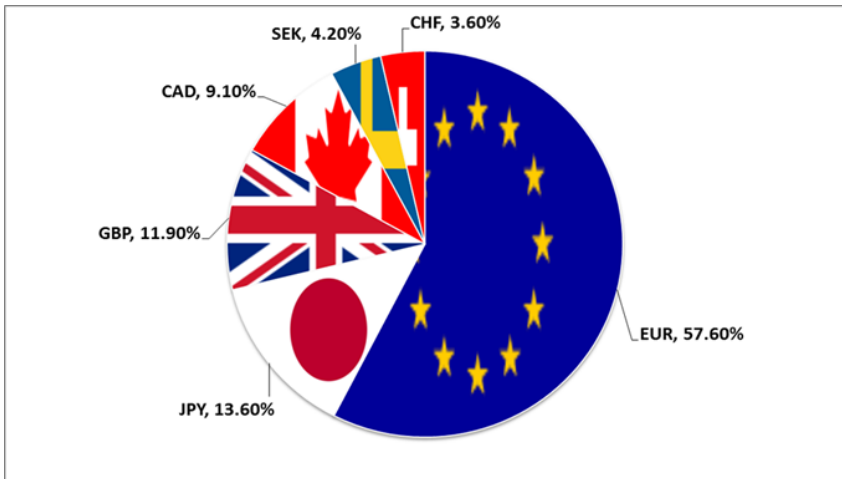
اگر پاسخ شما «۲۲» است، نابغه‌اید!

۲۲ کشور وجود دارد، چرا که ۱۷ عضو اتحادیه اروپا وجود دارد که یورو را به عنوان پول خود اتخاذ کرده‌اند، به علاوه پنج کشور دیگر (ژاپن، بریتانیا، کانادا، سوئد و سوئیس) و ارزهای همراه‌شان.

واضح است که ۲۲ کشور بخش کوچکی از جهان را تشکیل می‌دهند اما بسیاری از ارزهای دیگر به طور بسیار دقیق از شاخص دلار آمریکا پیروی می‌کنند. این امر باعث می‌شود USDX ابزار خوبی برای اندازه‌گیری قدرت جهانی دلار آمریکا باشد.

اجزای تشکیل دهنده USDX

حالا که می‌دانیم سبد ارزها متشکل از چیست، اجازه دهید به بخش "میانگین وزنی هندسی" بپردازیم. از آنجا که قدرت همه کشورها در اقتصاد جهانی به یک اندازه نیست، عادلانه است که هنگام محاسبه شاخص دلار آمریکا به هر کدام وزن مناسب داده شود. وزن‌های فعلی را بررسی کنید:



یورو با دربرگرفتن ۱۷ کشور، سهم بزرگی از شاخص دلار آمریکا دارد. ارزش بعدی "ین ژاپن" است که زیرا ژاپن یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان است. چهار کشور دیگر کمتر از ۳۰ درصد USDX را تشکیل می‌دهند.

نکته جالب این است: هنگامی که یورو افت می‌کند، کدامیک ممکن است باعث حرکت شاخص دلار آمریکا شود؟

از آنجا که یورو بخش عظیمی از شاخص دلار آمریکا است، می‌توانیم شاخص دلار را "شاخص ضد یورو" نیز بنامیم. از آنجا که USDX به شدت تحت تاثیر یورو قرار دارد، مردم به دنبال شاخص دلار متعادل‌تری هستند

نحوه خواندن شاخص دلار

درست مثل هر جفت ارزی، USDX هم نمودار خاص خود را دارد.



توجه کنید که این شاخص در ۲۴ ساعت روز، پنج روز هفته محاسبه می‌شود. همچنین، USDX به اندازه گیری ارزش کلی دلار نسبت به پایه ۱۰۰.۰۰۰ می‌پردازد.

برای مثال، رقم فعلی شاخص دلار ۸۶.۲۱۲ است. این بدان معنی است که از ابتدای پیدایش شاخص دلار ۱۳.۷۹٪ کاهش یافته است. (۱۰۰.۰۰۰ - ۸۶.۲۱۲)

اگر رقم فعلی ۱۲۰.۶۵۰ باشد، این بدان معنی است که ارزش شاخص از ابتدا تا کنون، به میزان ۲۰.۶۵٪ افزایش یافته است. (۱۰۰.۰۰۰ - ۱۲۰.۶۵۰)

شروع پیدایش شاخص دلار از اول مارس ۱۹۷۳ است. این زمانی است که بزرگترین کشورهای جهان در واشنگتن گرد هم آمدند و همگی موافقت کردند تا پول‌هایشان آزادانه در برابر یکدیگر در نوسان باشد. به آغاز این شاخص نیز "دوره پایه" گفته می‌شود.

#### فرمول شاخص دلار آمریکا

فرمول محاسبه USDX چنین است:

$$\text{USDX} = 50.14348112 \times \text{EUR/USD}^{(-0.576)} \times \text{USD/JPY}^{(0.136)} \times \text{GBP/USD}^{(-0.119)} \times \text{USD/CAD}^{(0.091)} \times \text{USD/SEK}^{(0.042)} \times \text{USD/CHF}^{(0.036)}$$

### شاخص دلار وزنی - معاملاتی

همچنین نوع دیگری از شاخص دلار مورد استفاده توسط فدرال رزرو وجود دارد که به آن "شاخص دلار وزنی- معاملاتی" گفته می‌شود.

فدرال رزرو قصد داشت شاخصی ایجاد کند که بتواند ارزش دلار در برابر ارزشهای خارجی را بر اساس قدرت رقابتی کالاهای آمریکایی در مقایسه با کالاهای کشورهای دیگر با دقت بیشتری منعکس کند. این شاخص در سال ۱۹۹۸ برای به‌روز نگه‌داشتن تجارت آمریکا تشکیل شد.

تفاوت اصلی بین USDX و شاخص دلار وزنی- معاملاتی در سبد ارزشهای مورد استفاده و وزنهای نسبی‌شان است.

شاخص وزنی- معاملاتی شامل کشورهایی از سراسر جهان است از جمله برخی کشورهای در حال توسعه. با توجه به توسعه بازارهای جهانی، این شاخص احتمالاً بازتاب بهتری از ارزش دلار در سراسر جهان است.

### استفاده از USDX در تبادل ارزها

می‌دانیم که بسیاری از جفت ارزهای معامله شامل دلار آمریکا هستند. این جفت ارزها عبارتند از EUR/USD، GBP/USD، USD/CHF، USD/JPY و USD/CAD

بنابراین اگر هر یک از این جفت‌ها را معامله کنید، USDX می‌تواند بهترین معیار و مقیاس جهت آنالیز و بررسی این جفت ارزها باشد.

به طور کلی USDX نمایانگر قدرت نسبی دلار آمریکا در سراسر جهان است. در واقع، زمانی که چشم انداز بازار برای دلار آمریکا مشخص نیست، معمولاً USDX تصویر بهتری فراهم می‌کند.



جهت معامله در بازار ارز می‌توان از USDX به عنوان شاخص قدرت دلار آمریکا استفاده کرد. از آنجا که منطقه یورو بیش از ۵۰٪ از حجم USDX را تشکیل می‌دهد، طبیعی است که این شاخص با EUR/USD رابطه کاملاً معکوس داشته باشد. به نمودارهای زیر توجه کنید:



سپس، نگاهی به نمودار EUR/USD بیندازید:



این دو نمودار رابطه معکوسی با هم دارند. اگر یکی صعودی باشد دیگری به احتمال زیاد نزولی است. این می‌تواند کمک بزرگی برای معامله‌گران EUR/USD باشد.

برخی از معامله‌گران، USDX را به عنوان شاخصی برای EUR/USD بررسی می‌کنند.

اگر USDX حرکت‌های مهم دارد، معمولاً می‌توانید انتظار داشته باشید که معامله‌گران ارز به آن حرکت واکنش نشان می‌دهند. شکست‌ها در جفت‌های مقابل USD تقریباً USDX را نیز به طور مشابه حرکت خواهند داد.

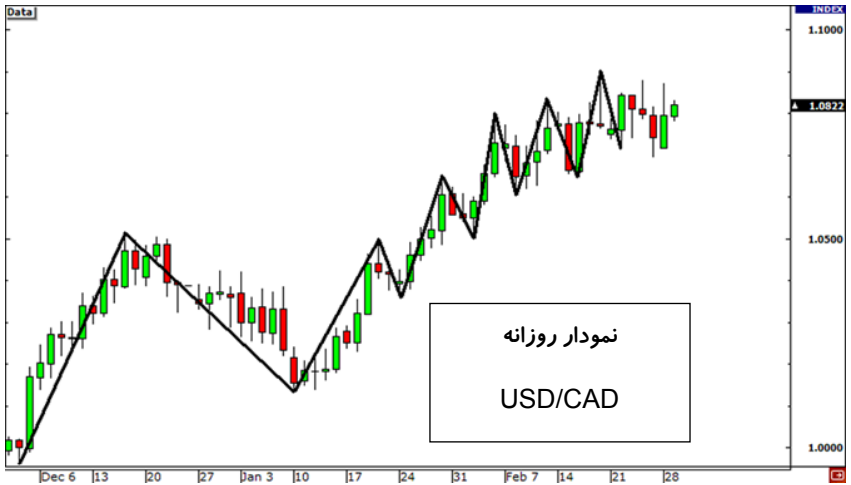
به طور خلاصه، معامله‌گران ارز از USDX به عنوان شاخص کلیدی در جهت تشخیص روند حرکتی USD استفاده می‌کنند.

به عنوان مثال، اگر USDX تقویت شود و شما در حال معامله EUR/USD هستید، احتمالاً شاهد روندی نزولی در نمودار EUR/USD خواهید بود. اگر در حال معامله جفت ارزی هستید که در آن USD ارز پایه است، مانند USD/CHF، افزایش در USDX به احتمال زیاد موجب افزایش در نمودارهای USD/CHF خواهد شد مانند نمودارهای زیر.

دو نکته را همیشه به یاد داشته باشید:

اگر USD ارز پایه است (USD/XXX)، آنگاه USDX و جفت ارز باید در یک جهت حرکت کنند.

اگر USD ارز متقابل است (XXX/USD)، آنگاه USDX و جفت ارز باید در جهت مخالف حرکت کنند.



## گام پنجم

آشنایی با ریسکهای بازار و نحوه مدیریت ریسک

## دلیل اصلی ضرر معامله گران:

## ضریب اهرمی قاتل سرمایه



Hello. My name is Leverage. Now die!

اکثر معامله گران حرفه‌ای و مدیران سرمایه، به ازای هر ۵۰,۰۰۰ دلار موجودی در حساب معاملاتی خود، اقدام به انجام معامله با یک لات استاندارد می نمایند.

اگر حساب مینی را معامله کنند، این بدان معنی است که یک لات مینی را برای هر ۵,۰۰۰ دلار در حساب خود معامله می کنند.

اجازه دهید این مساله را بیشتر بررسی کنیم.

اگر حرفه‌ای‌ها این طور معامله می کنند، چرا معامله گران کم تجربه فکر می کنند که می توانند با حساب ۲۰۰۰ دلاری لات‌های استاندارد (۱۰۰k) معامله کنند و یا با حساب ۲۵۰ دلاری اقدام به معاملات با لات مینی (۱۰k) کنند؟

مهم نیست کارگزاران فارکس به شما چه می گویند، هرگز "حساب استاندارد" با فقط ۲۰۰۰ دلار یا "حساب مینی" با ۲۵۰ دلار باز نکنید. برخی حتی به شما اجازه می دهند حساب ۲۵ دلاری باز کنید.

اولین دلیلی که معامله گران جدید شکست می خورند این است: از ابتدا سرمایه خوبی ندارند و طرز کار ضریب اهرمی را نمی دانند.

سیستم معاملاتی خود را برای شکست تنظیم نکنید



ZOMG!!! I should have opened a demo account!

توصیه می‌کنیم که حداقل ۱۰۰,۰۰۰ دلار سرمایه قبل از باز کردن حساب استاندارد، ۱۰,۰۰۰ دلار برای حساب مینی، یا ۱,۰۰۰ دلار برای حساب میکرو داشته باشید. البته، تنها زمانی حساب باز کنید که به طور مداوم در حساب آزمایشی سود می‌کنید.

بنابراین اگر فقط ۶۰,۰۰۰ دلار دارید، حساب مینی باز کنید. اگر فقط ۸۰۰۰ دلار دارید، حساب میکرو باز کنید. اگر فقط ۲۵۰ دلار دارید، به هیچ وجه وارد حساب واقعی نشوید و به کسب تجربه با حساب تمرینی ادامه دهید.

لطفا پاراگراف قبلی را دوباره بخوانید و آن را در حافظه خود ثبت کنید. فقط به این دلیل که کارگزاران به شما اجازه می‌دهند که با فقط ۲۵ دلار حساب باز کنید، به این معنا نیست که باید این کار را انجام دهید

اعتقاد داریم که اکثر معامله‌گران جدید که حساب تجاری فارکس با حداقل موجودی افتتاح می‌کنند به این دلیل چنین کاری را انجام می‌دهند که اصطلاحات "ضریب اهرمی" یا "وجه الضمان" و نحوه تاثیر آن بر معامله را به طور کامل درک نمی‌کنند.

بسیار مهم است که در مورد اهمیت معامله با ضریب اهرمی به طور کامل آگاه باشید. اگر درک کامل از ضریب اهرمی و وجه الضمان ندارید، تضمین می‌کنیم که حساب خود را نابود می‌کنید.

### مارجین کال (Margin Call)

همه معامله‌گران از Margin Call در هراسند. این تماس زمانی رخ میدهد که کارگزار به شما اطلاع دهد که موجودی وجه الضمان از حداقل سطح مورد نیاز کمتر شده است چون یک موقعیت باز علیه شما حرکت کرده است.

در حالی که معامله با وجه الضمان می‌تواند استراتژی سرمایه‌گذاری سودآوری باشد، مهم است که برای درک خطرات آن وقت بگذارید.

اطمینان حاصل کنید که نحوه عملکرد آن را به طور کامل درک می‌کنید، و حتما توافقنامه اولیه بین خود و کارگزارتان را بخوانید. اگر هر نکته مبهمی در مورد توافقنامه برای شما وجود دارد همیشه سوال پرسید.

اگر وجه الضمان موجود در حساب‌تان به کمتر از آستانه از پیش تعیین شده برسد موقعیت‌های شما می‌توانند به طور جزئی یا کلی نقد شوند. ممکن است قبل از نقد شدن موقعیت‌های‌تان Margin Call را دریافت نکنید.

در صورتی که پول در حساب شما به کمتر از وجه الضمان مورد نیاز (وجه الضمان قابل استفاده) برسد، کارگزارتان برخی یا تمام موقعیت‌های باز را خواهد بست. این می‌تواند به جلوگیری از سقوط حساب شما کمک کند.

با نظارت بر موجودی‌تان به طور بسیار منظم و با استفاده از دستورهای توقف زیان برای هر موقعیت باز به منظور محدود کردن خطر، به طور موثری می‌توانید از Margin Call اجتناب کنید.

قبل از بازکردن یک حساب معاملاتی، حتما خط مشی‌های کارگزاری‌تان درباره حساب‌های وجه الضمان و ریسک‌های مرتبط با آن را بررسی کنید.

همچنین باید بدانید که اکثر کارگزاران وجه الضمان بالاتری را در تعطیلات آخر هفته طلب می‌کنند. این ممکن است به صورت وجه الضمان ۱٪ در طول هفته باشد و اگر قصد دارید موقعیت را در آخر هفته هم حفظ کنید ممکن است به ۲٪ یا بالاتر افزایش یابد.

### اثرات منفی ضریب اهرمی

حالا می‌خواهیم نگاه دقیق‌تری به «ضریب اهرمی» بیندازیم و نشان دهیم که چگونه معامله‌گران از همه جا بی‌خبر و یا بیش از حد متعصب را به راحتی محو می‌کند.

همه ما تبلیغات آنلاین کارگزاران فارکس را دیده یا شنیده‌ایم که ضریب اهرمی ۱:۲۰۰ یا ۱:۴۰۰ را ارائه می‌کنند. باید بدانید کارگزاران در واقع در مورد حداکثر ضریب اهرمی که می‌توانید با آن معامله کنید صحبت می‌کنند. به یاد داشته باشید که این نسبت ضریب اهرمی بستگی به وجه الضمان مورد نیاز کارگزار دارد. برای مثال، اگر وجه الضمان ۱٪ مورد نیاز است، ضریب اهرمی ۱:۱۰۰ است.

ضریب اهرمی مورد استفاده عبارتست از مقدار کامل موقعیت شما تقسیم بر مقدار پول موجود در حساب تجاری‌تان.

به این مثال توجه کنید:



موجودی ۱۰,۰۰۰ دلار در حساب تجاری تان دارید. لات استاندارد ۱۰۰K از EUR/USD با نرخ ۱.۰۰۰۰ دلار خریداری می‌کنید. ارزش کامل موقعیت شما ۱۰۰,۰۰۰ دلار و موجودی ۱۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی ۱۰:۱ است ( $\$10,000 / \$100,000$ ).

فرض کنید یک لات استاندارد دیگر EUR/USD را با همان قیمت خریداری می‌کنید. مقدار کامل موقعیت شما اکنون ۲۰۰,۰۰۰ دلار است، اما موجودی حساب هنوز ۱۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی در حال حاضر ۲۰:۱ است ( $\$10,000 / \$200,000$ ).

احساس خوبی دارید بنابراین سه لات استاندارد EUR/USD را دوباره با همان نرخ خریداری می‌کنید. مبلغ کل موقعیت شما در حال حاضر ۵۰۰,۰۰۰ دلار و موجودی حساب تان هنوز ۱۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی در حال حاضر ۵۰:۱ است ( $\$10,000 / \$500,000$ ).

فرض کنید کارگزار وجه الضمان ۱٪ را طلب می‌کند. اگر محاسبات ریاضی را انجام دهید، موجودی حساب و سرمایه شما هر دو ۱۰,۰۰۰ دلارند، وجه الضمان مورد استفاده ۵,۰۰۰ دلار و وجه الضمان قابل استفاده ۵۰۰۰ دلار است. برای یک لات استاندارد، هر پیپ به ارزش ۱۰ دلار است.

به منظور دریافت Margin Call، قیمت باید ۱۰۰ پیپ حرکت کند (۵۰۰۰ دلار وجه الضمان قابل استفاده تقسیم بر ۵۰ دلار برای هر پیپ).

این بدان معنی است که قیمت EUR/USD باید از ۱.۰۰۰۰ به ۰.۹۹۰۰ حرکت کند - تغییر قیمت ۱٪.

پس از Margin Call، موجودی می‌شود ۵,۰۰۰ دلار. ۵۰۰۰ دلار یا ۵۰٪ ضرر کردید و قیمت فقط ۱٪ حرکت کرد.

پس بهتر است بدانید که استفاده از ضرائب اهرمی بالا، امکان ضرر شما در هر معامله را به میزان قابل ملاحظه ای افزایش خواهد داد.

حال فرض کنید موجودی اولیه حساب خود را به ۱۰۰,۰۰۰ دلار افزایش می‌دهید:

فقط ۱ لات استاندارد EUR/USD می‌خرید - با نرخ ۱.۰۰۰۰۰ کل مبلغ موقعیت شما ۱۰۰,۰۰۰ دلار و موجودی‌تان ۱۰۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی ۱: ۱ است.

در این مثال، به منظور دریافت Margin Call، قیمت باید ۹.۹۰۰ پیپ حرکت کند (۹۹,۰۰۰ دلار وجه الضمان قابل استفاده تقسیم بر ۱۰ دلار برای هر پیپ).

این بدان معنی است که قیمت EUR/USD باید از ۱.۰۰۰۰۰ به ۰.۰۱۰۰ حرکت کند! این تغییر قیمت از ۹۹٪ یا اساساً ۱۰۰٪ است!

فرض کنید ۱۹ لات استاندارد را دوباره با همان نرخ اولین معامله می‌خرید. کل مبلغ موقعیت شما ۲,۰۰۰,۰۰۰ دلار و موجودی حساب ۱۰۰,۰۰۰ دلار است. ضریب اهرمی واقعی ۲۰:۱ است.

برای دریافت "Margin Call"، قیمت باید ۴۰۰ پیپ حرکت کند (۸۰,۰۰۰ دلار وجه الضمان قابل استفاده تقسیم بر ۱۰ دلار برای هر پیپ).

این بدان معناست که قیمت EUR/USD باید از ۱.۰۰۰۰۰ دلار به ۰.۹۶۰۰ دلار حرکت کند تغییر قیمت ۴ درصدی.

اگر Margin Call را دریافت کنید و معامله شما از قیمت Margin Call خارج شود، حساب‌تان این شکلی است:

۸۰,۰۰۰ دلار ضرر کردید! ۸۰ درصد از حساب شما محو شد و قیمت فقط ۴٪ جابجا شد!

اکنون اثرات ضریب اهرمی را می‌بینید!؟

ضریب اهرمی موجب افزایش نسبی تاثیر حرکت قیمت‌های جفت ارز در حساب شما می‌شود.

### ضریب اهرمی را دست کم نگیرید

بسیاری از تازه کارها آسیب بالقوه ویرانگر ضریب اهرمی که ممکن است باعث نابودی حسابشان شود را دست کم می‌گیرند. درک کافی ضریب اهرمی برای کسب دانش از زمان استفاده از آن و زمان استفاده نکردن از آن برای موفقیت شما حیاتی است!

ضریب اهرمی ابزار بسیار قدرتمندی است که هم معامله‌گران قدیمی و هم جدید از آن استفاده می‌کنند و سرمایه خود را از بین می‌برند تنها به این دلیل که نیروی مخرب آن را بیش از حد کوچک تلقی می‌کنند. این جای تأسف است، اما هر چه تعداد آنها بیشتر باشد، پول درآوردن برای معامله‌گران هوشمند آسان‌تر است. غم انگیز ولی واقعی.

همیشه این کلمات را از یک ابر قهرمان معروف در ذهن نگه دارید: با قدرت بزرگ، مسئولیت بزرگ می‌آید!

می‌دانید که می‌توانید سود بزرگی را با استفاده از ضریب اهرمی بزرگ به دست آورید، اما این را هم بدانید که با ضریب اهرمی بزرگ، به راحتی می‌توانید تمام سرمایه خود را به سرعت از دست بدهید. اکثر کارگزاران می‌خواهند که شما با طرز فکر کوتاه مدت معامله کنید. می‌خواهید هر چه بیشتر معامله کنید. این تنها راه برای پول‌سازی آنها است. یک یا دو پیپ برای آنها مهم است. هر چه بیشتر معامله کنید کارمزد بیشتری می‌گیرند. به نفع آنها نیست که به شما بگویند اجازه دهید معاملاتتان بیشتر از یک روز طول بکشد.

اگر می‌خواهید بهترین شانس موفقیت را به خودتان بدهید، ابتدا نحوه معامله سودآور بدون ضریب اهرمی را یاد بگیرید.

آن را بی‌خطر بازی کنید. از سرمایه خود محافظت کنید.

معامله در بازار فارکس باید یک شغل یا کسب و کار در نظر گرفته شود. فکر نکنید که فقط به خاطر اینکه کارگزاران به شما اجازه استفاده از ضریب اهرمی بالا با حداقل سپرده استفاده کنید پس می‌توانید «سریع پولدار شوید.» به بازار ارز با احتیاط نزدیک شوید.

انتظارات واقع بینانه داشته باشید و با آموزشهای مناسب، مهارتهای معاملاتی خود را افزایش دهید.

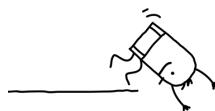
### چرا ضریب اهرمی ۱۰ را پیشنهاد می‌کنیم؟

تجربه علمی و عملی ۱۰ ساله کارگزاری فارکس و بررسی بیش از ۱۰۰۰ معامله گر طی ۱۰ سال نشان میدهد بیش از ۹۹٪ معامله گرانی که از ضریب اهرمی بالا (۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰ و ..) استفاده میکنند طی ۱ سال حتما سرمایه خود را از دست میدهند. ولی معامله گرانی که از ضریب اهرمی حد اکثر ۱۰ برابر استفاده میکنند احتمال از بین رفتن سرمایه آنها بسیار کم است و بطور معمول بیش از ۷۵ درصد این معامله گران در بازار فارکس موفق به کسب سود می‌باشند. این حقیقت، یک حقیقت تلخ برای کارگزاران فارکس است.

### چرا اکثر کارگزاران ضریب اهرمی ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰ و یا بیشتر ارائه میکنند؟

درآمد یک کارگزار بسته به نوع قرارداد با مشتری، به صورت مستقیم به حجم معاملات انجام شده بستگی دارد، یعنی هر چه تعداد و مقدار معاملات انجام شده توسط مشتری بیشتر باشد، مقدار کمسیون (اسپرد) بیشتری عاید کارگزار میشود. هر چقدر ضریب اهرمی (لوریج) بیشتر در اختیار معامله گر قرار گیرد، حجم معاملات انجام شده بالاتر می‌رود و کمسیون دریافتی کارگزار نیز افزایش می‌یابد. (البته درآمد کارگزارها بسته به نحوه مدیریت ریسک کارگزاری متفاوت است) این کمسیون بطور مستقیم از حساب معاملاتی معامله گر کسر میشود که این امر یکی دیگر از عوامل افزایش ضرر معامله گران است. بطور معمول سرمایه معامله گران آماتور در کارگزاری‌ها توسط معاملاتی که خود معامله گر انجام میدهد بواسطه وجود ضریب اهرمی بیش از حد به کمسیون تبدیل شده و به کارگزار پرداخت می‌شود. بطور مثال اگر معامله گری ۱۰۰،۰۰۰ دلار سرمایه داشته باشد و با ضریب اهرمی ۱۰۰ معامله کند یعنی حدود ۱ میلیون دلار در هر معامله و برای هر ۱۰۰ هزار دلار فقط ۲۵ دلار کمسیون پرداخت کند، او در هر معامله ۲۵۰ دلار کمسیون (اسپرد) پرداخت خواهد کرد. اگر این فرد در روز فقط ۵ معامله انجام دهد، در مجموع کمسیون پرداختی او ۱۲۵۰ دلار یعنی ۱۲.۵ درصد کل سرمایه اش خواهد بود. در صورتی که از ضریب اهرمی ۲۰۰ به بالا استفاده کند این مقدار هزینه دو یا چند برابر خواهد شد. به وضوح دیده میشود که ضریب اهرمی فقط به نفع کارگزاران است و هیچ نفع مستقیم و غیر مستقیمی برای معامله گر و سرمایه گذار ندارد.

## مدیریت ریسک ؟



یکی از حوزه‌های نادیده گرفته شده در این بازار، "مدیریت سرمایه" است. بسیاری از معامله‌گران که بدون در نظر گرفتن میزان سرمایه اولیه حساب‌شان، وارد معامله می‌شوند.

آنها فقط بدون در نظر گرفتن مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه و تنها به قصد کسب سود، روی دکمه خرید/ فروش کلیک می‌کنند. اصطلاحی برای این نوع سرمایه گذاری وجود دارد.... قمار!



وقتی بدون قوانین مدیریت سرمایه معامله می‌کنید، در واقع خود را در معرض خطرات فراوانی قرار می‌دهید.

بازده بلند مدت خود را بررسی نمی‌کنید. در عوض، فقط به دنبال "کسب سود های مقطعی" هستید.

قوانین مدیریت سرمایه نه تنها از ما محافظت می‌کنند بلکه می‌توانند ما را در دراز مدت به سود برسانند. اگر حرف ما را باور نمی‌کنید، و فکر می‌کنید که "قمار" راه پولدار شدن است، به این مثال توجه کنید:

مردم همیشه به لاس و گاس می‌روند تا پول خود را قمار کنند به امید آنکه برنده پول زیادی شوند و در واقع، بسیاری از مردم هم برنده می‌شوند.

پس اگر افراد زیادی کل پول را برنده می‌شوند چگونه کازینوهای زیادی در جهان همچنان سود می‌کنند؟

پاسخ این است که اگرچه افراد زیادی برنده می‌شوند، در دراز مدت، کازینوها هنوز هم سودآورند چرا که پول بیشتری از افرادی که برنده نمی‌شوند جمع می‌کنند. حقیقت این است که کازینوها از نظر آمار و ارقام بسیار غنی‌اند. می‌دانند که در دراز مدت، آنها هستند که پولدار می‌شوند نه قماربازان.

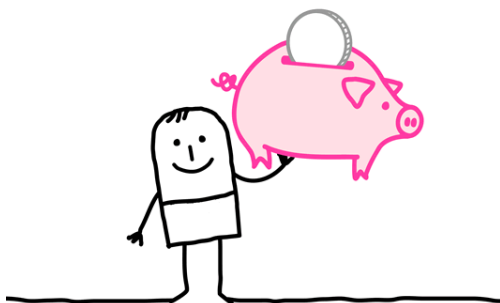
حتی اگر یک فرد برنده ۱۰۰.۰۰۰ دلار شود، کازینوها می‌دانند که همیشه صدها قمارباز دیگر وجود دارند که برنده نمی‌شوند و پول مستقیم به جیب آنها برمی‌گردد.

بازار تبادل ارزها، بازی اعداد است، یعنی باید هر عامل کوچکی را تا حد امکان به نفع خود حرکت دهید. در کازینوها، سود گاهی اوقات تنها ۵٪ بالاتر از سود شرکت کنندگان است. اما این ۵ درصد تفاوت بین برنده ب و بازنده است.

شما می‌خواهید آماردان ثروتمند باشید و نه قمارباز به این دلیل که می‌خواهید در دراز مدت "برنده باشید".

بنابراین باید با استفاده از یک استراتژی معاملاتی مناسب و با کمی صبر و تحمل، به انجام معاملات بپردازید و نتایج را در درازمدت مورد بررسی قرار دهید.

## تخصیص سرمایه مناسب



برای موفقیت در هر تجارتی، نیاز به پشتوانه مالی مناسب دارید. همه این را می دانند، اما برای شروع معاملات در این بازار به چه میزان سرمایه نیاز دارید؟ پاسخ تا حد زیادی بستگی به رویکرد شما در راه اندازی کسب و کار جدیدتان دارد.

نخست، نحوه آموزش خود را در نظر بگیرید. رویکردهای بسیار مختلفی برای یادگیری نحوه داد و ستد وجود دارد: کلاس‌ها، مربیان، خودآموزی یا ترکیبی از این سه.

در حالی که کلاس‌ها و مربیان برای آموزش معامله در این بازار وجود دارد، اما هزینه مطالبه می‌کنند. فایده این مسیر این است که کلاس خوب یا مربی بزرگ می‌تواند منحنی یادگیری را به طور قابل توجهی کوتاه کند و شما را به مسیر سودآوری در زمان بسیار کوتاه‌تری برساند.

نقطه ضعف آن، هزینه زیاد برای این برنامه‌ها است که می‌تواند از چند صد تا چند هزار دلار متغیر باشد، بسته به این که کدام برنامه را انتخاب می‌کنید. برای بسیاری از تازه‌واردان به تجارت، منابع (پول نقد) مورد نیاز برای خرید این برنامه‌ها در دسترس نیست.

برای کسانی که توانایی یا تمایل به پرداخت پول برای آموزش ندارند، خبر خوب این است که بسیاری از اطلاعات مورد نیاز برای شروع به طور رایگان در اینترنت از طریق فوروم‌ها، کارگزاران، مقالات و وب سایت‌هایی مانند FOREXer.me در دسترس است.



تا زمانی که منظم و متمرکز در یادگیری بازار باشید، شانس موفقیت‌تان به طور تصاعدی افزایش می‌یابد. باید دانشجوی مشتاق باشید. وگرنه موفق نمی‌شوید.

آیا رویکرد به بازار نیاز به ابزار خاص مانند نرم افزار رسم نمودار دارد و یا سایر ابزارهای پیچیده دارد؟ به عنوان معامله‌گر تکنیکال، بسیاری از ابزارهای رسم نمودار که همراه نرم افزار معاملاتی کارگزاران هستند کافی اند (و برخی از آنها زیادیندا!).

برای کسانی که نیاز به شاخص‌های ویژه یا عملکرد بهتر دارند، نرم افزار رسم نمودار درجه یک می‌تواند با حدود ۱۰۰ دلار در ماه فراهم شود.

سایت‌های خبر فوری و دقیق از چند صد تا چند هزار دلار در ماه هزینه دارند. باز هم، می‌توانید اخبار رایگان را از کارگزاران دریافت کنید، اما برای برخی افراد، آن یکی دو ثانیه اضافی می‌تواند تفاوت بین معامله سودآور یا بی‌ثمر باشد.

در نهایت، نیاز به / سرمایه برای معامله دارید. کارگزاران معاملاتی، حداقل موجودی حساب ۲۵ دلار را ارائه می‌کنند، اما این بدان معنا نیست که باید به سرعت وارد شوید! این اشتباهی است که اغلب به شکست منجر می‌شود. ضرر بخشی از بازی است، و نیاز به سرمایه برای جبران این زیان دارید.

چقدر سرمایه نیاز دارید؟ بیا بید صادق باشیم، اگر پایدار باشید و از تکنیک‌های مناسب مدیریت پول استفاده کنید، احتمالاً می‌توانید با ۵۰ تا ۱۰۰ هزار دلار سرمایه تجاری شروع کنید.

این دانش عام است که اکثر کسب و کارها به دلیل سرمایه ناکافی شکست می‌خورند که این نکته در این بازار به درستی صدق می‌کند.

بنابراین اگر نمی‌توانید با سرمایه مناسب وارد شوید، صبور باشید، پول جمع کنید و راه درست معامله را یاد بگیرید تا زمانی که از لحاظ مالی آماده شوید.

## افت سرمایه و حداکثر افت سرمایه



بنابراین می‌دانیم که مدیریت سرمایه در دراز مدت برای ما سودآور خواهد بود، اما در حال حاضر می‌خواهیم طرف دیگر امر را به شما نشان دهیم. چه می‌شود اگر از قوانین مدیریت پول استفاده نکنید؟

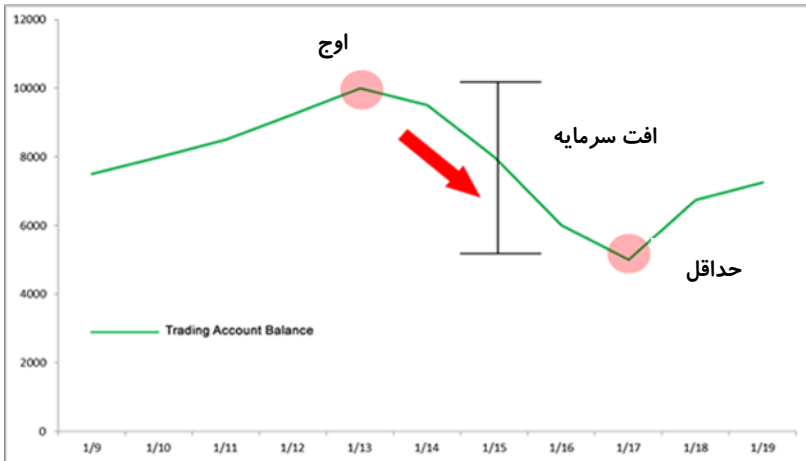
این مثال را در نظر بگیرید:

فرض کنید مبلغ ۱۰۰،۰۰۰ دلار دارید و ۵۰،۰۰۰ دلار آن را از دست می‌دهید. چند درصد از حساب خود را از دست داده‌اید؟

پاسخ ۵۰ درصد است. به اندازه کافی ساده است.

این چیزی است که معامله‌گران به آن افت سرمایه می‌گویند.

افت سرمایه، کاهش سرمایه فرد پس از یک رشته معاملات ناموفق است که معمولاً با تفاوت بین ماکزیمم نسبی در سرمایه منهای مینیمم نسبی محاسبه می‌شود. معامله‌گران معمولاً این رقم را به صورت درصدی از حساب تجاری بیان می‌کنند.



### حداکثر زیان

در معاملات، همیشه به دنبال افزایش درصد موفقیت هستیم. این دلیل اصلی معامله‌گران برای ایجاد سیستم است. سیستم معاملاتی که ۷۰٪ سودآور است، سیستم بسیار خوبی به نظر می‌رسد. اما فقط به خاطر

اینکه سیستم تجاری ۷۰٪ سودآور است، آیا بدین معنی است که از هر ۱۰ معامله، ۷ معامله به سود ختم می‌شود؟



نه لزوماً! از کجا می‌دانید ترتیب پیشامد معاملات سود ده و معاملات زیان ده به چه صورت است؟

پاسخ این است که نمی‌دانید. می‌توانید ۳۰ معامله اول را پشت سر هم از دست بدهید و ۷۰ معامله باقیمانده را برنده شوید. این بار هم سیستم ۷۰٪ سود به شما می‌دهد، اما باید از خودتان پرسید:

اگر ۳۰ معامله را پشت سر هم از دست بدهم آیا هنوز هم در بازی هستم؟

به همین دلیل است که مدیریت سرمایه بسیار مهم است. مهم نیست که از چه سیستمی استفاده می‌کنید، در نهایت یک رشته زیان پشت سر هم خواهید داشت. حتی معامله گران حرفه‌ای که زندگی خود را از این راه تامین می‌کنند نیز دچار یک سری زیان ناگوار می‌شوند و در عین حال در نهایت سود می‌برند.

دلیل آن این است که آنها به خوبی از مدیریت سرمایه استفاده می‌کنند زیرا می‌داند که نمی‌خواهد در هر معامله برنده شوند. در عوض، تنها درصد کمی از سرمایه بانک خود را به خطر می‌اندازند به طوری که بتواند از آن یک سری معاملات زیانده جان سالم به در ببرند.

این همان کاری است که باید به عنوان معامله گر انجام دهید. افت سرمایه بخشی از تجارت است. کلید موفقیت برای یک معامله گر این است که طرح معاملاتی داشته باشد که وی را قادر می‌سازد که در برابر این دوره زیان‌های بزرگ مقاومت کند. و بخشی از طرح معاملاتی شما داشتن قوانین مدیریت ریسک است.

تنها درصد کمی از سرمایه خود را به خطر اندازید به طوری که بتوانید از یک رشته زیان‌های متوالی در امان بمانید. به یاد داشته باشید که اگر از قوانین دقیق مدیریت سرمایه استفاده کنید، به کازینو تبدیل خواهید شد و در دراز مدت، برنده خواهید شد.

در بخش بعدی، نشان خواهیم داد که هنگام استفاده و نیز عدم استفاده از مدیریت سرمایه مناسب چه اتفاقی می‌افتد.

### تمام سرمایه خود را ریسک نکنید

مثال کوچکی در اینجا ذکر می‌شود که تفاوت بین به خطر انداختن درصد کمی از سرمایه را در مقایسه با درصد بالاتر نشان می‌دهد.



## ریسک ۲٪ در مقابل ۱۰٪ ریسک در هر معامله

شماره معامله	کل موجودی	۲٪ ریسک	شماره معامله	کل موجودی	۱۰٪ ریسک
۱	۲۰,۰۰۰	۴۰۰	۱	۲۰,۰۰۰	۲,۰۰۰
۲	۱۹,۶۰۰	۳۹۲	۲	۱۸,۰۰۰	۱,۸۰۰
۳	۱۹,۲۰۸	۳۸۴	۳	۱۶,۲۰۰	۱,۶۲۰
۴	۱۸,۸۲۴	۳۷۶	۴	۱۴,۵۸۰	۱,۴۵۸
۵	۱۸,۴۴۷	۳۶۹	۵	۱۳,۱۲۲	۱,۳۱۲
۶	۱۸,۰۷۸	۳۶۲	۶	۱۱,۸۱۰	۱,۱۸۱
۷	۱۷,۷۱۷	۳۵۴	۷	۱۰,۶۲۹	۱,۰۶۳
۸	۱۷,۳۶۳	۳۴۷	۸	۹,۵۶۶	۹۵۷
۹	۱۷,۰۱۵	۳۴۰	۹	۸,۶۰۹	۸۶۱
۱۰	۱۶,۶۷۵	۳۳۳	۱۰	۷,۷۴۸	۷۷۵
۱۱	۱۶,۳۴۱	۳۲۷	۱۱	۶,۹۷۴	۶۹۷
۱۲	۱۶,۰۱۵	۳۲۰	۱۲	۶,۲۷۶	۶۲۸
۱۳	۱۵,۶۹۴	۳۱۴	۱۳	۵,۶۴۹	۵۶۵
۱۴	۱۵,۳۸۰	۳۰۸	۱۴	۵,۰۸۴	۵۰۸
۱۵	۱۵,۰۷۳	۳۰۱	۱۵	۴,۵۷۵	۴۵۸
۱۶	۱۴,۷۷۱	۲۹۵	۱۶	۴,۱۱۸	۴۱۲
۱۷	۱۴,۴۷۶	۲۹۰	۱۷	۳,۷۰۶	۳۷۱
۱۸	۱۴,۱۸۶	۲۸۴	۱۸	۳,۳۳۵	۳۳۴
۱۹	۱۳,۹۰۳	۲۷۸	۱۹	۳,۰۰۲	۳۰۰

البته، تنها چیزی که نمی‌خواهیم این است که در ۱۹ معامله پشت سر هم ضرر کنیم، اما حتی اگر فقط در ۵ معامله پشت سر هم ضرر کنید، تفاوت بین ریسک ۲٪ و ۱۰٪ قابل ملاحظه خواهد بود. اگر در هر معامله ۲٪ ریسک کنید، هنوز هم ۱۸،۴۴۷ دلار دارید. اگر ریسک شما ۱۰٪ باشد، فقط ۱۳،۱۲۲ دلار دارید.

نکته این مثال این است که باید قوانین مدیریت سرمایه خود به گونه ای وضع کنید که زمانی که یک دوره افت سرمایه دارید، هنوز هم سرمایه کافی برای ادامه معاملات داشته باشید.

آیا می‌توانید تصور کنید که ۸۵٪ از موجودی حساب خود را از دست بدهید؟

باید ۵۶۶٪ نسبت به موجودی باقیمانده سود کنید تا به نقطه سر به سر برسید (۲۰،۰۰۰ دلار موجودی اولیه)

می‌بینید که تفاوت زیادی بین به خطر انداختن ۲٪ از موجودی حساب در مقایسه با ۱۰٪ از آن در هر معامله وجود دارد. اگر از روی اتفاق دچار یک رشته زیان شده‌اید و فقط در ۱۹ معامله پشت سر هم ضرر کرده‌اید، اگر با ۲۰،۰۰۰ دلار شروع کرده‌اید و ریسک ۱۰٪ را در هر معامله برداشته‌اید موجودی شما ۳،۰۰۲ دلار است. بیش از ۸۵٪ از موجودی حساب خود را از دست داده‌اید! اگر فقط با ریسک ۲٪ معامله کرده‌اید، هنوز ۱۳،۹۰۳ دلار دارید یعنی تنها ۳۰٪ از کل حساب خود را از دست داده‌اید.

گام ششم

طراحی استراتژی معاملاتی

## نقطه توقف ضرر؟ به چه معنی است؟

توجه به این نکته بسیار مهم است که بازار همیشه کاری را که می خواهد، انجام خواهد داد و در مسیری که می خواهد، حرکت می کند. هر جلسه معاملاتی چالش جدیدی است و تقریباً هر اقدامی از رویداد های سیاسی و رخداد های بزرگ اقتصادی در جهان گرفته تا شایعات بانکهای مرکزی می توانند به نحوی نامعلوم قیمت های ارز را تغییر دهند و این کار سریعتر از چیزی است که فکر می کنید.

این بدین معنی است که در نهایت هر یک از ما معامله ای بر خلاف جریان بازار انجام خواهیم داد.



هر امری به نقطه توقف ضرر من برنگردد می نمود!

قرار داشتن در وضعیت ضرر، امری اجتناب ناپذیر است. اما ما می توانیم کاری را که در هنگام قرار گرفتن در موقعیت یاد شده انجام می دهیم، کنترل کنیم. شما می توانید سریعاً از ضرر و زیان جلوگیری کنید و یا معامله خود را ادامه دهید؛ با این امید که جریان بازار به نفع شما باز گردد.

البته، زمانی که جریان بازار برخلاف موقعیت معاملاتی شما در حرکت باشد، این وضعیت می تواند باعث از دست رفتن حساب شما و پایان یافتن ناگهانی و سریع آن بشود.

هرچه معاملات بیشتری را انجام دهید، می توانید چیزهای بیشتری یاد بگیرید، تجربه کسب کنید و فرصت های موفقیت خود را افزایش دهید.

این کار باعث می شود تا روش مدیریت "نقاط توقف ضرر" به مهارت و ابزاری مهم در جعبه ابزار یک معامله گر تبدیل شود.

اگر نقطه خروج از یک معامله زیان ده را از قبل تعیین کرده باشید، با این کار نه تنها به مزیت جلوگیری از ضرر دست پیدا می کنید تا بتوانید به فرصت های جدید تغییر مکان دهید، بلکه این کار باعث حذف اضطراب و تشویش ناشی از قرار داشتن در وضعیت یک معامله زیان ده و



بدون برنامه می شود.

داشتن تنش کمتر بهتر است، نه؟ البته که همین طور است. بنابراین، بیایید روش های مختلف را برای جلوگیری سریع از بروز ضرر امتحان کنیم.

اکنون و قبل از این که به روش های جلوگیری از ضرر بپردازیم، باید اولین قاعده تعیین نقاط توقف را بررسی کنیم.

نقطه توقف ضرر شما باید نقطه ای باشد که در آن نقطه فکر می کنید که معامله به اشتباه انجام شده است. زمانی که قیمت به این نقطه می رسد، این رویداد باید نشانه ای برای شما باشد که اکنون زمان خارج شدن از معامله است.

### اشتباهات رایج

در این بخش، ما درباره اشتباهات رایج که معامله گران هنگام استفاده از نقاط توقف مرتکب می شوند، صحبت می کنیم. مطمئناً، این کار یکی از راه های انجام مدیریت مناسب سرمایه است. اما اگر این کار به درستی انجام نشود، می تواند به جای سود، منجر به بروز خسارت و ضرر بیشتر شود

### تعیین نقاط توقف نزدیک

اولین اشتباه رایج، تعیین نقاط توقف بسیار نزدیک به قیمت ورود بازار است. آنها آنقدر سفت و محکم هستند که هیچ جایی برای نفس کشیدن شما در بازار نمی گذارند!

در تعیین نقاط توقف بسیار نزدیک در معاملات، قیمت از فرصت استراحت قبل از حرکت در جهت معامله شما برخوردار نخواهد بود.

همیشه ناپایداری و نوسانات جفت ارز را مد نظر قرار دهید و این حقیقت را به خاطر داشته باشید که این ناپایداری می تواند حوالی نقطه ورودی باشد.

به عنوان مثال، فرض کنید که شما جفت ارز GBP/JPY را با قیمت ۱۴۵.۰۰ خریداری کرده اید و نقطه توقف را ۱۴۴.۹۰ تعیین کرده باشید. حتی اگر شما به درستی پیش بینی کنید که قیمت از آن ناحیه جهش می کند، این احتمال وجود دارد که قیمت همچنان ۱۰ الی ۱۵ پیپ پایین تر از قیمت ورودی شما نزول کند؛ قبل از این که قیمت به سرعت بالا برود و به ۱۴۷.۰۰ برسد.

اما مسئله این است که شما نمی توانید به سود ۲۰۰ پیپی دست پیدا کنید زیرا شما در یک لحظه معامله را متوقف کرده اید.

بنابراین، فراموش نکنید: به معامله خود فرصت تنفس کافی بدهید و ناپایداری را مد نظر قرار دهید!

#### استفاده از حجم معاملاتی جهت تعیین نقاط توقف

استفاده از حجم معاملاتی برای محاسبه فاصله نقطه توقف، هیچ ارتباطی با نحوه رفتار بازار ندارد. چون ما در بازار داد و ستد می کنیم، تعیین نقاط توقف براساس نحوه حرکت و نوسان بازار بسیار منطقی خواهد بود.

در نهایت، شما نقطه ورودی و اهداف خود را براساس تحلیل تکنیکی انتخاب کرده اید. بنابراین، شما باید همین کار را برای نقطه توقف خود انجام دهید.

حجم معاملاتی → ریسک٪ → اندازه نقطه توقف ضرر

ما نمی‌گوییم که شما باید حجم معاملاتی را کاملاً فراموش کنید. توصیه ما این است که قبل از محاسبه آن، باید تصمیم بگیرید که نقاط توقف خود را کجا قرار دهید و پس از آن اقدام به تعیین حجم معاملاتی نمایید.

#### قرار دادن نقاط توقف ضرر بسیار دور

برخی معامله‌گران در تعیین نقاط توقف در فاصله دور، مرتکب اشتباه می‌شوند و با این امید این کار را انجام می‌دهند که رفتار قیمت دیر یا زود به نفع آنها خواهد بود.

پس هدف از تعیین نقاط چیست؟ هدف جلوگیری کردن از ادامه معامله ای است که مدام موجب ضرر و زیان می‌شود در حالی که می‌توانید آن سرمایه را برای معامله دیگری صرف کنید.

تعیین نقاط توقف بسیار دور از قیمت ورود، باعث افزایش مقدار پیپ‌هایی می‌شود که ممکن است در صورت ضرر متحمل شوید.

البته شما به دنبال ریسک کمتر و بازده بیشتر هستید. با وجود نسبت خوب بازده به ریسک مثلاً ۲:۱، به احتمال زیاد شما به سود دست پیدا کنید و این در صورتی است که شما در دست کم ۵۰٪ معاملات انجام شده موفق باشید.

#### قرار دادن نقاط توقف دقیقاً روی سطوح حمایت / مقاومت

آیا باید نقاط توقف را بسیار نزدیک به قیمت ورود تعیین کرد؟ آیا با تعیین نقاط توقف با فاصله بسیار دور موافق هستید؟

پس، دقیقاً نقاط توقف کجا باید قرار بگیرند؟

این نقاط نباید دقیقاً روی سطوح حمایت / مقاومت قرار بگیرند.

آیا ما نگفته بودیم که تحلیل تکنیکی، روشی است که هنگام تعیین نقاط توقف باید به آن مراجعه کرد؟ مطمئناً، این روش به هنگام تصمیم‌گیری در خصوص محل قرار دادن نقاط توقف برای اعلام نزدیکی به سطوح مقاومت و حمایت مفید است.

اگر شما اقدام به خرید کرده اید، می توانید سطح حمایت را زیر قیمت ورودی خود جستجو کنید و نقطه توقف خود را در آن ناحیه تعیین کنید. اگر نسبت به فروش اقدام کنید، می توانید ببینید که سطح مقاومت بعدی بالای قیمت ورودی کجاست و نقطه توقف خود را حوالی آن ناحیه تعیین کنید.

اما چرا قرار دادن نقطه توقف روی سطح حمایت یا مقاومت ایده خوبی نیست؟ دلیل این است که قیمت به محض رسیدن به آن سطح همچنان می تواند از شانس برگشت و حرکت در جهت موافق پوریشن شما برخوردار باشد. اگر شما نقطه توقف خود را به اندازه چند پیپ خارج از ناحیه یاد شده قرار دهید، آنگاه، شما کم و بیش مطمئن هستید که سطح مقاومت یا حمایت شکسته می شود و سپس، شما می توانید تصدیق کنید که ایده معامله شما غلط بوده است.

### نحوه اجرای نقاط توقف

پس از طراحی یک طرح معامله مناسب که شامل یک سطح توقف می باشد، اکنون باید بدانید در صورتی که جریان بازار مخالف شرایط شما بود، آنها را چگونه اجرا می کنید . دو روش برای انجام این کار وجود دارد. یکی از این روش ها استفاده از نقطه توقف اتوماتیک و روش دیگر از طریق نقطه توقف ذهنی است.

کدام یک از روش های یاد شده برای شما بهترین است؟

اینجاست که بخش دشوار مسئله ظاهر می شود زیرا پاسخ به این سؤال به میزان نظم و انضباط شما بستگی دارد.

آیا شما از استحکام ذهنی و خویشتن داری برای پایبندی به نقاط توقف خود برخوردارید؟

در هنگام انجام معاملات، آنچه که اغلب برندگان را از بازنده ها جدا می کند این است که آیا آنها می توانند به طور عینی از طرح های از پیش تعیین شده خود تبعیت کنند یا خیر؟

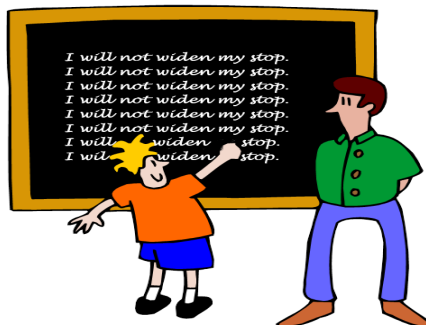
معمولا معامله گران در شرایط پرنوسان بازار دچار شک و تردید شده افکار متعددی در ذهن می پروراند.

از جمله این ذهنیت ها این است: "شاید بازار همین جا تغییر کند. من باید اندکی بیشتر صبر کنم و آنگاه، بازار موافق شرایط پوزیشن من پیش خواهد رفت"

این افکار اغلب اوقات نتیجه مناسبی برای معامله گران ایجاد نمی کنند.

اگر بازار به نقطه توقف شما رسیده باشد، دلیل شما برای ادامه معامله، دیگر معتبر نیست و زمان بستن معامله فرا رسیده است.

به همین خاطر است که در این بازار، دستور توقف حد ضرر کاربرد فراوانی دارد. معامله گران جدید باید همیشه از این دستور برای بستن اتوماتیک یک معامله زیان ده در سطوح از پیش تعیین شده استفاده کنند.



در این صورت، شما این فرصت و شانس را پیدا نخواهید کرد تا به طرح خود شک کنید و

مرتکب اشتباه شوید. شما حتی مجبور نخواهید بود در برابر مونیاتور خود بنشینید تا سفارش و دستور را اجرا کنید.

البته، هر چه شما معامله و تجربه بیشتری داشته باشید، درک و برداشت بهتری از رفتار بازار و روش های خود خواهید داشت و منضبط تر خواهید بود.

تنها در این صورت است که نقاط توقف ذهنی برای استفاده مناسب هستند. اما همچنان به شدت استفاده از دستورات توقف حد ضرر را توصیه می کنیم تا از اکثر معاملات خود خارج شوید.

بستن غیر خودکار معاملات، شما را در معرض ارتکاب اشتباه قرار می دهد (به ویژه در طول رخدادهای پیش بینی نشده). از جمله این اشتباهات عبارتند از ورود به سطوح قیمت یا اندازه پوزیشن غلط، قطع برق، قطع اینترنت و غیره.

معامله خود را در معرض ریسک غیر ضروری رها نکنید. بنابراین، همیشه یک دستور حد داشته باشید تا از شما پشتیبانی کند.

چون نقاط توقف هرگز ثابت نمی شوند و شما می توانید آنها را جابجا کنید، ما این درس را با "بایدها و نبایدها" ی جابجایی نقطه توقف به پایان می بریم.



۱- اجازه ندهید احساسات شما، در جابجایی و تغییر نقطه توقف دخیل باشند. مانند نقطه توقف ضرر اولیه، تنظیمات نقطه توقف شما باید از قبل و پیش از این که معامله خود را آغاز کنید، تعیین شده باشد. اجازه ندهید ترس و اضطراب سر راه شما قرار گیرند!

۲- نقطه توقف خود را در جهت یک معامله برنده جابجا کنید. این کار باعث تحقق سود می شود و در صورتی که تعداد واحدهای بیشتری را به پوزیشن باز خود اضافه کنید، ریسک را مدیریت می کند.

۳- نقطه توقف خود را گسترش ندهید. افزایش نقطه توقف تنها ریسک شما را افزایش می دهد و بر مقدار ضرر و زیان شما خواهد افزود. اگر بازار به نقطه توقف برنامه ریزی شده شما برسد، آنگاه معامله به پایان رسیده است. این ضرر را بپذیرید و برای معاملات بعدی آماده شوید. گسترش دادن نقطه توقف اساساً شبیه نداشتن یک نقطه توقف است و این کار هیچ مفهوم و معنی ندارد که بخواهید آن را انجام دهید. هرگز نقطه توقف را گسترش ندهید.

درک و فهم این قواعد بسیار راحت است و باید به طور منظم از آنها پیروی کنید.

آیا می خواهید دوباره تکرار کنیم؟

نقطه توقف خود را گسترش ندهید

همیشه به یاد داشته باشید که پیشاپیش معامله خود را برنامه ریزی کنید و ببینید که چه کاری را در هر سناریو باید انجام دهید تا نگرانی و اضطراب نداشته باشید.

### اهمیت انتخاب حجم صحیح معاملات

در اینجا به نحوه استفاده صحیح از لورج (Leverage) با استفاده از تعیین مناسب حجم معاملاتی می پردازیم.

تعیین حجم معاملاتی، تعیین تعداد صحیح واحدهای خرید یا فروش جفت ارز است. این کار یکی از مهمترین مهارت ها در مجموعه مهارت های معاملاتی می باشد.

معامله گران قبل از هر چیز "مدیران ریسک" هستند. بنابراین، قبل از این که با پول واقعی داد و ستد کنید، باید قادر به انجام محاسبات پایه حجم معاملات باشید.



یافتن اندازه پوزیشنی که شما را در سطح "کم خطر" حفظ خواهد کرد، نسبتاً آسان است.... و ما از عبارت "نسبتاً ساده" استفاده می کنیم.

با توجه به جفت ارز مورد معامله شما و واحد پول حساب تان (آیا واحد پول حساب شما دلار، یورو، پوند و غیره است) یک یا دو گام باید به محاسبه اضافه می شود. حال، قبل از این که ما بتوانیم محاسبه ریاضی خود را انجام دهیم، به پنج مورد اطلاعات نیاز داریم:

۱- میزان ارزش هر پیپ

۲- جفت ارز مورد معامله شما

۳- چه درصدی از حساب تان را می خواهید ریسک کنید.

۴- نقطه توقف ضرر بر حسب پیپ

۵- نرخ تبدیل مبادله جفت ارز

### نحوه محاسبه حجم معاملاتی

به منظور ساده تر کردن کارها با هدف درک و فهم آنها، طبق معمول ما هر کاری را با مثال توضیح خواهیم داد:

این شخص یکی از معامله گران این بازار است. مدت ها پیش و زمانی که او در مقایسه با زمان حال حتی از یک فرد مبتدی، تازه کار تر بود، حساب خود را از بین برد زیرا او تعدادی معاملات بزرگ را انجام داده بود.

او بدون فکر و بی درنگ معامله بزرگی را انجام داده بود واهمیت اندازه بندی حجم معاملاتی را درک نکرده بود و این عدم آشنایی برای حساب او



گران تمام شد.



در مثال های بعدی، ما نحوه محاسبه حجم معاملاتی شما را براساس اندازه حسابتان و سطح "کم خطر" به شما نشان خواهیم داد.

میزان حجم معاملاتی شما همچنین به این بستگی خواهد داشت که آیا واحد پول حساب شما ارز پایه است یا ارز متقابل.

#### ارز متقابل به عنوان واحد پول حساب

معامله گر تازه کار ما فقط ۵۰۰۰ دلار آمریکا در حساب معامله خود پس انداز کرده است. او اکنون برای انجام معامله بار دیگر آماده است. فرض کنید که او در حال حاضر از سیستم معامله در "یک محدوده معاملاتی" استفاده کند که با جفت ارز EUR/USD داد و ستد می کند و حدود ۲۰۰ پیپ در هر معامله ریسک کند.

از زمانی که او اولین حساب خود را از دست داده است، سوگند خورده که دیگر نمی خواهد در هر معامله بیش از ۱٪ حساب خود را ریسک کند. بیایید حساب کنیم که اندازه پوزیشن او چقدر باید باشد تا او در ناحیه "کم خطر" بماند.

با استفاده از مانده حساب او و درصد ریسک مورد نظرش، ما می توانیم مقدار دلار در معرض ریسک را محاسبه کنیم.

$$۵۰ \text{ دلار} = ۱\% \text{ (یا } ۰.۰۱ \text{)} \times ۵,۰۰۰ \text{ دلار}$$

سپس، مبلغ ریسک شده را بر مقدار نقطه توقف ضرر تقسیم می کنیم تا ارزش هر پیپ را پیدا کنیم.

$$\frac{۵۰ \text{ دلار}}{۲۰۰ \text{ پیپ}} = ۰.۲۵ \text{ دلار برای هر پیپ}$$

در نهایت، مقدار ارزش هر پیپ را در نسبت ارزشی واحد بر پیپ مربوط به جفت ارز EUR/USD ضرب می کنیم. در این مورد به ازای  $۱۰k$  واحد (با یک مینی لات)، هر نوسان پیپ به ارزش ۱ دلار امریکاست.

$$\text{USD } 0.25 \text{ per pip} * [(10\text{k units of EUR/USD})/(\text{USD } 1 \text{ per pip})] = 2,500 \text{ units of EUR/USD}$$

بنابراین، معامله گر با توجه به تنظیمات کنونی حساب خود باید حداکثر ۲۵۰۰ واحد EUR/USD به حساب خود اضافه کند تا در ناحیه "کم ریسک" باقی بماند.

بسیار ساده است، نه؟ اما اگر واحد حساب شما ارز پایه باشد، چه اتفاقی می افتد؟

### ارز پایه به عنوان واحد پول حساب

فرض کنید که معامله گر در حال حاضر در یک کشور اروپایی به سر می برد و تصمیم بگیرد تا با یک کارگزار محلی داد و ستد کند و ۵۰۰۰ یورو در حساب خود قرار دهد.

با استفاده از مثال معامله قبل (معامله EUR/USD با نقطه توقف ۲۰۰ پیپی) در صورتی که فقط ۱٪ حساب خود ریسک کرده باشد، اندازه پوزیشن او چیست؟

$$\text{EUR } 5,000 * 1\% \text{ (or } 0.01) = \text{EUR } 50$$

اکنون ما باید این مقدار را به دلار تبدیل کنیم زیرا ارزش جفت ارز به وسیله ارز متقابل محاسبه می شود. فرض کنید که نرخ مبادله ارز به ازای ۱ یورو ۱.۵ دلار باشد؛ به عبارت دیگر (EUR/USD=۱.۵۰۰۰)

تنها کاری که ما باید انجام دهیم تا ارزش را بر حسب دلار آمریکا پیدا کنیم، معکوس کردن نرخ مبادله جاری برای EUR/USD و ضرب کردن آن در مقدار یورویی است که ما می خواهیم ریسک کنیم.

$$75 \text{ دلار} = \text{EUR } 50 * (\text{USD } 1.5000/\text{EUR } 1.0000)$$

سپس، مقدار ریسک خود بر حسب دلار را بر مقدار نقطه توقف ضرر بر حسب پیپ تقسیم کنید:

ارزش حرکت هر پیپ  $(USD\ 75.00)/(200\ pips) = \$0.375$

در نتیجه، معامله گر میزان نوسان را برحسب ” دلار به ازای هر پیپ“ با مقدار نقطه توقف ۲۰۰ پیپی به دست می آورد تا در سطح ”کم خطر“ بماند.

سرانجام، میزان نوسان بر حسب مقدار به ازای هر پیپ را در نسبت ارزش معلوم واحد به پیپ ضرب کنید:

$$(USD\ 0.375\ per\ pip) * [(10k\ units\ of\ EUR/USD)/(USD1\ per\ pip)] = 3,750\ units\ of\ EUR/USD$$

بنابراین، برای ریسک کردن تا حداکثر EUR ۵۰ در نقطه توقف ۲۰۰ پیپی در معامله EUR/USD، اندازه پوزیشن نمی تواند بیش از ۳۷۵۰ واحد باشد.

نگران نباشید، این معادلات به مرور زمان و با تمرین، برایتان ساده تر خواهد شد.

## طراحی استراتژی معاملاتی

### طرح معاملاتی چیست؟

حالا که در مسیر مناسب یادگیری قرار گرفته اید، نظرتان را به چند نصیحت که باید همیشه به یاد داشته باشید جلب می کنیم.

#### تاجر خود باشید.

به عبارت دیگر: کورکورانه نصیحت های تجاری دیگران را دنبال نکنید! اینکه روشی برای کسی بسیار موفقیت آمیز بوده به این معنا نیست که برای شما هم روش خوبی خواهد بود. هر کدام از ما در موقعیت متفاوتی قرار داشته ایم و دیدگاهها، فرآیند فکری، سطح پذیرش ریسک، و تجربه متفاوتی از این بازار داریم.

طرح تجاری شخصی خودتان را داشته باشید و طبق یافته هایتان از بازار، آن را به روز کنید.

تنظیم یک طرح تجاری و وفادار ماندن به آن دو عنصر اصلی موفقیت در این بازار است.

اما قاعده تجاری به تنهایی کافی نیست.

حتی قاعده تجاری قوی نیز به تنهایی کافی نیست.

قاعده تجاری باید خیلی قوی باشد.

تکرار می کنیم: خیلی قوی

داشتن قاعده تجاری خیلی قوی مهم ترین ویژگی معامله گران موفق است. طرح تجاری آنچه باید انجام شود و چرا یی و چگونگی آن را تعریف کرده و شخصیت تجاری، انتظارات شخصی، قوانین مدیریت ریسک، و سیستم یا سیستم های تجاری فرد را پوشش می دهد.

طرح تجاری در صورت اجرا شدن، به محدود کردن اشتباهات تجاری و به حداقل رساندن ضرر کمک می کند. می دانیم که اگر برنامه ریزی نکنید، در حقیقت برای شکست برنامه ریزی کرده اید! طرح تجاری امکان تصمیم گیری اشتباه در لحظه را از بین می برد. وقتی حرف از پول است،

احساسات باعث می شوند تصمیمات غیر منطقی بگیرید. و این اصلاً به نفعتان نیست. وقتی یک طرح تجاری مناسب دارید، هر قدم برایتان مشخص شده است، بنابراین مجبور نخواهید بود در لحظه تصمیمات عجولانه بگیرید. کفایت طبق تجربتان عمل کنید. پیش از ادامه دادن بحث، باید به تفاوت بین طرح تجاری و سیستم تجاری بپردازیم. سیستم تجاری نشان می دهد چطور وارد تجارت شده و از آن خارج شوید. سیستم تجاری بخشی از طرح تجاریست اما تنها یکی از بخش های مهم آن است. سایر بخشها عبارتند از: تحلیل، اجرا، مدیریت ریسک، و ...

از آنجایی که شرایط بازار همیشه در حال تغییر است، یک معامله گر خوب معمولاً دو یا بیش از دو سیستم تجاری در طرح تجاری خود دارد.

### چرا طرح معاملاتی لازم است؟

طرح معاملاتی، تجارت را آسان تر ساخته و مسیر مشخصی پیش روی معامله گر می گذارد.

زمانی را تصور کنید که از دستگاه GPS استفاده می کنید. نام جایی که می خواهید بروید را وارد دستگاه می کنید. دستگاه ابتدا متوجه می شود که در حال حاضر کجا هستید و سپس نشان می دهد چطور می توانید به جایی که می خواهید برسید. می توانید دائماً GPS خود را چک کنید تا مطمئن شوید که مسیر را درست طی می کنید. وقتی جایی اشتباه دور می زید، دستگاه می تواند مسیر را اصلاح کند، و شما را دوباره به مسیر درست هدایت نماید.

طرح تجاری، همان GPS تجاری شماست که به شما نشان می دهد که به عنوان یک تاجر در حال حاضر کجا هستید و شما را یاری می کند تا به مقصد خود یعنی سودآوری پایدار برسید.



سفر کردن بدون GPS کار هوشمندانه ای نیست. نمی دانید چطور به مقصد خود برسید

تجارت بدون طرح تجاری نیز درست مثل رانندگی کردن بدون GPS است - فکر خوبی نیست. سعی دارید به سرزمین موعودی به نام "سود پایدار" برسید، اما از آنجایی که اصلاً نمی دانید که در مسیر درست هستید یا نه، به احتمال زیاد حساب خود را خالی خواهید کرد.

فایده طرح تجاری این است که به شما نشان می دهد آیا در مسیر درست قرار دارید یا خیر. طرح تجاری چارچوبی است برای اندازه گیری عملکرد تجارستان و می توانید طرح تجارستان را دائماً چک کنید، درست مثل GPS.

این طرح، تجارت با احساسات و استرس کمتر را برایتان ممکن می سازد، چیزی که بدون طرح تجاری تقریباً امکان ناپذیر است. بدون طرح تجاری یک "تاجر سرگردان" خواهید بود که هر چه به ذهنتان می رسد انجام می دهید، بر اساس تجربه شخصی و احساس عمل می کنید و به حس و حدس های خود یا راهنمایی های دیگران تکیه می کنید. این تجارت نیست - این قمار است!

هرگاه که مبادله ارز می کنید، احتمالاً مضطرب و ناراحت خواهید شد و با گریه بخواب می روید چراکه مانده حسابتان مرتب در حال کاهش است.

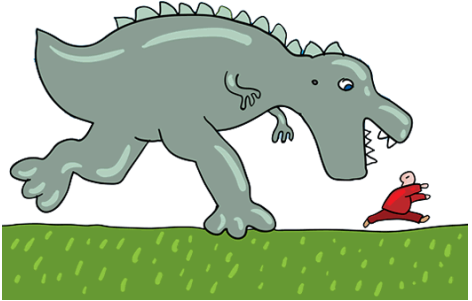
همانطور که GPS هم در پیدا کردن راه کمکتان می کند و هم در مطمئن شدن از مسیری که تا به حال طی کرده اید، طرح تجاری نیز به شما می گوید چطور به سود پایدار برسید و نشان می دهد که آیا در مسیر درست قرار دارید یا نه.

مهم تر از همه اینکه، اگر در تجارت موفق نباشید (که در ابتدا قطعاً نیستید)، می دانید که دلیلش یکی از این دو مورد است: یا طرح تجارستان مشکل دارد یا به طرح تجارستان عمل نمی کنید.

اگر طرح تجاری نداشته باشید، اصلاً نمی توانید بفهمید کجای کارتان درست است و کجای کارتان غلط. هیچ راهی برای ارزیابی نتایج نخواهید داشت، بنابراین هیچگاه نخواهید فهمید چطور از شکست جلوگیری کنید.

روشن است که طرح تجاری موفقیت را تضمین نمی کند اما یک طرح تجاری خوب که طبق آن عمل شود به شما کمک می کند بیشتر از معامله گرانی که طرح تجاری ندارند در این بازار دوام بیاورید. جان سالم به در بردن بهتر از شکست خوردن است و این باید اولین هدف شما به عنوان یک مبادله گر تازه کار باشد.

یادتان باشد، ۹۰٪ از تاجران تازه کار موفق به ادامه حضور در این بازار نمی شوند. و شما می خواهید جز آن "۱۰٪" خاصی باشید که موفق می شوند.



شاید تجارت فی البداهه، وسوسه برانگیز باشد،

اما اگر یک طرح تجاری دقیق تنظیم نکنید یا با نظم و پیوستگی آن را دنبال نکنید، به عنوان یک معامله گر، در کسب سود پایدار با مشکل مواجه خواهید شد.

## خودتان را بشناسید

اولین قدم در ایجاد یک طرح تجاری، این است که ابتدا نگاهی کلی و واقع بینانه به خودتان بیاندازید. پایه و اساس طرح تجاری با تصویری که از خودتان دارید شروع می شود زیرا شما تنها کسی هستید که از این طرح استفاده خواهد کرد. تصویری که از خود دارید، تصویر تجاری شما به عنوان یک معامله گر ارز را نشان می دهد. اینکه به عنوان یک معامله گر ارز چه ویژگی هایی دارید، روش مناسب تجارت برای شما را تعیین می کند. استراتژی ها، سیستم ها، و روش هایی که با سبکتان منطبق نباشند تا حد زیادی شانس موفقیت شما را کاهش می دهند.

بیشتر تاجران تمایل دارند فوراً به سراغ ایجاد یا پیدا کردن سیستم ها و استراتژی های تجاری بروند، اما اگر ابتدا زمانی را به تصویر سازی از خودشان اختصاص ندهند نمی توانند تشخیص دهند که چه سیستم ها و استراتژی هایی با شخصیت و موقعیت منحصر به فردشان منطبق است.

پیش از آنکه به کلیک کردن روی دکمه خرید یا فروش روی نرم افزار معاملاتی فکر کنید، ابتدا باید چند سؤال را از خودتان پرسید تا بتوانید طرح تجاری خود را به نحو احسن تنظیم کنید. در این زمان، باید جواب هایتان را یادداشت کنید. نوشتن جواب ها به شما یادآوری می کند که قرار است چکار کنید و به وفادار ماندن شما به طرح تجاریتان کمک می کند.

آماده چند پرسش و پاسخ هستید؟

در بخش های بعدی، چند سؤال مطرح می کنیم که پاسخ آنها به روشن سازی اینکه پروفایل تجاری چیست و چگونه طرح تجاریتان را شکل می دهد کمک می کند.



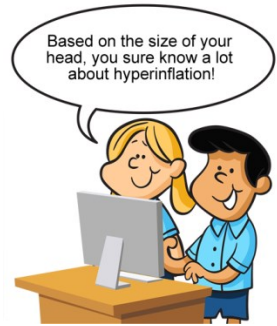
## تعیین هدف و انگیزه

انگیزه شما از مبادله ارز چیست؟

انگیزه تان ثروتمند شدن است؟ دوست دارید کاری پر چالش و هیجان انگیز انجام دهید؟ شخص مورد علاقه تان خرید و فروش ارز می کند و می خواهید او را تحت تأثیر قرار دهید؟

مهم است که انگیزه واقعی خود را بدانید، و اینکه آیا برای این کار مناسب هستید یا خیر. آن دسته از تاجران فارکس که در کارشان جدی نیستند یا تعهد لازم را ندارند به سرعت از بازار حذف می شوند.

برای مثال، دنبال هیجان بودن و دنبال سود پایدار بودن با هم جور در نمی آیند. شاید باز کردن یک موقعیت "بر اساس حدس و شانس" لذت بخش باشد، اما باور کنید، وقتی خرید و فروش با



شکست مواجه شود دیگر لذتی باقی نخواهد ماند.

اگر در پی هیجان هستید، می توانید به کازینو بروید، از هواپیما پایین پرید یا یک ماشین مسابقه F<sub>1</sub> را برانید.

بهتر از آن، اگر دنبال یک هیجان واقعی هستید، با یک ماشین مسابقه F<sub>1</sub> از هواپیما روی یک کازینو پرید. یک هیجان واقعی! اینگونه شاید پول کمتری را نسبت به خرید و فروش از دست بدهید.

هدف یا اهداف خود از خرید و فروش ارز را چه می دانید؟

این مورد را می توان از لحاظ مالی با استفاده از یک هدف سود (بر حسب ارز یا درصد بازگشت) به ازای هر واحد زمان مطرح کرد. برای مثال، ممکن است هدفتان در آوردن ۴۸,۰۰۰,۰۰۰ دلار در ماه یا رسیدن به ۵۲۹٪ بازگشت در هفته باشد.

هدف الزاماً مالی نیست. مثلاً "هدف من از خرید و فروش ارز این است که بتوانم مدل جدید کتانی جردن را بخرم تا دختر مورد علاقه ام را تحت تأثیر قرار دهم که عاشق من شود و با هم به خوبی و خوشی زندگی کنیم"

یا "هدفم این است که آنقدر پول داشته باشم که جراحی پلاستیک کنم و همه را تحت تاثیر قرار دهم"

هر تصمیمی که می گیرید، صرفاً اطمینان حاصل کنید که هدفتان مشخص و قابل اندازه گیری باشد. اهداف تجاری ای برای خودتان قرار دهید که شما را در کسب موفقیت به عنوان یک تاجر کمک کند.

هدف نباید مبهم باشد مثلاً "می خواهم ثروتمند شوم." تغییر این جمله به "می خواهم خیلی ثروتمند شوم." هم کمکی نمی کند.

دقیق تر تعیین هدف کنید!

"می خواهم هفته ای ۱٪ سود کنم."

"می خواهم تا پایان امسال ۵۰٪ مواقع سود کنم."

"می خواهم ظرف شش ماه حسابم را دو برابر کنم."

"امروز نمی خواهم هیچ اشتباهی در خرید و فروش داشته باشم."

وقتی هدف گذاریتان مشخص و قابل اندازه گیری باشد، نه تنها می دانید که واقعاً چه می خواهید، بلکه می توانید پیشرفت خود را بررسی کرده و ببینید که آیا اصلاً پیشرفتی داشته اید یا خیر

### توقعات

انتظار دارید چه نوع بازدهی داشته باشید؟

خب معلوم است، هر کسی که علاقه مند به خرید و فروش ارز باشد قطعاً آرزو دارد پول زیادی کسب کند. منطقی هم هست - خرید و فروش ریسک دارد، و انتظار داریم پاداش این ریسک را بگیریم.

شکی نیست که هر مبادله گر ارز انتظار دارد سود کند.

اما سؤالی که باید از خودتان پرسید این است:

انتظار دارید چه نوع بازدهی داشته باشید؟

جوابی که به این سؤال می دهید نقش مهمی در تعیین سبک خرید و فروشی که به کار خواهید گرفت، جفت های ارز و زمان هایی که خرید

و فروش می کنید، و مهم تر از همه، ریسک هایی که در رسیدن به اهداف خود با آن مواجهید، خواهد داشت.

برای درک بهتر موضوع به این مثال توجه کنید. فرض کنید دو مبادله گر ارز فارکس داشته باشیم، "بروس" و "مایک"

"بروس" می خواهد ۱۰٪ در سال سود کند درحالیکه "مایک" کمی بلند پرواز تر است و می خواهد حسابش را دو برابر کرده ۱۰۰٪ سود کند.

همانطور که می توان حدس زد، معامله گری شبیه "مایک"، که می خواهد حسابش را دو برابر کند، در موقعیت بسیار متفاوتی قرار دارد.



احتمالاً "مایک" باید بیشتر از "بروس" خرید و فروش کند و با ریسک بپذیرد. اگر بخواهد به هدف ۱۰۰٪ سود برسد باید خودش را در معرض ضرر بالقوه بیشتری قرار دهد.

مبادله گران همچنین باید افت سرمایه را هم در نظر داشته باشند.

افت سرمایه معمولاً به عنوان فاصله بین بالاترین ارزش حساب تا پایین ترین نقطه آن محاسبه می شود. هر مبادله گر ارز باید تصمیم بگیرد که برای رسیدن به اهدافش چه میزان افت سرمایه را می تواند بپذیرد.

از طرف دیگر، مبادله گرانی هستند که از ریسک دوری می کنند و ترجیح می دهند افت سرمایه کمتری داشته باشند. بدیهی است که این افراد سود بالقوه ی کمتری نیز خواهند داشت.

از سمت دیگر، مبادله گرانی هستند که مشکلی با افت سرمایه ندارند، به شرطی که سیستم مبادله شان بازده بالایی داشته باشد.

همچنین باید در نظر داشته باشید چه زمانی را می توانید به خرید و فروش اختصاص دهید. اگر نتوانید زمان قابل توجهی را به کار کردن روی سیستم خود، خواندن اخبار بازار و یادگیری تکنیک های جدید خرید و فروش و ثبت و مرور تجربیات خود اختصاص دهید، مطمئن باشید که برای رسیدن به اهداف خود با مشکلات زیادی رو به رو خواهید بود.

اگر نمی توانید این تعهد زمانی را داشته باشید، باید توقعات خود در مورد سود کردن را تغییر دهید.

در آخر، بدانید که موفقیت به خودتان بستگی دارد.

آیا نظم و قاعده لازم برای بالا بردن دائمی مهارت و تجربه لازم برای چیره شدن بر بازار را دارید؟

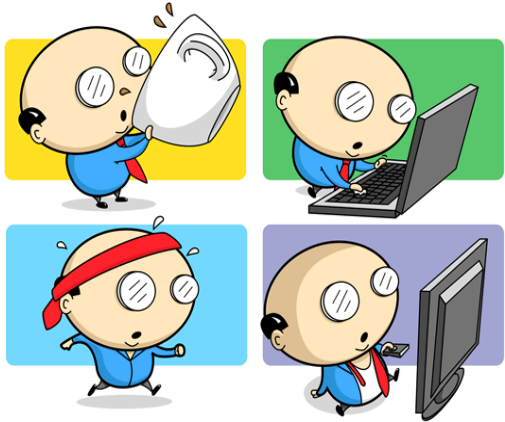
اگر ندارید، در طولانی مدت، انتظار سود ناپایدار را داشته باشید، البته اگر سودی در کار باشد.

## تکالیف روزانه قبل از شروع بازار

قبل از شروع معامله، چه اقداماتی انجام خواهید داد؟

منظور ما این نیست که دوش بگیرید و دندان‌هایتان را مسواک بزنید (گرچه همیشه باید دوش بگیرید و دندان‌هایتان را مسواک بزنید!)

روال انجام تکالیف معاملاتی باید در انجام تکالیف ذیل به شما کمک کند:



- بررسی موقعیتهای معاملاتی باز و انجام تنظیمات ضروری
- بررسی معاملات روزهای گذشته
- هماهنگ کردن خودتان با سرعت بازار
- شناسایی اخبار آتی که می‌توانند موجب بی‌ثباتی شوند
- آمادگی جهت انجام معاملات در جلسه معاملاتی آینده

حالا می‌توانید کل اخبار بازار را بررسی کنید. این کار را می‌توانید به صورت آنلاین، از طریق سایت‌های خبری یا از طریق تلویزیون (CNBC، Bloomberg، BBC) انجام دهید. روند حرکتی بازار را تعیین کنید، معاملات دیروز و چگونگی پایان یافتن جلسه معاملاتی قبلی را مرور کنید، و ناحیه‌های کلیدی بازار مثل حمایت و مقاومت را شناسایی کنید.

حالا وقت آن است که سیستم معاملاتی خود را شروع کنید!

شما می‌خواهید جلسات معاملاتی خود را با احساس آرامش، آسودگی و آمادگی برای اتفاقات پیش رو آغاز کنید.

با عوامل تأثیرگذار بر بازار، خود را به روز نگه دارید. معامله‌گر بی‌خبر، معامله‌گری بدهکار است.

### به برنامه معاملاتی پایبند باشید



بزن بریم آقای بازار! من آماده‌ام!

برنامه معاملاتی شما تنها زمانی کارآمد است که با علاقه دنبال شود. مجبورید به آن پایبند باشید. انجامش به نظر ساده می‌آید. عقل سلیم می‌گوید که همین‌طور است اما اکثر معامله‌گران هنوز نمی‌توانند این کار را انجام دهند. واقعاً چرا؟

### ناهمانگی معامله‌گر

برنامه معاملاتی باید برنامه‌ای شخصی برای شما باشد، برنامه‌ای که با اهداف، تحمل ریسک و سبک زندگی فردی شما متناسب باشد. شما باید هر جزء را بر مبنای شرایط فردی خود توسعه دهید، هرگز این حقیقت را نادیده نگیرید که برنامه باید کاملاً متناسب با شما و نیازهای شما باشد نه نیازهای فرد مورد علاقه یا اقوامتان!

برنامه معاملاتی شما باید بر اساس واقعیت ریخته شود، نه امید. سعی کنید برنامه معاملاتی شخص دیگری را کپی کنید یا برنامه خودتان مبتنی بر فرضیات کذب باشد، با آن هماهنگ نخواهید شد و در دنبال کردن آن به دردسر خواهید افتاد.

راه حل: با خودتان صادق باشید. سپس برنامه معاملاتی خود را اصلاح کنید.

برنامه های معاملاتی برای بلند مدت در نظر گرفته می شوند. بسیاری از معامله گران، پس از تحمل یک رشته ضرر و زیان، برنامه معاملاتی یا سیستم معاملاتی خود را رها می کنند، به جای اینکه در اوقات سخت و دشوار به آن پایبند باشند.

راه حل: صبور باشید!

بی انضباطی: معامله طبق یک برنامه، مستلزم عمل کردن به آن، با وجود همه گرفتاری هاست، و برای رسیدن به آن باید منضبط باشید.

انضباطِ سفت و سخت.

معامله گران بی نظم و انضباط، به برنامه معاملاتی خود عمل نمی کنند. شما باید با انضباط باشید. سفت و سخت.

راه حل: با انضباط بمانید!

رفتار ویرانگر: بعضی از معامله گران عادات روان شناختی دیرینه عمیقی دارند که موفقیت آنها را به خطر خواهد انداخت. این مسأله را می توان با کار سخت روی خود برطرف کرد، اما معامله گر باید قبل از هر چیز، از چنین مسائلی خود آگاهی داشته باشد. اگر مسأله را به طور ریشه ای شناساید، نمی توانید راه حلی برای آن بیندیشید.

راه حل: به آینده نگاه کنید.

### طرح خود اشتغالی کارگزاری فارکسر

کارگزاری فارکسر در راستای ایجاد فضای امن معاملاتی و جهت تبدیل بازار فارکس به یک فرصت شغلی مناسب و پایدار، اقدام به ارائه طرحی کرده که در آن معامله گران و سرمایه گذاران این بازار به کمک قوانین و مقرراتی که از پیش برایشان وضع شده، اقدام به انجام معاملات خود می نمایند.

در این طرح، که در آن مدیریت ریسک و سرمایه به خوبی در آن رعایت شده، هنگام افتتاح حساب برای معامله گر دو نوع حساب افتتاح می شود:

#### حساب پس انداز و حساب معاملاتی

کلیه وجه سرمایه گذاری در حساب پس انداز واریز شده و تنها بخشی از آن جهت انجام معاملات در حساب معاملاتی قرار داده می شود. در این حالت، معامله گر با اطمینان خاطر بیشتر و با شرایط روحی مناسب اقدام به انجام معامله می نماید چرا که تنها درصد کمی از کل سرمایه در معرض ریسک قرار داده می شود و مابقی برای معاملات آینده حفظ می گردد.

همچنین در صورتی که هر یک از معاملات به سود ختم شد، و معامله گر اقدام به خروج از آن معامله نماید، بلافاصله این سود به صورت اتوماتیک به حساب پس انداز منتقل می شود که توسط آن فرد معامله گر از احساس طمع و کسب سود بیشتر و ریسک بیشتر دور خواهد شد.

از جمله موارد بسیار مهم این طرح این است که به محض تجربه ضرر، تا پایان روز کاری، معامله گر مجاز به انجام معامله نخواهد بود و باید تا ساعت ۰۰:۰۰ به وقت GMT منتظر بماند تا بخش دیگری از سرمایه از حساب پس انداز به حساب معاملاتی منتقل گردد.



بنابر این ملاحظه می کنید که این طرح به صورت اجباری قوانین و مقرراتی را برای معامله گران در نظر می گیرد و آنها راهی جز پیروی از قوانین نخواهند داشت.

به عبارت دیگر، کارگزاری فارکسر از جانب معامله گران اقدام به انجام مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه می نماید ( که یکی از بزرگترین دغدغه های معامله گران می باشد) و آنها تنها نیاز به بررسی مناسب و دقیق بازار برای پیدا کردن بهترین نقطه ورود به بازار را دارند.

بدیهی است که ارائه این طرح، گامی موثر و مفید در راستای ایجاد امنیت در بازار تبادلات ارز خواهد بود که به کمک آن میزان ضرر و زیان در این بازار به حد چشمگیری کاهش می یابد.

## گام هفتم

انتخاب کارگزار و افتتاح حساب معاملاتی

### ۶ مورد مهم جهت انتخاب کارگزار

رقابت بسیار شدید در این بازار و وجود هزاران کارگزار، معامله گران را با چالش جدیدی به نام "بررسی و انتخاب کارگزار مناسب" روبرو کرده است. انتخاب کارگزار برای دادوستد می تواند روندی بسیار طاقت فرسا و طولانی داشته باشد. در این بخش به کیفیت‌هایی می‌پردازیم که باید هنگام انتخاب کارگزار به دنبال آن باشید:

#### ۱. نظارت توسط نهادهای مالی

اولین و ابتدایی ترین ویژگی که کارگزار خوب باید داشته باشد، داشتن سطح بالایی از امنیت است. به علاوه، نمی‌خواهید هزاران دلار پول را به فردی بدهید که به سادگی ادعا می‌کند قانونی است، درست است؟

خوشبختانه بررسی اعتبار کارگزار چندان دشوار نیست. سازمانهای نظارتی در سراسر جهان وجود دارند که کارگزاران قابل‌اعتماد را از کلاه برداران جدا می‌کنند.

در زیر فهرستی از کشورها با هیأت نظارتی مربوطه‌شان آورده شده است:

ایالات متحده: کمیسیون ملی معاملات آتی (NFA) و کمیسیون تجارت معاملات آتی کالاهای اساسی (CFTC)

انگلستان: مرجع هدایت مالی (FCA) و مرجع نظارتی مالی (PRA).

استرالیا: کمیسیون سرمایه‌گذاری و اوراق بهادار استرالیا (ASIC)

نیوزلند نهاد مالی و نظارتی FSP

سوئیس: کمیسیون بانک‌داری فدرال سوئیس (SFBC).

آلمان: Bundesanstalt für Finanzdienstleistungsaufsicht (BaFin)

فرانسه: Autorité des Marchés Financiers (AMF)

پیش از آن که به فکر سرمایه گذاری در یک کارگزاری باشید، مطمئن شوید که کارگزار عضو هیأت‌های نظارتی مذکور در بالا است.

### ۲. هزینه معامله

صرف نظر از نوع معامله گری که هستید، همواره در معرض هزینه‌های معامله هستید. هر زمانی که وارد دادوستدی می‌شوید، مجبورید که هزینه ای برای کارمزد معامله یا کمیسیون بپردازید. بنابراین طبیعی است که به دنبال ارزان‌ترین و بهترین نرخ‌ها باشید. گاهی اوقات ممکن است لازم باشد معامله ارزان را به بهای کارگزاری مطمئن تر قربانی کنید.

تمامی جوانب و هزینه های جانبی کارگزاری مورد نظرتان را بررسی کنید و سپس گزینه‌های موجود خود را بازبینی کنید. همه چیز به آن بستگی دارد که توازن صحیحی میان امنیت و هزینه پایین معاملات برقرار کنید.

### ۳. پرداخت و دریافت وجه

کارگزاران خوب، به شما این اجازه را خواهند داد که بدون زحمت سرمایه‌های خود را سپرده و عایدات حاصل از آن را دریافت کنید. کارگزاران واقعاً هیچ دلیلی برای دشوار کردن پس گرفتن سودتان ندارند، زیرا تنها دلیلی که آن‌ها سرمایه‌های شما را نگه می‌دارند، سهولت انجام معاملات است.

کارگزار شما تنها برای ساده تر کردن دادوستد، پول شما را نزد خود نگه می‌دارد، بنابراین دلیلی وجود ندارد که گرفتن سودی که کسب کرده اید، دشوار باشد. باید اطمینان حاصل کنید که روند پس گرفتن سود سریع و روان انجام می‌شود.

### ۴. نرم افزار معاملاتی

در معاملات آنلاین، فعالیت‌های مربوط به دادوستدها در نرم افزار معاملاتی کارگزاران انجام می‌شود. این بدان معناست که نرم افزار معاملاتی کارگزار شما باید کاربرپسند و باثبات باشد.

هنگامی که به دنبال کارگزاری هستید، همیشه چیزهایی را که باید در نرم افزار معاملاتی او عرضه شود، بررسی کنید.

آیا آخرین اخبار بازار به سرعت و دقت در اختیار شما قرار می گیرد؟

ابزار ترسیم نمودار و ابزار فنی که استفاده از آن ساده باشد، چطور؟ آیا آن‌ها تمامی اطلاعاتی را که برای دادوستد صحیح بنیاز دارید، ارائه می کنند؟

### ۵. اجرای دستورات

لازم است کارگزارتان بهترین قیمت ممکن را برای سفارش‌های شما ارائه کند.

تحت شرایط عادی بازار (برای مثال نقدینگی عادی، اعلام نشدن خبرهای مهم) واقعاً هیچ دلیلی برای آن وجود ندارد که وقتی روی دکمه "خرید" یا "فروش" کلیک می کنید، کارگزارتان قیمت بازار، یا قیمتی بسیار نزدیک به آن را، به شما ارائه نکند.

برای مثال، فرض کنید شرایط انجام معامله برای شما فراهم است، اگر روی "خرید" یورو/دلار آمریکا به قیمت ۱.۳۰۰۰ کلیک کنید، باید همین قیمت یا با اختلاف میکرو-پیپ‌هایی از آن، به شما داده شود. سرعت ارائه شدن سفارش‌های شما بسیار مهم است، به ویژه اگر معامله گری باشید که با اندکی کاهش و افزایش قیمت‌ها، اقدام به خرید و فروش می کنید.

چند پیپ اختلاف در قیمت می تواند موفقیت در این دادوستد را برایتان بسیار دشوارتر کند.

### ۶. خدمات مشتری

کارگزاران کامل نیستند، بنابراین باید کارگزاری انتخاب کنید که هنگامی که به مشکلی برخوردید به راحتی بتوانید با آنان تماس بگیرید. رقابت میان کارگزاران هنگام رسیدگی به مسائل حساب‌ها یا پشتیبانی فنی به اندازه عملکرد آن‌ها در اجرای دادوستدها مهم است. ممکن است کارگزاران در هنگام فرایند افتتاح حساب مهربان و یاری‌رسان باشد اما در خصوص پشتیبانی "پس از فروش" اینگونه نباشد!

## افتتاح حساب معاملاتی در فارکس

پس از آن که کارگزار مناسبی برای خود یافتید، می‌توانید در سه گام ساده، حساب معاملاتی آنلاین جدیدی باز کنید:

۱. انتخاب نوع حساب

۲. ثبت قرارداد

۳. فعال‌سازی حساب

پیش از آن که حتی با یک سکه ده سنتی از پول‌هایتان که به سختی به دست آورده‌اید، دادوستد کنید، می‌توانید درباره افتتاح حساب تمرینی فکر کنید. می‌توانید دو یا سه حساب تمرینی رایگان باز کنید. چندین کارگزار مختلف را امتحان کنید تا کارگزاری را که احساس می‌کنید برایتان مناسب است بیابید.

### انتخاب نوع حساب

هنگامی که برای افتتاح حساب واقعی آماده شدید، باید انتخاب کنید که می‌خواهید نوع حساب معاملاتی تان چگونه باشد: حساب شخصی یا حساب شرکتی؟

در گذشته، هنگام افتتاح حساب معاملاتی، می‌بایست انتخاب می‌کردید که می‌خواهید حسابی "استاندارد" باز کنید، یا حساب "کوچک (مینی)" یا حساب "بسیار کوچک (میکرو)"

هم‌اکنون، این موضوع زیاد مشکل‌ساز نیست زیرا اغلب کارگزاران به شما اجازه می‌دهند تا به مقادیر دل‌خواه خود، خرید و فروش کنید. این موضوع برای کاربران جدید و معامله‌گرهای کم‌تجربه، که حساب کوچکی دارند، بسیار ارزشمند است. این امر انعطاف‌پذیری بالایی را در انتخاب حجم معاملات در اختیار شما می‌گذارد.

هم‌چنین، همیشه، همیشه، همیشه به یاد داشته باشید: همیشه متون چاپ‌شده با حروف ریز را بخوانید.

برخی کارگزاران در فرم درخواست خود گزینه "حساب مدیریت‌شده" دارند. اگر می‌خواهید کارگزار با موجودی حسابتان برای شما دادوستد کند، می‌توانید از این گزینه استفاده کنید.

اما واقعاً از این مورد چه می‌خواهید؟ به‌علاوه، شما ۷ گام را نخوانده‌اید که برخی افراد دیگر برای شما دادوستد کنند!

علاوه بر این، افتتاح حساب مدیریت‌شده مستلزم حداقل سپرده بسیار زیادی است، که معمولاً ۲۵۰۰۰ دلار یا بیشتر است. هم‌چنین، آنها بخشی از سود حاصله را به عنوان کارمزد از شما دریافت خواهند کرد.

### ثبت قرارداد

برای باز کردن حساب مجبور خواهید بود کاغذبازی‌هایی انجام دهید. فرم‌های افتتاح حساب در کارگزاری‌های مختلف متفاوت خواهد بود. این فرم‌ها معمولاً در قالب pdf ارائه می‌شوند، که با برنامه adobe acrobat reader قابل مشاهده و چاپ است.

هم‌چنین، مطمئن شوید که از تمامی هزینه‌های مربوطه اطلاع دارید، مثلاً بانک چه مقدار بابت انتقال وجه دریافت می‌کند. از این‌که این مبالغ به چه میزان هستند شگفت‌زده می‌شوید، و ممکن است بخش قابل توجهی از سرمایه تان در این مسیر صرف شود.

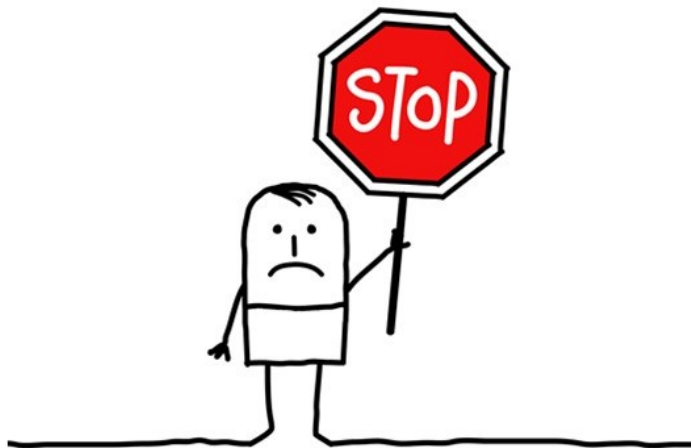
### فعال‌سازی حساب

هنگامی که از کارگزار تمامی فرم‌های لازم را دریافت کرد، باید ایمیلی حاوی دستورالعمل‌ها در خصوص تکمیل فعال‌سازی حسابتان دریافت کنید. بعد از آن که این کارها انجام شدند، ایمیلی نهایی حاوی نام کاربری، رمز عبور و دستورالعمل‌هایی در خصوص نحوه واریز وجه در حسابتان دریافت خواهید کرد.

پس تمام آن‌چه برای شما می‌ماند وارد شدن و آغاز دادوستد است. بسیار آسان است، نه؟

زمان آن رسیده که وارد شوید، نمودارها را سریعاً باز کنید و شروع به دادوستد کنید!

اما فقط یک دقیقه صبر کنید



شدیداً به شما توصیه می‌کنیم که در ابتدا با حساب تمرینی شروع کرده و شرایط بازار را تجربه کنید. حساب تمرینی خجالت ندارد - هرکس باید از جایی شروع کند.

اگر حداقل برای شش ماه با حساب تمرینی معامله کرده باشید، آن‌گاه شاید بتوانید وارد معامله در حساب واقعی شوید. حتی در آن زمان، پیشنهاد می‌کنیم با حجم معاملاتی کم وارد شوید و در نظر داشته باشید که تا چه حد می‌خواهید ریسک کنید.

در مجموع معامله با حساب واقعی بسیار متفاوت است بدلیل آنکه در این نوع حسابها، معاملات با پول واقعی انجام می‌شود و احساس شما در هنگام معاملات بسیار بر میزان عملکردتان در بازار تاثیر خواهد گذاشت.

اهمیتی ندارد تا چه حد در حساب تمرینی موفق هستید، هیچ چیز نمی‌تواند جای احساس معامله با پول واقعی را در یک حساب معاملاتی واقعی بگیرد.